

نبرد خلق

شماره ۳۰۳
دوره چهارم سال بیست و هفتم
اول مهر ۱۳۸۹

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سرمقاله ...

یادداشت سیاسی ...

"روز قدس"

نشان داد، شرایط به
پیش از خرداد ۸۸ باز
نمی گردد

احمدی نژاد بهترین گماشته ولی فقیه



مهدی سامع

«قیام بیشماران علایم ظهور یک جامعه دمکراتیک و مدرن و با حکومتی عرفی را به همه نشان داد. دو نیرو در مقابل هم صف آرایی کرده اند و سرنوشت آینده کشور ما بستگی به نتیجه این نبرد دارد. یا مدافعان حکومت و جامعه دمکراتیک، عادلانه و عرفی و یا بی دنده و ترمزها و جمکرانیها. همه امکانات و فرصتها برای انتخاب میانه که مستلزم تقسیم قدرت است، با طراحی ولی فقیه و به دست احمدی نژاد سوخته است.»

در صفحه ۲

منصور امان

«سازش زیر فشار، زهری است که به صورت قطره ای به کام دو طرف می ریزد. تنها نقطه روشن برای آنها در این معامله آن است که هنگامی که به گرداب فرو می روند تنها نیستند و متحدان شان را هم با خود به زیر خواهند برد.»

در صفحه ۳

تحمیل ریاضت کشی، تبلیغ

فقر و سیاه روزی

زینت میرهاشمی

«دبیر شورای نگهبان توصیه های آخوند گونه یی که فاقد هرگونه ارزش و اعتبار است به مردم کرد. و کارگرانی که ماهها مزد دریافت نکرده اند و امکان تهیه ابتدایی ترین احتیاجات زندگی را برای فرزندان خود ندارند به این سخنان ریشخند زدند.»

در صفحه ۴

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۴)

لایحه حمایت از خانواده: گذار از
بحران یا فرو غلطیدن هر چه بیشتر
در آثار و تبعات فراگیر آن

آناهیتا اردوان

«روی میز آمدن مجدد لایحه موسوم به حمایت از خانواده و ارایه پیشنهادهای در رابطه با یک سری مواد آن از سوی ارتجاع حاکم، از نقطه نظر سیاسی جهت هرچه ایزوله کردن زنان و جلوگیری از گسترش مبارزه آنان دوشادوش دیگر اقشار جامعه می باشد.»

در صفحه ۱۲

سوار بر بال بحران

جعفر پویه

«اینکه شایعه مرگ یک فرد بلندپایه رژیم بتواند آنچنان موجی از شادی و شمع به وجود آورد که شنوندگان آن سر از پا نشانند، نشانه اندازه مقبولیت رژیم و درجه منقریبت پایوران آن نزد توده مردم است. حال با این درجه از مشروعیت چه کسی باور می کند که رژیم بتواند درگیر بحرانی شود که امکان تبدیل شدن آن بر ضد خودش از هر امکان دیگری بیشتر است.»

در صفحه ۸

لیلا جدیدی

«در برابر این کشتار و بی عدالتی بر مردم ساکن سرزمینهای اشغالی، نوار غزه و کناره رود اردن از یک سو حماس با برخورداری از حمایتهای مالی جمهوری اسلامی از پروسه صلح و راه حل "دو ملت، دو کشور" جلوگیری می کند و از سوی دیگر، محمود عباس دست به چابلوسی زده و به خاطر عدم توانایی در پیشبرد مذاکرات عادلانه، تسلیم تصمیمات آمریکا می شود.»

در صفحه ۱۰

درگذشت ستار لقایی

م. وحیدی

در صفحه ۲

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

"به من بگو چه کسی از تو تعریف می کند، به تو خواهیم گفت اشتباهت کجاست" (ولادیمیر ایلیچ لنین، ۱۹۲۴-۱۸۷۰)

در صفحه ۱۸

بیست و نهمین سالگرد تأسیس

شورای ملی مقاومت ایران

«ما باردیگر برای تحقق مبرم ترین خواست مردم ایران، که سرنگونی رژیم ولایت فقیه است، تجدید پیمان می کنیم. ما برانیم که هر کس که با دیکتاتوری دینی نیست و به رای و حاکمیت جمهور مردم پایبند است، با ماست. ما همه با هم هستیم و با اتحاد و همبستگی می توانیم رژیم ولایت فقیه را به زیر بکشیم.»

در صفحه ۱۳



در صفحه ۲۰

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

سرمقاله

احمدی نژاد بهترین گماشته ولی فقیه

مهدی سامع

چراغ سبز ولی فقیه صورت گرفته است؟
ایا مجلس در نظام ولایت فقیه به طور واقعی در «راس امور» است و یا این حرف ریاکارانه آیت الله خمینی مثل بسیاری از حرفهای او برای حل و فصل یک مشکل مقطعی بیان شده است؟
سوالهای دیگری هم در همین راستا می توان مطرح کرد و دو پاسخ متضاد به آن داد.



این سوالها را می توان در یک سوال کلی خلاصه کرد. آیا قدرت و سرکردگی واقعی قدرت به طور مطلق در دست ولی فقیه است و یا ولی فقیه در مشارکت با سپاه پاسداران و باند احمدی نژاد قرار دارد که این شرکا به طور نسبی مستقل از ولی فقیه و در مواردی در تضاد با او به حیات سیاسی خود ادامه می دهند؟

برای پاسخ به تمامی این سوالها باید گفتار و رفتار ولی فقیه را طی ۵ سال گذشته و به ویژه طی یک سال گذشته مورد توجه قرار داد. آقای خامنه ای در همه سخنرانیهای مهم خود که به طور کلی با توپ و تشر به رقبای احمدی نژاد همراه بوده از دولت و به ویژه شخص احمدی نژاد حمایت کرده است. خامنه ای به طور شفاف، صریح و علنی گفته است که احمدی نژاد را بر یار دیرینه اش یعنی هاشمی رفسنجانی ترجیح می دهد. آیت الله خامنه ای در سخنرانی روز ۸ شهریور امسال خود که دولت احمدی نژاد را از «کارهای موازی» در عرصه های مختلف از جمله سیاست خارجی پرهیز داد، علاوه بر وراجهای همیشگی در مورد «فتنه» ای که به گفته او «ضربه سختی به روند کار» حکومت ایجاد کرده و مثل خوره ولایتش را می خورد، چندین بار

یکی از مسائلی که پس انتخابات قلابی سال گذشته و صعود مهندسی شده محمود احمدی نژاد مطرح شده، موضوع ترکیب جدید قدرت و کیفیت رابطه محمود احمدی نژاد و سپاه پاسداران با ولی فقیه است. تشدید تضاد در درون هرم قدرت یکی از نشانه های بحران غیرقانونی است و برآمدهای توده ای این تضاد و به همراه آن شکاف در درون حاکمیت را هرچه بیشتر تشدید کرده است.

اما آن چه در طی ماههای گذشته و در جدال درون قدرت به وقوع پیوسته، به خاطر بعضی از ویژه گیهای بی نظیرش این سوال را به جد مطرح کرده که آیا موجودیت احمدی نژاد و نیروی پشتیبان اش، به شکلی که بعضی از تحلیلگران سیاسی مطرح می کنند، مستقل از ولی فقیه و یا در مواردی در تقابل با او عمل می کند؟

آیا احمدی نژاد و یا باند نظامی امنیتی در یک شراکت به طور نسبی مساوی با ولی فقیه هستند و احمدی نژاد می تواند بدون چراغ سبز خامنه ای دست به حرکاتی بزند که موجب آشفتنگی سایر باندهای پیرامون ولی فقیه شود؟ آیا در واقعیت آن گونه که منوچهر متکی ادعا می کند احمدی نژاد «مصدق بارز بر شاخه نشستن و بن بردن» است.

آیا احمدی نژاد در حرف و عمل مخالف «فصل الخطاب» بودن خامنه ای است؟

آیا صدور احکام احمدی نژاد مبنی بر انتصاب نمایندگان ویژه و یا مشاورین مخصوص در امور خاورمیانه، آسیا، خزر، افغانستان و... که برای باند مولف و نیروهای پیرامون آن ایجاد دغدغه کرده بدون چراغ سبز خامنه ای صورت گرفته؟

آیا آن گونه که حبیب الله عسگر اولادی و باند مولف در ملاقات و در بحثهای به قول عسگر اولادی «طلبگی» با احمدی نژاد گفته اند همراهان و همفکران رییس جمهور در «تولی به ولایت امتحان خوبی» پس نداده اند؟ (خبرگزاری فارس، ۸ شهریور ۱۳۸۹)

آیا این حرف احمدی نژاد که در ملاقات با سرکردگان باند مولف گفته «باید اصولگرایی را باز تعریف کنیم» خلاف دیدگاه و عمل ولی فقیه است؟ آیا همایش ایرانیان فرصت طلب مقیم خارج بدون صلاحدید و تأیید خامنه ای صورت گرفته و ادا و اطوارهای «ملی گرایانه» اسفندیار رحیم مشایی بدون

از احمدی نژاد حمایت کرد و حتی به مجلس دستور داد که در لایحه برنامه پنجم تغییرات اساسی ایجاد نکنند. خامنه ای گفت مجلس را باید «از تغییرات اساسی در برنامه پنج ساله ارائه شده دولت» پرهیز داد و اضافه کرد که «در بسیاری از مسائل حق با دولت است اما اعضای دولت باید در همه احوال انتقادپذیری و سعه صدر را در خود نهادینه کنند.» و البته برای این که کسی ادرس اشتباه از حرفهایش نگیرد تأکید کرد که «تحرک دیپلماتیک دولت انصافا قابل تشکر» است. (خبرگزاری فارس، ۸ شهریور ۱۳۸۹)

خامنه ای در یکی دیگری از سخنرانیهایش از شعارهای دولت به جد حمایت کرد. نحوه حمایت ولی فقیه از احمدی نژاد به شکلی نیست که گویا خامنه ای از یک متحد وقادار پشتیبانی می کند. بیت خامنه ای گرداننده اصلی ارادل و اوباشی است که به مثابه «امت همیشه در صحنه» به یاری احمدی نژاد می شتابند. آن دسته از نوحه خوانها، رمالها، کارچاقکنها، قداره بندان، قاقچاق چپان و روضه خوانهایی که همیشه حاضر به براق در کنار ارادل و اوباش انجام وظیفه می کنند، بدون حمایت بیت خامنه ای مثل برف آب خواهند شد. پاسدارانی همچون محمود احمدی نژاد، سید حسن فیروزآبادی، محمد علی جعفری و اسفندیار رحیم مشایی تا جایی می توانند مستقل عمل کنند که اصل گماشتگی و سرسپردگی را فراموش نکنند. این محمود احمدی نژاد نیست که به چاه جمکران متوسل می شود. این تراژدی تاریخ میهن ما به وسیله مرجع خود خوانده مهندسی شده است. این خامنه ای است که احمدی نژاد را از چاله جمکران بیرون می کشد تا به وسیله یک گماشته بی مقدار بتواند سیاست بی دنده و ترمز را پیش ببرد. خامنه ای برای این که خودش را جانشین پیغمبر و نایب امام زمان معرفی کند به یک کوتوله سیاسی از محصولات چاله جمکران نیاز دارد که در پررویی و وقاحت و همزمان در ریاکاری و دروغگویی بی نظیر باشد. احمدی نژاد کسی است که می تواند فرصت طلبانه به ستایش از کتیبه کوروش بپردازد، خانمهای به گفته روزنامه های دولتی بد حجاب را در یک سمینار دعوت کند، برای مصاحبه با کریستین امانپور شرط داشتن روسری را به مصاحبه کننده تحمیل نکند و همزمان در محفل ارادل و اوباش همراه با نوحه خوانها بر سر بکوبد و مزه مزه ظهور قریب الوقوع دهد. احمدی نژاد باید با توسل همزمان به «مرز پر گهر ایران» و «چاه جمکران» ولایت خامنه ای را پاسداری کند.

احمدی نژاد هم با حذف یارانه ها وحشیانه ترین شکل لیبرالیسم اقتصادی را سامان می دهد و هم با گدا پروری و صدقه دادن جامعه را به تباهی می کشد.

برای دفاع از اصل ولایت فقیه که پایه اساسی نظام جمهوری اسلامی است، فردی مثل احمدی نژاد لازم است تا با پررویی و ریاکاری و البته استفاده از زایه احمدی نژاد بهترین پاسدار برای نظامی است که خمینی آن را بنیان گذاشت و این نظام در این مرحله از رشد و تکامل خود و در شرایطی که برای حفظ آن باید هرچه بیشتر منقبض و یک پایه شود به ناچار احمدی نژادی می شود. احمدی نژاد یکی از انتخابها و یکی از فرصتها برای ولی فقیه نیست. احمدی نژاد و دولت احمدی نژادی و سیاست یک پایه کردن و اعلام جنگ به مردم ایران و جامعه جهانی یک جبر گریز ناپذیر برای پابرجا ماندن ولایت خامنه ای است.

تنی چند از قلم به مزدان خامنه ای با تشریح علایم ظهور، احمدی نژاد را یکی از معاونان «آقا امام زمان» معرفی کرده اند تا در توصیف شرایط ظهور و این که در دهه هشتاد بیشترین شرایط برای ظهور فراهم است، برای خامنه ای نقشی بی بدیل واگذار کنند. برای همین است که برای احمدی نژاد نباید نقشی بیشتر از یک گماشته سرسپرده بارگاه خامنه ای قابل شد. دفاع قاطع ولی فقیه از احمدی نژاد لازمه حراست از سلطنت مطلقه خامنه ای است. آقای خامنه ای در دامنه از گماشته اش لجاجت نمی کند بلکه با هشیاری از ولایت ننگین اش پاسداری می کند. اگر دفاع قاطعانه ولی فقیه از احمدی نژاد نبود همین مجلس فکسنی و بی خاصیت او را کله پا کرده بود.

در نیمه این دهه وقتی آقای کروبی به خواب رفته بود، احمدی نژاد از صندوق مارگری و شعبده بازی خامنه ای ظهور کرد و هاشمی رفسنجانی با بهت و حیرن مجبور شد به خدا پناه ببرد. طرح مهندسی شده ولی فقیه برای ظهور مجدد احمدی نژاد در سال ۱۳۸۸ با واکنش گسترده جامعه روبرو شد. قیام بیشماران علایم ظهور یک جامعه دموکراتیک و مدرن و با حکومتی عرفی را به همه نشان داد. دو نیرو در مقابل هم صف آرایی کرده اند و سرنوشت آینده کشور ما بستگی به نتیجه این نبرد دارد. یا مدافعان حکومت و جامعه دموکراتیک، عادلانه و عرفی و یا بی دنده و ترمزها و جمکرانیها. همه امکانات و فرصتها برای انتخاب میانه که مستلزم تقسیم قدرت است، با طراحی ولی فقیه و به دست احمدی نژاد سوخته است. مردم ایران برای رهایی خود راهی جز سرنوختن کردن رژیم ولایت فقیه ندارند و برای تحقق چنین امری تلاش پیگیرانه ضروریست.

سرمقاله

"روز قدس" نشان داد، شرایط به پیش از خرداد ۸۸ باز نمی گردد

منصور امان

تظاهرات حکومتی روز قدس همچون سال گذشته برخلاف خواست ترتیب دهندگان آن تریبونی برای نمایش تداوم روندهایی بود که خارج از اراده و کنترل آنها به حرکت درآمده است. یک سال پیش حضور بی واسطه جنبش اجتماعی جلوه و بازتاب به کلی متفاوتی به صحنه ای داد که "نظام" با هدف مانور ثبات و همچنین پُر رنگ کردن خط کشی خود در سیاست خارجی به طور سنتی آراسته بود و امسال، سایه سنگین خیزشها وظیفه بر هم زدن این لشکرکشی، بردن سوژه نمایش به حاشیه و به سطح آوردن آشکار تر موضوع اصلی سیاست در ایران را به گردن گرفته بود.

رژیم همچنان در حالت فوق العاده

نخستین ویژگی مشاهده پذیر در این روز، استمرار حالت فوق العاده در کشور و قرار داشتن کماکان حکومت در آرایش جنگی است. اگر چه حتی کارگزاران رده پایین در سیستمهای اداری، نظامی و امنیتی نیز ادعای پُر آب و تاب و رووسای خود مبنی بر سرکوب اعتراضها را نمی توانند جدی بگیرند، با این حال تدارکات سنگین سخت افزاری و دستپاچگی آشکاری که تلاشهای حکومت برای آمادگی رویارویی با جنبش اجتماعی در این روز را همراهی می کرد، برای تایید محکم تر شرایط به شدت ناپایدار کافی بود.

اشغال خیابانها و میدانهای اصلی شهرها با نیروهای مسلح و امنیتی و به قراول فرستادن اوباش استخدام شده در کوچه ها، نمایش "روز قدس" را نه یک تظاهرات پُر خرج دولتی بلکه، اردو کشی تمام عیار نظامی - امنیتی به منظور حفاظت از دروازه های باز قلعه "نظام" در این روز جلوه گر می ساخت. آیت الله خامنه ای و همدستان، آژیر وضعیت قرمز را به بلندترین طنینی که می توانست از آن برخیزد، به صدا در آورده بودند. آنها نشان می دادند که آمادگی و تدارک برای جان سالم به در بردن از "روز قدس" را مُقدم بر هر امر دیگری و از جمله اعتبار تبلیغات گراف خود مبنی بر پایان "فتنه" و درآوردن چشم و تراشیدن ابروی آن می انگارند. در حالی که "ام القرا" به دلیل جهت گیری ویژه در سیاست خارجی و الزامات ناشی از آن محکوم به روی صحنه بردن نمایش "روز قدس" بود، همزمان ناچار بود برای رویارویی با ریسکهای داخلی و کاهش آن به

تدبیرهایی مُتوسل شود که آثار مورد انتظار از این نمایش رو به بیرون را خنثی می کند. ترتیب دادن تظاهرات تحت حفاظت چُماق و تفنگ و جولان دادن وحشت زده با گارد دفاعی، خالی بودن چنته رژیم جمهوری اسلامی را به دولتها و جریانهایی که به این یا آن شکل با جنگ نمایندگیهای آن درگیر هستند، یادآوری می کند.

اهمیت "روز قدس" در سال جاری

این ناهمگونی را به ویژه با نگاه به چارچوبی که نمایش خارجی "روز قدس" در کادر آن اجرا گردید، بهتر می توان دریافت. آغاز گفتگوهای مُستقیم فلسطین و اسرائیل پس از یک دوره به نسبت طولانی انجماد مذاکرات دوطرفه، برای جمهوری اسلامی که حساب خود را روی تنش در این منطقه باز کرده است، یک زنگ خطر جدی به حساب می آید. "عقبه استراتژیک نظام" و به بیان روشن تر، گروهها و باندهای مُسلحی که موجودیت آنها برآمده از بحران و تضادهای فعال است و به خوبی می توانند برای رفع نیازهای مالی و تسلیحاتی خود، منابع تامین آن را در نقش پذیرندگی بپذیرند، بازنده های اصلی پروسه ی تنش زایی هستند. به همراه تضعیف نقش آنها، مسیر نفوذ و نشان گذاری سرمایه گذار نیز با مانع روبرو شده یا به کلی مسدود می گردد.

واکنش عصبی و پرخاشگرانه رهبران و پاپوران جمهوری اسلامی در برابر مذاکرات واشنگتن، معادله مزبور را در شکل مادی توضیح می دهد. این در حالی است که انتظاری که از نتیجه این گفتگوها می رود، حدانکر بسیار مُتواضعانه می تواند باشد و از این رو نمی توان آن را خطری دانست که در دراز مدت جمهوری اسلامی را تهدید می کند. جبهه گیری همه جانبه و شتابزده رژیم ولایت فقیه با این وجود نشان می دهد که خود را در موقعیتی نمی بیند که سیاستهای خویش را با نگاه به آفقیهای استراتژیک و درازمدت اتخاذ و تنظیم کند.

هر گاه به موقعیتی که جمهوری اسلامی هم اکنون در آن بسر می برد نگریسته شود، آنگاه دلیل حساسیت و تحریک پذیری در مقابل تحولاتی که "نظام" به گونه مُستقیم یا با واسطه بخشی از موضوع آن محسوب می شود، آشکار تر می گردد. بحران خارجی جمهوری اسلامی اکنون با دو

ویژگی مُهم همراه گردیده است. نخست وضع تحریمهای پی پیشینه و دیگری، پیوستن تنها شرکای مُهم خارجی آقای خامنه ای به جبهه مُقابل. دو عامل مزبور به تنش مُناسبات کیفیت جدیدی می بخشد که تحت تاثیر آن "نظام" در بیشتر پهنه های مُعارف رویارویی به نقش واکنش دهنده صرف رانده شده و خود از امکان شرکت در بازی و مانور بی بهره می گردد. تنها استثنا در این مُعادله، حوزه های غیرمُعارف تروریسم، صدور بُنیادگرایی و در گام بعدی جنگ مُستقیم است.

انتخاب بین بد و بد تر

با توجه به این شرایط، قُدرت نمایی در روز "قدس" و به رُح کشیدن توان و آمادگی خود برای حرکت در حوزه های غیرمُعارف از بُعد خارجی (چه برای طرفهای خارجی و چه برای دست نشاندهگان یا مستمری بگیران خود) بیش از هر زمان دیگری برای جمهوری اسلامی می توانست جنبه حیاتی داشته باشد. اما آنگونه که "رهبر" و مُریدانش این نمایش را روی صحنه بُردند، فقط می توانست بر ضد این هدف عمل کند. آنها نشان دادند که به شدت از مردُم خود و پتانسیل انفجاری اعتراضها در جامعه در هراسند و همه ی مُحاسبات خویش را بر این اساس جمع و تفریق می زنند. یک رژیم بدون پُشتیبانی و مشروعیت اجتماعی، نه تنها در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی آسیب پذیر است بلکه، به همین سبب حتی از مانور روی محورهای اقتدار خود نیز ناتوان خواهد بود.

حُکومت و گردانندگان آن را نمی توان مُتهم کرد که ارزیابی دُرستی از پیامی که ارسال خواهند کرد، نداشتند. آنها ناچار به انتخاب بین بد یعنی، برگزاری مراسم با همه ی ویژگیهای نامطلوب آن و بد تر یعنی، مسکوت گذاشتن آن بودند. صحنه ی عمل اما نشان داد که مدیریت چنین بندبازی لغزانی تا چه اندازه دُشوار است و چگونه ارجحیتها بدون هیچ مُلاحظه یا مصلحت اندیشی خود را تحمیل می کند.

از همان لحظه ای که اوباش حُکومتی به منزل کرویها حمله بردند (یک هفته پیش از "روز قدس") طرح "نظام" برای این روز می توانست شکست خورده انگاشته شود. اقدام مزبور که به هیچ روی تصادفی نبود و در راستای دلوایی و پیشگیریهای امنیتی صورت

می گرفت، نقطه آغاز روندی بود که در نهایت با بیرون ریختن همه جانبه تشویشهای یک رژیم بی ثبات در ۱۹ شهریور (روز قدس) به نقطه اوج خود رسید.

سال گذشته جنبش اجتماعی، سیاست داخلی را به ویژه با شعار "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" بر مصالح "نظام" در سیاست خارجی تقدم بخشید و امسال این حُکومت بود که به دلیل وحشت از اعتراضها، به شیوه خود برای سیاست داخلی ارجحیت قابل می شد و آن را مرکز توجه خویش قرار می داد. دلیل این انتخاب دُشوار را اتخاذکنندگان آن برای همه آنهاهی که

از درک توازن واقعی بین بالا و پایین ناتوانند، بیان کرده اند، از جمله سرکرده سپاه پاسداران، آقای مُحمد علی جعفری دو روز پیش از مراسم حُکومتی، مُخاطبان خود را متوجه ساخت: "فتنه ای که سال قبل سعی به چالش کشیدن ساختار جمهوری اسلامی داشت، به مراتب از هشت سال دفاع مُقدس خطرناک تر بود."

پیشتر از او آقای مُحمد جواد لاریجانی که از وی به عنوان طراح نظریه "ام القرا" یاد می شود گفته بود: "فتنه سال گذشته به لحاظ استفاده نیروها قابل مُقایسه با یک جنگ نبود بلکه، به مراتب بالا تر از یک جنگ بود."

فُرصت طلبان روی دوش ناتوان حُکومت

به مُوازات آنکه حُکومت هر چه بیشتر سیاستها و اهداف خود را با کنش و واکنش جنبش اجتماعی تنظیم می کند و زیر تاثیر و نفوذ آن قرار می گیرد، تلاش بخشی از "خودی" های از قُدرت رانده شده برای جلب رضایت آن به دادن برخی امتیازها افزایش می یابد. این سیاست با کوشش برای مهار جنبش از طریق اشاعه دادن مرزبندیهای رایج "نظام" و خطوط قرمز حُکومتی به داخل آن تکمیل می شود.

بر خلاف آنچه که مُمكن است به نظر آید، نیروی مُحرک این کوششها نه فروکش کردن جنبش اعتراضی و در نتیجه آن، ایجاد فضای تحرک برای همراهان تصادفی، فرصت طلب یا موقتی آن بلکه، تضعیف موقعیت عمومی حُکومت و در پی آن، شکل گیری وضعیت جدید برای جریان یاد شده است. راست "اصلاح طلب" که

بقیه در صفحه ۴

سرمقاله ...

تحلیل ریاضت کشی، تبلیغ فقر و سیاه روزی

زینت میرهاشمی

بقیه از صفحه ۳

برجسته ترین نمایندگان آن آقایان رفسنجانی و خاتمی هستند، این شرایط را برای گرفتن امتیازاتی از باند ولی فقیه که راه آنان برای بازگشت به دستگاه قدرت را هموار می کند، مناسب تشخیص داده اند. مبنای این ارزیابی را از یک طرف ناتوانی رقیب آنها در سرکوب اعتراضها و بازگشت به دوران تعادل و از طرف دیگر، نگرانی روزافزون گرایش راست سنتی از حذف خود که آنها را به سمت یارگیریهایی تازه برای تقویت خود رانده، تشکیل می دهد.

راست اصلاح طلب در برابر تغییر جبهه ی خود و تلاش در جهت لگام زدن بر جنبش اجتماعی و مدیریت لایه های اجتماعی اش، خواستار کنار گذاشته شدن آقای احمدی نژاد و کنترل و محدود ساختن جریان نظامی - امنیتی پشتیبان وی است. از آنجا که مطالبه مزبور به خوبی با خواست و منافع راست سنتی همخوانی دارد، آنها شانس تشکیل یک ائتلاف سیاسی جدید بر این پایه را واقعی ارزیابی می کنند.

لازم به گفتن نیست که شرط پایه ای موفقیت این راهکار، اعتمادسازی و به بیان بهتر فاصله گیری از جنبش اجتماعی و مطالبات اش و به موازات آن تاکید و درشت نویسی محورهای مشترک با راست سنتی و عناصر ناراضی باند ولایت می باشد.

در این رابطه می توان به ادعای جالب حجت الاسلام کدیور اشاره کرد که به کلی مُنکر سر داده شدن شعار "نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران" شد و یا فراخوان پُر آب و تاب حجت الاسلام مُحمّد خاتمی برای رفتن زیر پرچم "نظام" در "روز قدس" را به یاد آورد.

در همین راستا بدیهی است که حذف یا خنثی ساختن لایه بالایی مُتقدین که در آن آقایان موسوی و کروبی هم جای دارند، بخش چشم پوشی ناپذیر این توافق خواهد بود.

برآمد

"روز قدس" نشان داد که شرایط کشور و قُطب بندی نیروهای اصلی آن به پیش از خرداد ۸۸ باز نمی گردد. این که حکومت خود عهده دار نمایش و تاکید بر این حقیقت گردید، یک کنایه تاریخی نیست بلکه، ناگزیریهایی سیاست گذاری تحت این شرایط را بازگو می کند.

تعظیم "اصلاح طلبان" حکومتی به رقیبانشان چرخشی در این روند به وجود نمی آورد. سازش زیر فشار، زهری است که به صورت قیطره ای به کام دو طرف می ریزد. تنها نقطه روشن برای آنها در این معامله آن است که هنگامی که به گرداب فرو می روند تنها نیستند و مُتحدان شان را هم با خود به زیر خواهند برد.

قرار بر این بوده که دستور پرداخت یارانه های نقدی از روز اول مهر توسط احمدی نژاد اعلام شود. وی گفته بود که «طرح هدفمند کردن یارانه ها با قدرت اجرا می شود». اما رئیس جمهور ولی فقیه و انصارش سوار بر اسب رویایی در شهر نیویورک برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی، البته از نوع اسلامی اش، پرسه می زند و به کمدی شوی مطبوعات و رسانه های جهان تبدیل شده است. او سرانجام با رگهای ورم کرده در گردن، انگشت اتهام را به سوی دولت آمریکا نشانه گرفت و برای صندلی های خالی سخنرانی کرد.

همه کارشناسان اقتصادی و همچنین بخشی از پایوران رژیم، اقتصاد ایران را بحرانی اعلام کرده اند. همچنین کارگزاران رژیم در خوف شورشهای اجتماعی در اثر اجرایی شدن حذف یارانه ها هستند. اما آقای دروغگو در نیویورک در برابر رسانه های بین المللی اعلام کرد که مردم ایران مشکلی ندارند و مساله آنها حل مشکل جهان است. وی برای غلبه بر مخالفان درون حکومت که شرکت در این گونه اجلاسها را بی فایده و حتی مضر می دانند، سعی کرد با جنجال آفرینی به چهره مطرح رسانه ها تبدیل شود. احمدی نژاد توانست در رسانه ها مطرح شود، اما به عنوان مردی منفور که کوتاه فکرانه در صدد تغییر جهان و کسب مدیریت جهان است.

قانون هدفمند کردن یارانه ها و یا به طور دقیق تر حذف یارانه ها، قیل از اجرا و پرداخت یارانه سبب بالارفتن بهای کالاهای اولیه و خدمات شده و اثرات زیانبار خود را بر زندگی مردم به ویژه کارگران و مزدگیران و اقشار متوسط گذاشته است. قبضه های برق و آب و چند برابر شدن نرخ نان و بلیط های اتوبوس از جمله اولین شوکهای وارد شده به مردم است. پرداخت یارانه در ازای آزاد شدن بهای کالاهای، قرار بود از فروردین ماه سال جاری اجرا شود اما به دلیل اختلاف بین مجلس و دولت بر سر نظارت بر صندوق مالی حاصل از حذف یارانه ها و نیز قهر کردن احمدی نژاد و دخالت ولی فقیه به سود احمدی نژاد، سرانجام احمدی نژاد با برگ نهایی برنده در این مشاجره اجرای طرح را به اول مهرماه همین سال موکول کرد.

جنتی از تریبون نماز جمعه در آدینه ۲۶ شهریور مردم را به ریاضت کشی و

صرفه جویی دعوت کرد. وی اجرایی شدن طرح یارانه را «دوران شبه ریاضتی» برای مردم دانست. دبیر شورای نگهبان توصیه های آخوند گونه یی که فاقد هرگونه ارزش و اعتبار است به مردم کرد. و کارگرانی که ماهها مزد دریافت نکرده اند و امکان تهیه ابتدایی ترین احتیاجات زندگی را برای فرزندان خود ندارند به این سخنان ریشخند زدند.

یکی از مجلسیان به نام محمدتقی رهبر، از مردم خواست ۶ ماه سختی را تحمل کنند. وی «وارد شدن شوک اقتصادی» در اثر حذف یارانه ها را طبیعی دانست و از مردم خواست که با دریافت یارانه ها «هول نشوند» و توصیه کرد که حواسشان به قبضه های برق و آب باشد که امکان دارد گرانتر از کمک مادی باشد که دریافت خواهند کرد. او همچون دیگر پایوران رژیم مردم را به «پایداری، صبر و متانت» در برابر ناهنجاریهای ناشی از حذف یارانه ها دعوت کرد.

محمد رضا فرزین سخنگوی گروه دولتی «طرح تحول اقتصادی» به آسیبهای مستقیم ناشی از حذف یارانه ها اعتراف کرد. وی اعلام کرد که با دو چالش در این طرح روبرو هستیم؛ «تورم و رکود». این کارگزار رژیم هم مانند همقطارانش نوید بدبختی و فقر به مردم داد. وی با یک جمله احمدی نژادی ادعا کرد که: «بعد از صرفه جویی مردم، رفاه آنها افزایش می یابد». اگر در روز همه یک وعده غذا و آن هم فقط صبحانه بخورند، خرج مواد غذایی یک خانوار یک سوم می شود. این مرا یاد مثال معروف می اندازد که فرزندی نمره ۲۰ در امتحان را به پدرش اعلام می کند و پدر می گوید تو که با نمره ۱۰ هم قبول می شدی احتیاج به این همه مصرف کردن خودکار نداشتی. حالا این آخوندها ریاضت کشی و صرفه جویی و ... را به کارگران و مزدگیران و زحمتکشان جامعه وعده می دهند و در مقابل خودشان و آقازاده ها و چپاولگران از این فرصت برای پرشدن جیبهایشان استفاده می کنند. آقای دروغگو هم چندین بار اعلام کرده که با طرح هدفمند کردن یارانه ها حتی یک فقیر در ایران نخواهیم داشت.

روزنامه دنیای اقتصاد در ۲ شهریور از قول یک کارگزار دولت آماری اعلام کرد که همچون دیگر داده های آماری دولتی تمام واقعیت را منعکس نمی کند. اما این آمار در همین حدی که اعلام شده، تکان دهنده است. به

نوشته این روزنامه این مقام دولتی «از شناسایی ۵ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر با درآمدهای بسیار پایین در مناطق محروم کشور و ۶ میلیون نفر افراد تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی خبر داده و گفته علاوه بر اینها ۳ میلیون نفر هم پشت نوبت برای پوشش در کمیته امداد و بهزیستی قرار دارند». تردیدی نیست که واقعبیت بسیار تکان دهنده تر از این آمار است. بر اساس همین آمار، حدود ۱۵ میلیون تن زیر خط فقر قرار دارند.

یکی از اثرات هدفمند سازی یارانه ها، عدم افزایش مزد است. در حقیقت تعیین حداقل مزد که هیچگاه با تورم همخوانی نداشته و در برابر نرخ تورم و صعود قیمتهای کالاهای مصرفی بسیار ناچیز بوده است متوقف خواهد شد.

برخورداری از دستمزد واقعی و عادلانه بر اساس نرخ تورم و سید هزینه های خانوار، از خواسته های اساسی کارگران و مزدگیران است. بهای کالاهای مصرفی و نیز کالاهای حاملهای انرژی، با دستمزدها خوانایی ندارد. به درستی مردم می گویند به دلار خرج می کنیم اما به ریال حقوق می گیریم. طرح هدفمند کردن یارانه ها و با بهتر است بگوییم حذف یارانه ها، بی عدالتی و ناهمخوانی در زندگی و وضعیت معاشی مردم را گسترش می دهد. این سیاست صدقه پروری، حقوق واقعی نیروی کار را بیشتر از میان می برد.

«اقتصاد مقاومتی» ولی فقیه، فقر بیشتر

جمهوری اسلامی در واکنش به چهار قطعنامه شورای امنیت و نیز تحریمهای منظور شده از طرف اتحادیه اروپا، آمریکا، کانادا، استرالیا و ژاپن از یک طرف برای وقت کشی خود را آماده مذاکره نشان می دهد و برای آن پیش شرط تعیین می کند و از طرفی دیگر با ادامه سیاستهای جنگ طلبانه و ماجراجویانه، چپاولگری را با فشار اقتصادی بر مردم افزایش می دهد. افزایش قیمتها قبل از زمان اجرای طرح حذف یارانه ها گویای چنین وضعیتی است.

وزیر نفت رژیم روز سه شنبه ۱۶ شهریور در یک دروغ احمدی نژادی اعلام کرد که «ایران در تولید بنزین مصرف داخلی کشور خودکفا شده و

بقیه در صفحه ۵

تحویل ریاضت کشی، تبلیغ فقر و سیه روزی

بقیه از صفحه ۴

دیگر نیازی به واردات بنزین ندارد.» اما مردم موضوع خودکفایی بنزین را به مستخره گرفته و می گویند: ایران صادر کننده بنزین شده است.

حجم واردات بنزین و التماس به کشورهای مثل چین و ترکیه برای فروش بنزین در تناقض با این ادعا است. در صورت چنین توانایی برای تولید بالای بنزین معلوم نیست چرا تا کنون میلیاردها دلار صرف خرید بنزین شده است. بر اساس سخن پراکنی وزیر نفت، تولید بنزین در عرض سه هفته آن چنان افزایش پیدا کرده که جایگزین بنزین وارداتی که ۴۰ درصد بنزین مصرفی است، شده است.

اقتصاد بیماری که به برکت چپاولگری باندهای مافیایی وابسته به قدرت، آقا زاده ها و رانت خواران آن چنان در برابر حجم عظیم واردات کالاهای بنجل چینی ضربه خورده به این ژست دفاعی پایوران رژیم پوزخند می زند. به نظر می رسد این ژست تکمیل کننده شعار ولی فقیه است که روز سه شنبه ۱۶ شهریور اعلام کرد که باید «اقتصاد مقاومتی واقعی» به وجود آوریم. اقتصاد مقاومتی ولی فقیه یعنی فشردن گلوئی کارگران و مزدبگیران و فقر بیشتر برای آنان و فربه تر شدن ثروت سرمایه داران و به شمول ولی فقیه و انصارش است.

تقویت تجارت جهانی

جمهوری اسلامی بدون این که عضو سازمان جهانی تجارت باشد، بهترین خدمت کننده به بازار جهانی تجارت و پیش برنده سیاستهای نتولیرالیستی در زمینه اقتصاد جهانی است. ارائه آمار و ارقام در زمینه واردات، صادرات و بیکاری و ... از جمله موضوعهای مورد مشاجره پایوران رژیم است. به همین دلیل آمارهای ارائه شده واقعیت فاجعه اقتصادی در ایران را منعکس نمی کند. با اشاره به همین داده های آماری موجود هم می توان بخشی از اثرات و آسیبهای اجتماعی ناشی از سیاستهای مخرب اقتصادی را دید.

خبرگزاری فارس روز سه شنبه ۲ شهریور به نقل از گزارش مرکز اطلاعات اقتصادی آمریکا، ایران را در ردیف چهل و یکمین وارد کننده بزرگ دنیا و سومین وارد کننده در خاورمیانه دانسته است.

این رسانه حکومتی در مقایسه بین کشورها بر اساس گزارش فوق، اعلام می کند که «ایران یکی از بزرگترین بازار کالاهای مصرفی دیگر کشورها در دنیا به شمار می رود و به عنوان نمونه



برخی از مهمترین حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در شهریور ۱۳۸۹

سرکوب، آزار، یرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

* روز دوشنبه اول شهریور حدود ۱۵۰ نفر از کارگرانی که جدیداً در کارخانه آجر پزی سازمانیه به طور قراردادی استخدام شده اند در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی برگزار کردند. به گزارش آسمان دیلی نیز این کارگران سپس به مقابل اداره پاکدشت رفته و خواهان پرداخت حقوق خودشان شدند

* در پی پرداخت نشدن بیش از سه ماه حقوق ۳۰۰ تن از کارگران مجتمع فولاد هرمزگان، روز دوشنبه اول شهریور تعدادی از آنها دست به تجمع زدند.

به گزارش هرانا به نقل از سایت سفیر، در این تجمع که نزدیک به ۱۰۰ کارگر حضور داشتند نسبت به عدم پرداخت حقوق و مزایای سه ماه گذشته علی رغم روزانه ده ساعت کار اعتراض شد.

* روز سه شنبه ۲ شهریور کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان در اعتراض به تعطیلی خط تولید کارخانه و پرداخت نشدن حقوق خود جلوی دفتر این شرکت در اهواز تجمع کردند. به گزارش ایلنا این تجمع تحت مراقبت ماموران نیروی انتظامی به صورت آرام برگزار شد اما پس از پایان تجمع اولیه عده ای از تجمع کنندگان در نقطه دیگری از شهر اهواز دوباره تجمع کردند.

کارگران این واحد تولیدی در ماههای گذشته نیز بارها و به اشکال گوناگون دست به اعتراض زده اند. کارخانه لوله سازی خوزستان با حدود ۷۵۰ کارگر در زمینه تولید لوله های چدنی فعالیت دارد.

* کارگران پیمانکاری منطقه یک شهرداری آبادان روز سه شنبه ۲ شهریور در اعتراض به تعویق پرداخت چهار ماه حق بیمه و دو ماه حقوق خود در مقابل شهرداری منطقه یک آبادان اجتماع کردند.

به گزارش ایلنا کارگران از بروز مشکلاتی هم چون تعویق در پرداخت کرایه خانه، قبوض آب، برق و غیره و سختی در معیشت اعضای خانواده و سایر موارد سخن گفتند و خواستار توجه مسئولان ذیربط به حل سریع مشکلاتشان شدند.

* روز سه شنبه ۲ شهریور ۱۸۰ تن از کارگران چینی البرز در مقابل این شرکت تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش آژانس ایران خبر یکی از کارگران معترض گفت: اکثر ما بین ده تا دوازده ماه است که حقوق نگرفته ایم و به لحاظ معیشتی در وضعیت بسیار بدی هستیم. ما تا به حال چندین بار اعتراض کرده ایم، چرا که به نان شب محتاج شده ایم اما هیچکس به ما جواب نمی دهد.

* روز چهارشنبه ۳ شهریور جمعی از کارکنان کارخانجات مخابراتی راه دور ایران (ITI) در شیراز، با تجمع در مقابل این کارخانه، نسبت به برآورده نشدن خواسته های پیشین خود اعتراض کردند.

به گزارش ایسنا در این تجمع کارگران با شعارهایی مثل «زندگی، معیشت، حق مسلم ماست» و «حق و حقوق کارگر پرداخت باید گردد»، خواستار رسیدگی مسئولان به درخواستهای صنفی خود شدند.

* روز پنجشنبه ۴ شهریور حدود ۵۰ کارگر اخراجی کارخانه برفاب شهرکرد مقابل استانداری این شهر تجمع کردند. به گزارش سایت همبستگی ملی این کارگران خواهان بازگشت به کار و دریافت کلیه حقوق معوقه خود بودند.

* روز شنبه ۶ شهریور کارگران و کارمندان شرکت مخابرات راه دور برای دومین بار طی یک هفته در مقابل درب ورودی این شرکت در شیراز تجمع کردند. به گزارش آسمان دیلی نیز کارگران خواهان پرداخت ۱۸ ماه حقوق معوقه خود بودند.

* روز سه شنبه ۹ شهریور کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ قزوین در اعتراض به ۶ ماه عدم دریافت حقوق و تعطیلی کارخانه در مقابل این شرکت برای چندمین بار تجمع کردند و خواهان رسیدگی به درخواست هایشان شدند. به گزارش آسمان دیلی نیز یکی از کارگران این کارخانه در اثر فشارهای معیشتی اقدام به خودکشی کرده و برخی از خانواده ها د اثر فقر ونداری متلاشی شده اند.

* روز یک شنبه ۱۴ شهریور تعدادی از کارگران کارخانه لوازم خانگی آردل که حقوق مرداد ماه خودشان را نکرته اند و بلا تکلیف هستند در محل کارخانه و در مقابل دفتر مدیریت تجمع اعتراضی برپا کردند. به گزارش بقیه در صفحه ۶

برخی از مهمترین اعتراضهای کارگری

بقیه از صفحه ۵
اژانس ایران خبر این کارگران خواهان رسیدگی به وضعیت حقوق عقب افتاده و همچنین حق بیمه درمانی خود شدند.

*روز یکشنبه ۱۴ شهریور کارگران شیفت روز و شیفت شب قالبگیر و آرماتور بند شرکت پرهون طرح از پیمانکاران نیروگاه سیکل ترکیبی سندانج که تعدادشان بیش از ۳۰ نفر است با هماهنگی قبلی در اعتراض به ۵ ماه حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت کلیه حقوق معوقه شدند.

بر اساس گزارش انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارفرمای این شرکت که با عزم جزم کارگران برای گرفتن حقوقشان مو اجه شده بود ناچار به پرداخت کلیه حقوق آنان شد و کارگران پیرومند و خوشحال به سر کارهایشان رفتند.

*کارگران شرکت پارسیمان که یکی از پیمانکاران نیروگاه سندانج است در روز سه شنبه ۱۶ شهریور در اعتراض به ۵ ماه حقوق معوقه دست به اعتصاب زدند.

به گزارش انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارفرما به کارگران پیشنهاد کرده که به هر نفر مبلغ ۲۰ هزار تومان علی الحساب پرداخت می کند ولی آنها نپذیرفتند و گفتند که اگر تا روز ۱۸ شهریور حقوقهایشان پرداخت نشود، مقابل دفتر شرکت مینا (پیمانکار اصلی) تجمع خواهند کرد.

*روز سه شنبه ۱۶ شهریور کارگران نساجی بابکان در مقابل فرمانداری شهرستان اصل دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش هرانا به نقل از شمال نیوز کارگران به نداشتن امنیت شغلی و اخراجها در این شرکت اعتراض داشتند.

به گفته کارگران نساجی بابکان دستگاههای این شرکت قابل استفاده و نو بوده اما مدیران به بهانههای واهی سعی در تجهیز و نوسازی تجهیزات این کارخانه دارند و آن را زمینه‌ای برای اخراج این کارگران قرار داده‌اند. اخراج بی‌رویه، قراردادهای نامفهوم، مدیران سودجو و بدون تخصص و عدم نظارت بر مدیریت این واحدها از مهم‌ترین دلایلی است که موجب بیکاری هر روزه کارگران واحدهای نساجی مازندران شده است به طوری‌که در ۱۰ سال ۱۲ هزار نیروی کار کارخانجات مازندران از کار بی‌کار شده‌اند.

*تعدادی از معلمان و فرهنگیان وزارت آموزش و پرورش صبح روز ۱۶ اردیبهشت در اعتراض به اخراج حق‌التدریسیها مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش سایت عصر ایران این تجمع برای چندمین بار متوالی صورت گرفته است.

*جمع زیادی از کارگران کارخانه کنف‌کار رشت روز سه شنبه ۱۶ شهریور در مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کرده و خواستار پیگیری مطالبات خود شدند. کارگران کنف‌کار رشت در اعتراضهای خود علاوه بر درخواست مطالبات، خواستار محاکمه و مجازات مدیران این شرکت شدند.

به گزارش شمال نیوز، یکی از کارگران کنف‌کار به نمایندگی از دیگر کارگران در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در رشت با اشاره به دلیل این تجمع اظهار داشت: کارگران شرکت کنف‌کار ۱۶ ماه است که حقوق نگرفته و تنها از شب عید امسال تا کنون ۴۵۰ هزار تومان پول دریافت کرده‌اند.

کارخانه کنف‌کار تنها واحد تولیدکننده گونی، کیسه و منسوجات کفنی در گیلان است که کارگران آن بارها در اعتراض به وضعیت کار و عدم وصول مطالبات خود مقابل استانداری گیلان و فرمانداری رشت تجمع کردند.

*روز چهارشنبه ۱۷ شهریور کارگران کارخانه آزمایش مرودشت در مقابل دفتر مدیریت این کارخانه تجمع کردند. به گزارش اژانس ایران خبر به نقل از ایران کارگر، این کارگران برای دفاع از حقوق خود با مدیران کارخانه، کارگران از وضعیت ظالمانه و عدم دریافت حقوقشان و این که مشکلاتشان حل نمی‌شود بسیار خشمگین بوده و مدیران خود را مقصر می‌دانستند.

کارخانه آزمایش در سال ۱۳۳۷ در تهران تاسیس شده و لوازم خانگی مانند یخچال، بخاری نفتی، صندلی و... تولید می‌کرد. در سال ۱۳۵۴ یک شعبه در مرودشت دایر کرد که از ابتدای سال ۱۳۵۷ به بهره‌برداری رسید و انواع یخچال، کولر، جارو برقی ماشین لباسشویی، واتر پمپ و... تولید می‌کرد. در آن زمان کارخانه دارای ۱۴۰۲ کارگر رسمی و ۴۵۰ کارگر قراردادی بود. از سال ۱۳۸۴ که به دنبال سیاستهای ضدکارگری دولت احمدی نژاد که کارخانه خصوصی شد وضعیت این کارخانه رو به بحران نهاد و اکنون با بحران ۱۰۰٪ نقدینگی روبرو است. از ۱۸۵۰ کارگر تنها ۱۸۰ نفر باقیمانده‌اند که همگی دارای بیش از بیست سال سابقه کار بوده و روزانه برای اعتراض و پیگیری دردهان به کارخانه می‌روند و با مدیریت و حراست و مقامات درگیر می‌شوند.

سهامداران این شرکت نفرت مختلف از سران دولتی هستند و مشخصاً جزو شرکتهای تحت پوشش پیام قرار دارد. *کارگران شرکت کرپ ناز کرمانشاه روز چهارشنبه ۱۷ شهریور در مقابل مدیریت بانک ملت این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

به گزارش اژانس خبری موکریان، خواسته کارگران حاضر در محل از مدیریت بانک، پرداخت حقوق به تعویق افتاده چهارماهه و واریز کردن حق بیمه چند ماهه اخیر بوده است. یادآور می‌گردد کارگران شرکت کرپ ناز کرمانشاه پیشتر نیز در مقابل استانداری این شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالباتشان بوده‌اند.

*کارگران فنی و مهندسان چندشرکت ساختمانی روز پنج شنبه ۱۸ شهریور به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق و هزینه‌های کار در پروژه‌های دولتی در حال ساخت در خیابان توحید دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش اژانس ایران خبر، تجمع کنندگان گفته‌اند که با وجود گذشت چند سال از آغاز پروژه‌های دولتی ساخت و ساز خیابان توحید نهادهای دولتی هیچ‌گونه هزینه‌ای برای بودجه‌های صرف شده توسط بخش خصوصی در این پروژه‌ها پرداخت نکرده‌اند و درحال حاضر ساختمان چند طبقه بازار بزرگ توحید در قسمت جنوبی میدان توحید نیمه‌کاره رها شده است.

*تعدادی از کارگران اخراجی شرکت تولید سازه‌های برق آذربایجان در اعتراض به اخراج خود روز دوشنبه ۲۲ شهریور در مقابل فرمانداری تبریز تجمع کردند.

به گزارش اژانس خبری موکریان، کارگران حاضر در این تجمع گفته‌اند که مدیریت شرکت بدون علت و اطلاع قبلی اقدام به اخراج بیش از ۱۰۰ تن از کارگران نموده که در بین آنها کارگرانی با ۲۰ سال سابقه وجود دارد.

*روز سه شنبه ۲۳ شهریور، کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در تهران، واقع در تقاطع خیابان‌های استاد نجات‌اللهی و ورشو دست به تجمع کرده و خواهان ۸ ماه حقوق معوقه خود شدند.

به گزارش هرانا به نقل از ایران کارگر، این کارگران دوماه قبل نیز در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه و بلاتکلیفی شغلی خود، در تهران مقابل مجلس تجمع کرده و تنها بعد از این قول و وعده رسمی که حقوقهای معوقه کارگران در هفته بعد از تجمع پرداخت خواهد شد، دست‌ازاعتراض شسته و به قزوین بازگشتند. دست‌ازاعتراض شسته و به امروز یکی از دلایل اعتراضات کارگران این بود که چرا مقامات به وعده‌های داده شده عمل نکرده‌اند.

*روز دوشنبه ۲۲ شهریور، کارگران کارخانه چینی البرز قزوین برای چندمین بار در مقابل این کارخانه تجمع کردند. به گزارش آسمان دیلی نیوز مدیریت کارخانه چینی البرز همه کارگران قراردادی اش را قبل از عید ۸۹ اخراج کرده و با این وجود دارای ۱۸۶ کارگر استخدامی با سابقه‌های بالای ۱۹ سال تا ۲۵ سال دارد که از زمستان گذشته به دنبال ورشکستگی این کارخانه حکم انحلال آن نیز صادر شد و کارگران این کارخانه هم به حکم انحلال صادر شده برای این شرکت معترض هستند و هم خواهان حقوقهای معوقه بیش از یکسال گذشته خود می‌باشند

*روز سه شنبه ۲۳ شهریور، کارگران کارخانه ریسندگی کاشان در اعتراض به عدم دریافت حقوق به مدت ۲۶ ماه، در یک اقدام اعتراضی قصد بالا رفتن از دیوار کارخانه و درگیری با مدیریت کارخانه را داشتند. اژانس ایران خبر به نقل از یکی از این کارگران خشمگین اعلام کرد: «بس است دیگر تا به حال هر چه سکوت کردیم بس است. فکرمی کردیم اگر دست به اقدامی بزنیم وضع از این که هست بدتر می‌شود. اما الان هیچ چیز بدتر از وضعیت فعلی مان نیست. آبروی دیگر برای ما باقی نمانده است دیگر کسی به ما قرض نمی‌دهد. در بدهکاری و شرمندگی غوطه‌ور شده ایم. تا به حال درمقابل شرکت و ادارات دولتی زیاد تجمع کرده ایم اما دریغ از این که کسی حرفهای ما را گوش کند.»

کارخانه ریسندگی کاشان از مهمترین کارخانه‌های ریسندگی کشور بوده و اکنون در بحران بی سابقه‌ای قرار دارد.

*روز سه شنبه ۲۳ شهریور تعدادی از کارگران شرکت پرهون طرح از پیمانکاران نیروگاه سندانج در ادامه اعتصابات هفته گذشته نسبت به پرداخت نکردن حقوقهای معوقه از جانب کارفرما، از اولین ساعت شروع به کار دست به اعتصاب زدند.

به گزارش انجمن کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران به کارفرما اعلام کردند که به شرطی ما یک ماه حقوق را از شما قبول می‌کنیم که تا روز دوشنبه آینده یک ماه دیگر را پرداخت کنید و تعهد دهید که هیچ وقت بیشتر از یک ماه حقوق را به تعویق نیندازید.

*روز یکشنبه ۲۸ شهریور کارگران کارخانه آوند پلاستیک قزوین در مقابل دفتر امور اداری این شرکت تجمع بقیه در صفحه ۷

برخی از مهمترین اعتراضهای کارگری در ماهی که گذشت

بقیه از صفحه ۶ کرده و به عدم پرداخت حقوقهای ۶ماه سال جاری و همچنین دو ماه از سال گذشته بابت عیدی و پاداش خود اعتراض کردند.

به گزارش ایران کارگر، کارخانه آوند پلاستیک در شهر صنعتی البرز قزوین است که دبه های مختلف پلاستیکی در سایزهای مختلف تولید می کند. در گذشته این کارخانه ۳۲۰ تا ۳۵۰ کارگر داشته و اکنون تنها ۳۰ کارگر دارد.

* کارگران کارخانه ریسندگی نازنخ در روز ۲۹ شهریور در مقابل این کارخانه تعطیل شده تجمع کردند به گزارش ایران کارگر، یکی از کارگران گفت که ما طاقتمان تمام شده و هر کاری که از دستمان برمی آمده انجام دادیم، همه مقامات در جریان مشکل ما هستند و بارها مقابل دفتر رئیس جمهوری تهران و همچنین مقابل مجلس تجمعات چند روزه داشتیم و هر بار وعده وعید دادند تا ما را ساکت کنند اما این مشکل ما را حل نکردند.

فعالان کارگری و سندیکایی در زندان میزان دستگیری، شکنجه و حبس فعالان کارگری و سندیکایی و همچنین معلمان و فرهنگیان آن قدر افزایش پیدا کرده که می توان گفت در هیچ دوره ای سباهچالهای دیکتاتورهای حاکم بر ایران جایگاه این تعداد از زحمتکشان نبوده است. کسانی که فقط در دفاع از حقوق صنفی خود دچار خشونت دولت به عنوان سرمایه دار بزرگ شده اند. به راستی دولت حاکم بر ایران به وظیفه خود، به عنوان ابزار سرمایه داری برای سرکوب کارگران و مزدگیران جامعه عمل پوشانده است. برای بعضی از فعالان کارگری قرار وثیقه هایی می گذارد که امکان عملی شدن آن نیست.

حذف یارانه ها، خانه خرابی اقتشار فرودست

جعفر پویه فراسوی خبر ۵ شهریور هنوز از اجرائی شدن طرح هدفمند سازی یارانه ها توسط دولت خبری نیست که قیمت کالاهای اساسی سر به فلک کشیده است. تمام اقلام مصرفی مردم به سرعت گران می شود و هیچ کنترلی نیز بر این روند وجود ندارد. معلوم نیست دولت چه مقدار به هر شهروند رایانه نقدی پرداخت خواهد کرد اما آنچه از قبضه های آب و برق و گاز بر می آید، چندین برابر پرداختی دولت به بخشی از شهروندان، به این قبضه اضافه شده است. همچنین دبیر ستاد هدفمند سازی یارانه ها در خراسان جنوبی می گوید: "بر اساس مصوبه کارگروه تحول اقتصادی قسط نخست پرداخت نقدی یارانه ها از مهر ماه آغاز می شود ولی تا قبل از اعلام قابل برداشت نیست."

دولت نه تنها هیچ اطلاعی از مقدار یارانه ها به شهروندان نمی دهد بلکه، آنها همچنین اجازه برداشت وعده های به ظاهر به حساب شان ریخته شده را نیز ندارند. همچنین، دولت از کسانی که فرم یارانه ها را پر می کنند تعهد نامه می گیرد که به کلیه حسابهای بانکی آنها دسترسی داشته باشد. در علت این امر گفته می شود که اگر به هر علتی دولت بخواهد مبلغ پرداختی با محاسبه جریمه آن را از حساب آنان برداشت کند، برای آن ممکن باشد. موسی الرضا ثروتی دلیل این کار دولت را اینگونه توجیه می کند: "دولت از پرداخت نکردن یارانه نقدی به افراد استقبال می کند، شاید هم قرار گرفتن چنین تعهدی در سامانه وزارت رفاه برای این باشد که تعداد کمتری یارانه نقدی دریافت کنند."

به زبان دیگر، دولت امام زمانی احمدی نژاد شهروندان را در مقابل یک خطر بزرگ قرار می دهد و آنهم چیزی نیست جز دسترسی به کلیه حسابهای بانکی آنها. از آنجایی که هیچ کسی به رژیم ولایت فقیه و دولت و عوامل آن اعتماد ندارد، تعداد بسیار زیادی از شهروندان عطای مبلغ ناچیز و نامعلوم رایانه ها را به عطایش بخشیده و حاضر نیستند دست خود را زیر سنگ دولت بگذارند.

این درحالی است که روند صعودی قیمتها کار را به جایی رسانده که گوشت با قیمت کیلویی ۲۱ هزار تومان می رود تا از سبید غذایی بسیاری از مردمی که پشت شان زیر بار فقر خم شده حذف گردد.

رژیم جنایتکار ولی فقیه و دولت برگزیده آن هر روز اوضاع را بر شهروندان ایرانی سخت تر کرده و گرانی و بیکاری تبدیل به یکی از مشکلات اساسی مردم شده است. این درحالی است که رژیم میلیاردها دلار صرف پروژه های نظامی، بعب اتمی و صدور تروریسم می کند.

چه مجلسی!؟

لیلا جدیدی

فراسوی خبر ۲۹ شهریور احمدی نژاد یک روز پیش از سفر به نیویورک بار دیگر برای مطرح کردن نام و چهره بی ارزش خود در مجامع بین المللی، موضوع جنجال برانگیز دیگری را به میان افکند. وی در رد سخن خمینی مبنی بر اینکه "مجلس در رأس امور است" سخن گفت.

برداشتن چوب دو سری که از یک سو به خمینی نیش می زند و از سوی دیگر مجلس نشینان را جوشی، واکنشهای گوناگونی را از جانب نمایندگان مجلس ارتجاع و رسانه های وابسته برانگیخت.

از جمله جواد آرین منش، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس ارتجاع، سراسیمه و با چیدن انواع بحر طویل، با گفتن اینکه "در چنین برهه ای باید از حرفهایی که مورد اختلاف می شود پرهیز کرد"، اثرات زیانبخش ادعاهای احمدی نژاد را در جامعه ای که اطمینان حاصل کرده نه تنها "هیچکس در رأس امور نیست" بلکه، جملگی مزدوران حکومتی در قهقرای اداره امور مربوط به آن دست و پا می زنند، یادآوری کرد.

اگر چه بیشتر انتقادات به نفی سخنان خمینی از سوی احمدی نژاد است و گفته های "رهبر" قبلی ابدی خوانده می شود اما برخی مانند مطهری، نماینده تهران در مجلس ارتجاع شاخ و شانه می کشند که نه تنها مجلس در رأس امور است بلکه، "قدرت خلق رییس جمهور" را دارد. اما اینکه احمدی نژاد در جایگاهی که هیچگاه نداشته (به عنوان مثال ریاست جمهوری) قرار ندارد، آشکار است اما مجلس ارتجاع نیز به واقع موقعیتی برتر از وی ندارد.

این همان مجلسی است که با رد صلاحیتهای گسترده تشکیل می شود، نمایندگانش توسط بالا دستیها منصوب می شوند، رای اعتماد به وزرایش را مراجع بالا تر تعیین می کنند، از حساب ذخیره ارزی کشور خبر ندارد، جرئت اعلام نتایج تحقیق و تفحص را ندارد و ولی فقیه آن را موظف می کند قانونی وضع کند که دولت بتواند آنرا اجرا کند.

این مجلسی است که با یکی دو روز عریده کشی ۲۰۰ نفره، مصوبه خود را پس می گیرد، حتی نمی تواند تعرفه واردات را به طور مستقل تعیین کند و در نهایت شورای نگهبان قرار است آن را ضدغفونی و اعضایش که "مصونیت پارلمانی" هم دارند را هرس کند.

تمسخر آور اینکه، مطهری همه این کرنشها و ضعفها را به حساب "نجیب" بودن مجلس می گذارد.

یک حکومت ورشکسته با سه قوای بی قدرت و توسری خورده، بر سر لحاف ملا به دعوا افتاده اند.

دروغگو در نیویورک

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۳۰ اردیبهشت ششمین سفر پاسدار احمدی نژاد به نیویورک، همچون سفرهای قبلی اش به این شهر، واکنشهای بیشماری را در میان افکار عمومی آمریکا و نیز ایرانیان مخالف رژیم برانگیخته است. واکنش احمدی نژاد در برابر پرسشهای خبرنگاران و دروغهایی که تحویل می دهد، مرغ پخته را هم به خنده وا می دارد. احمدی نژاد به ویژه در این سفر با موجی از اعتراض و تفر رویرو شده است. احمدی نژاد در برابر تفر جهانی حتا شهامت دفاع از عملکردهای رژیم می که به آن تعلق دارد را هم ندارد. موضع گیریهای او در نیویورک نه از موضع قدرت بلکه دقیقاً از موضع ضعف است.

وی در پاسخ به سوال خبرنگاری که از او در مورد توهین به همسر رئیس جمهور فرانسه را می پرسد، می گوید که توهین به کارلا برونو یک جرم است و خواهان محاکمه توهین کنندگان شده است. در حالی که توهین به همسر سرکوزی و حتا شایسته قتل دانستن وی از طرف کیهان شریعتمداری سخنگوی ولی فقیه، صورت گرفته است. احمدی نژاد تا زمانی که در ایران بود نسبت به این موضوع هیچ موضعی نگرفته بود.

وی در باره پرونده سکینه محمدی آشتیانی که اعتراض جهانی علیه حکومت ایران را برانگیخته است، بی شرمانه حکم سنگسار وی را انکار کرد. وی باز هم شهامت دفاع از ارگانهای حکومت ولایت فقیه را نداشت. زیرا حکم سنگسار سکینه محمدی توسط ارگانهای وابسته به همین رژیم اعلام شده است، اگر چه این حکم به علت فشارهای بین المللی در پرده ای از ابهام برای اجرائی شدن قرار گرفته است. از سخن پرانگیهای تکراری و عوامفریبانه همراه با دروغگوئیهای شرم آور او در وجود آزادی بیان برای مخالفان و یا استقلال قوه قضائیه می گذریم زیرا ایران با هزینه زیاد همراه با شکنجه، تجاوز و اعدام فرزندانشان برای افکار عمومی جهان افشا کرده اند.

رئیس گماشته شده ولی فقیه در سفر امسال به نیویورک باز هم دچار معضلی به نام اقامت در هتل شده است. زیرا به دلیل منفوریت و نیز اعتراض نهادهای مدافع حقوق بشر، هتلهای ویژه مقامات کشوری از دادن محل اقامت به احمدی نژاد خودداری می کنند. در مقابل این میزان منفوریت است که وقتی احمدی نژاد به ایران بر می گردد برای لطیف کردن حوادث تلخ پیش آمده موضوع هاله نور و آب افتادن دهان دیگران در مقابل حرفهایش را مطرح می کند.

سوار بر بال بحران

جعفر پویه

بحران همه جانبه ای که سرپای رژیم ولایت فقیه را در بر گرفته آنچنان ارکان آن را می لرزاند که پاپورانش را به چاره جویی وادار کرده است. یکی از نمودهای این بحران، بهم ریختگی در بالای رژیم است. بحران در بالاترین سطح رژیم باعث گردیده است تا نیروهای درگیر در آن تحت تاثیر شرایط از خود سلب مسوولیت کنند و هر کس گناه وضعیت موجود را به گردن دیگری بیندازد. کشاکش و درگیری بین نیروهای اصلی حاکمیت یا سه قوه آن به آنجا رسیده است که هیچیک دیگری را به رسمیت نمی شناسد و تره ای برای طرف مقابل خرد نمی کند. اگر یکی از شروط تفوق بر بحران، هماهنگی و همکاری بین اجزای ساختاری رژیم است، این شرط به کلی وجود ندارد.

احمدی نژاد به عنوان رییس قوه مجریه خود را تافته جدا بافته می داند و حاضر به همکاری یا هماهنگی با دو قوه دیگر نیست. قوه مقننه یا همان مجلس با آویختن به نقل قولی از بنیانگذار رژیم جمهوری اسلامی (خمینی) خود را در راس امور می داند و توقع اطاعت و حرف شنوی از بقیه دارد. رییس قوه قضاییه که تنور بیدادگاهها را گرم کرده است، خود را یکه تاز میدان می شمارد و هر جنبنده ای را دستگیر و به زندانهای بی حساب و کتاب محکوم می کند. برای او مهم نیست که این شخص در گذشته رییس دولت، رییس مجلس، نماینده مجلس و یا وزیر و ... باشد، مهم، قدرت و قانون اوست و هر کس را بخواهد در دخمه های نمور زندانهای به ارث رسیده از خمینی به چهار میخ می کشد. منهای این، وزارت بدنام اطلاعات ساز خود را کوک کرده و هر که را بخواهد به جرم جاسوسی و ارتباط با بیگانه و امنیت ملی دستگیر و وادار به اعتراف می کند. حال امنیت ملی چه صیغه ای است که توسط یک فرد وبلاگ نویس یا جوانی معترض به خطر می افتد، بماند!

سپاه پاسداران که تفنگ و نیروهای اطلاعاتی و بسیج همه جا حاضر را دارد، بیش از بقیه می تواند تاخت و تاز کند. نیرویی که از لوله تفنگ بیرون می آید، هر کس و هر نیرویی را وادار به عقب نشینی یا جاخالی دادن می کند. این منهای قدرت اقتصادی و سیاسی سپاه است زیرا آنها با در دست گرفتن پروژه های نان و آبدار و تاسیس اسکله و فرودگاه و ... آنچنان نیروی وحشتناکی به وجود آورده اند که هر کارتل اقتصادی ای در برابرش ذره می نماید.

به همه اینها بیت رهبر یا ولی فقیه رژیم را نیز اضافه کنید؛ کارتل اقتصادی - سیاسی ای که کنترل آن در دست سید علی خامنه ای است. او که خود را

قدرت بی حد حصر رژیم و بدون نیاز به پاسخگویی به کسی می داند، هر آنچه را که از دست اش بر می آید، انجام می دهد. هرچند تشکیلات او به ظاهر ساده به نظر می آید اما در نهان از آنچنان قدرتی برخوردار است که بقیه حریفان را به احتیاط وادار می سازد. "نیروی" (نیروی ویژه پاسدار ولایت) که نیروی ویژه ذوب شدگان ولایت خامنه ای هستند، از بین نیروهای نظامی و امنیتی گزینش شده اند. اینان بیشتر به آدم خواران قزلباش صفویه شباهت دارند تا به انسانهای قرن بیست و یکم. منهای آن دستگاه اطلاعاتی موزای ای که این تشکیلات دارد قادر است در برابر اهریمنی ترین نیروی اطلاعاتی رژیم یعنی، وزارت اطلاعات قد علم کند و عناصری از آن را وادار به اطاعت و یا عقب نشینی سازد. این جریان خود را مطیع رهبر و ولی فقیه رژیم می داند که طبق قانون اساسی همگان ملزم به التزام از وی هستند. هرچند اینان خیلی وقت است که شرط التزام را ذوب در ولایت علی خامنه ای دانسته و به کمتر از آن قانع نیستند.

حال در چنین بازار مکاره ای از جریانات مدعی، پیدا کنید نیروی اصلی و کار به دست رژیم را که باید همه خود را با آن تنظیم کرده تا بتوانند در یک هماهنگی از بحرانی که درگیر آن هستند به سلامت عبور کنند.

اما ماهیت این بحران همه جانبه چیست و ما از چه چیزی حرف می زنیم که رژیم را دچار این انشاق و چند دستگی کرده است و گرنه این مسلم است که همه نیروهای درگیر رژیم می دانند که باید با یکدیگر متحد باشند و در یک هماهنگی با همدیگر است که می توانند به سلامت از بحران عبور کنند.

آن چیزی که نمی تواند این نیروها را در یک راستا و گردهم آورد، راه برون رفت از بحران و تیوریهایی ساخته و پرداخته مراکز متعدد نظریه سازی است که این بار نه تنها نتوانسته اند بر سر یک خط و مشی توافق کنند، بلکه هر کدام از آنان حرف خود را می زنند و شیوه خود را پیشنهاد می کنند.

بحران اجتماعی

ابتدا به ساکن می توان بحران اجتماعی را یکی از بزرگترین بحرانهایی نامید که رژیم ولایت فقیه با آن درگیر است. این بحران که به شکل بروز اعتراضات مردمی خود را نشان می دهد، باعث سرگیجه و سردرگمی در ارکان تشکیل دهنده آن شده است. شاید در وهله اول

باید این بحران را سیاسی ارزیابی کرد اما به دلیل نوع نیروهای درگیر در آن و نوع و شکل بروز یافتن اش می توان به عوامل متعددی اشاره کرد که در این امر دخالت دارد. بنیان این بحران بیش از این که اقتصادی و یا سیاسی باشد، اجتماعی است. مردمی که از اجحافات و فشارهای متعدد رژیم و عوامل خودسر و بی بند و بار آن به جان آمده اند، از هر فرصتی استفاده می کنند تا وارد میدان شده و اعتراض خود به آن را بروز دهند. برای این نیروهای منجر شده و عاصی هر فرصتی تبدیل به اعتراضاتی وسیع و فراگیر می شود. آنان نه تنها هیچ حد و مرزی را برای ابراز خشم و ناراضیاتی خود به رسمیت نمی شناسند، بلکه به سرعت به سوی راس رژیم جهت گیری می کنند و با تمام نیرو، کلیت آن را به زیر ضرب می گیرند. بیان این انزجار عمومی به شیوه هایی خشمگین و گستاخی نیروهای تشکیل دهنده آن باعث ترس و وحشت رژیم و عواملی می شود که سعی دارند تا با وارد کردن نیروی اجتماعی، فشاری معقول به حاکمیت برای سهم خواهی وارد کنند. اینست که ترس و وحشت اپوزیسیون داخل رژیم از آنان چیزی از وحشت خود باند حاکم کم ندارد. به همین دلیل آنها در بزنگاه های مختلف با همراهی حداقلی با این نیروها سعی می کنند تا نیروی بالا دست خود را وادار به عقب نشینی یا در نظر گرفتن سهم خود کنند. اما پر بدبختی است که آنان نیز فهمیده اند که این حبل الممتین نیروهای بیرون رانده شده از قدرت، شمشیر دو سری است که امکان بریدن دست استفاده کنندگان را دارد. به همین دلیل آنان برای استفاده از این نیرو بسیار احتیاط می کنند.

بنابراین، جریانات مزبور نه تنها با ادعای داشتن نیروی اجتماعی نمی توانند ترسی در دل رقیب حاکم ایجاد کنند، بلکه رو دست زدن آنان نیز مدتهاست کارایی خود را از دست داده است زیرا آنچه آنان به عنوان عقبه یا نیروهای خود معرفی می کنند، جریان اجتماعی عصبانگری است که به چیزی کمتر از براندازی و روفتن تمام و کمال رژیم ولایت فقیه راضی نیست. حال این که سهم خواهی و زد و بند و گپ و گفت نیروهایی که از قدرت رانده شده اند، از نوعی دیگر و درگیری آنان با حاکمان از جنس نزاع داخل خانوادگی است. این عکس برداشت نیروی اجتماعی است که تا کنون "غیر خودی"، غریبه و غیرقابل اعتماد برآورد شده و به این موضوع کاملن واقف است و دیگر حاضر به چرخ پنجم گاری شدن نیست تا پس از عبور از گردنه به کناری انداخته شود تا روزی دیگر و روزگاری دیگر و استفاده ابزاری کردن از آن. این نیروی عاصی هرچند دست به دست می شود و هر کس سعی دارد

تا مارک و علامت خود را بر آن بکوبد، یکی از عوامل اصلی ترس و وحشت رژیم است که ادعا می کند اکثریت مردم را به عنوان حامی پشت سر خود دارد. حال این پرسش به میان می آید که پس برگزار کنندگان این اعتراضهای پرشمار، برهم زندگان محاسبات باندهای حاکم و یا بی اساس کنندگان نظریه های مراکز سیاست سازی چه کسانی هستند؟ بی تردید باشند. این کابوس روز و شب رژیم به دلایلی مختلف در میدان است. همین دلایلی می تواند بخشهای دیگری از این بحران فرارو را توضیح دهد.

بحران اقتصادی

وضعیت معیشت مردم و آنانی که بیش از همه دستمزد بگیرند، آنچنان خراب و نابود شده است که نیازی به توضیح ندارد. دولت که یکی از کارفرمایان بزرگ است، با بیشترین تعداد کارمندان روبروست. همزمان، تشکلهای وزارتخانه های مختلف و بنگاههای اقتصادی و مالی و کارخانه ها و موسسات متفاوت زیر مجموعه آن نیز قشر وسیعی از حقوق بگیرانی را در بر می گیرد که به هر دلیلی کارفرمای خود را مخاطب وضعیت خود قرار می دهند. بی دلیل نیست هر حرکت ساده کارگری برای حداقل دستمزد یا یک خواسته صنفی به سرعت رنگ سیاسی بخود می گیرد و شعارها، دولت و پاپوران آن را مخاطب قرار می دهد. این وضعیت آشفته اگر از یک سو به دلیل عدم کردانی مدیران و روسا و کار به دستان دولت است، از سوی دیگر قشر نوکیسه و از راه رسیده ای به نام "آفازاده" از یک طرف و فرماندهان صاحب قدرت سپاه و اطلاعاتیهای بیرون خزیده از دخمه های وحشت از طرف دیگر دست به دست هم می دهند تا از محل پورسانتها و دلای، منافع باد آورده ای را به چنگ آورند. از یک سو حراج قراردادهای نفت و گاز و ... یعنی، ثروت ملی به بهای ناچیز برای به دست آوردن پورسانت و از طرف دیگر، واردات بنگلهای کارخانه هایی که کمترین قیمت را به دلیل کیفیت نازل اجناس بر خلاف ظاهر غلط اندازشان درخواست می کنند، چنان پلبشویی در اوضاع اقتصادی به وجود آورده است که کسی نمی تواند بفهمد اوضاع از چه قرار است. این وضعیت که کارخانه های تولید داخلی را ورشکست می کند، قشر عظیمی از کارگران و کارکنان را به صف بیکاران می راند. اینان به جز این که ناراضیاتی خود را مخفی نمی کنند، بیش از همه دولت و پیرو آن حاکمیت را مقصر وضعیت خود می دانند. حال با پتانسیل قهر و غضبی که این افراد از آن برخوردارند، یکی از پایه های اعتراضات اجتماعی به وجود بقیه در صفحه ۹

سوار بر بال بحران

بقیه از صفحه ۸
می آید که قدرت مدارانی که نان آنان و کودکانشان را بریده اند را مخاطب قرار می دهد و با خشمی باور نکردنی علیه آنان شعار می دهد.

همین گونه است وضعیت جوانان و فارغ التحصیلانی که بعد از سالها تحصیل و با آرزوهایی بالا بلند راهی بازار کار می شوند و هرچه می جویند، چیزی یافت نمی شود. دیدن فرزندان پایوران و کار به دستان رژیم که با ثروت نجومی باد آورده در خانه هایی آنچنانی و ماشینهایی با قیمتهای نجومی و موقعیتی که ادعای خدایی می کند، چیزی به جز خشم و غضب نمی آفریند. آنهایی که به نان خود با انجام روزانه دو یا سه شیفت کار محتاجند و هرچه تلاش می کنند، کمتر پیدا می کنند را نیز بر این جمع باید افزود. نبود کنترل و نظارت درست دولت بر واردات و همچنین عرضه واردات به بازار و عدم سازماندهی آنان باعث شده است که گاه قیمت بعضی از اجناس آنچنان سیر صعودی پیدا کند که از گرانترین کشورهای جهان نیز گوی سبقت را می رباید. در چنین وضعیتی چه کسی پاسخگوی مردم است و آیا اصول فریاد رسی هست؟ بی شک عدم پاسخگویی دولت و باز گذاشتن دست عناصری که یکه تاز بازار عرضه و تقاضا هستند، از چشم بسیاری پنهان نیست و کاملن بدان آگاهند. در کنار این سیاهی ی همچنان قابل شمارش باید موج جدیدی که با حذف رایانه ها به وجود خواهد آمد را افزود. با حذف رایانه ها و یا قطع سهم عمومی مردم از فروش نفت، این سرمایه ملی آنان و هیاهو و دروغگویی دولتیان و حکومتیها در مورد پرداخت یارانه نقدی که وعده تو خالی ای بیش نیست، قیمت ها و مایحتاج عمومی مردم در انتظار یک سکوی پرش بلند است. در چنین وضعیتی چه کسی قادر خواهد بود گلیم خود را از آب بکشد، بحثی دیگر است. مشکل این جاست که اکثریت عظیمی زیر بار این تورم خرد خواهند شد و طاقت حمل آن بر دوش را نخواهند داشت. این جاست که رژیم در انتظار یک اتفاق بزرگ و یا اعتراض وسیع است. مقدمه چینی برای عبور از این وضعیت وحشتناک و تضاد نظرات در مورد عبور از آن، یکی از دلایل عمده درگیری باندها و سرو صدای آنان برای عاقبت کار است. حقیقت این است که آنان بیش از این که برای مردم و یا کشور دل بسوزانند، نگران آخر و عاقبت خود هستند و ترس و وحشت از چنین وضعیتی است که آنها را به تلاش و تقلا انداخته است.

بحران سیاسی

تاثیر گذاری پدیده ها بر یکدیگر و گاه این همانی آنها باعث می گردد تا تشخیص دقیق و درست آنها از یکدیگر مشکل گردد. این که در دسته بندی بحرانهایی که به کلاف سردرگم تبدیل شده است و رژیم ولایت در آن دست و پا می زند، کدامیک اولویت دارند و در اصل یک اتفاق در کدام دسته جای می گیرد و تاثیرپذیری آن از مابقی چگونه است، کاری بسیار دقیقی است که بحث موضوعی آنرا واگذار به آکادمیسینها و متخصصین فن می کنیم. اما در یک نگاه اجمالی و کلی به وضعیت موجود، می توان گفت بحران سیاسی ای که رژیم با آن دست به گریبان است، ریشه در اتفاقاتی دارد که حاصل سی و یک سال تخریب به دست حکومت ولایت فقیه و نابودی بسیاری از پایه ها و بنیانهای جامعه است. آنان برای مستقر کردن حکومت عدل اسلامی با زور چماق و گلوله هر کاری را مباح دانستند. به همین دلیل معیارشان برای مجریان، مکتبی بودن و یا به زبان ساده گوش به فرمان بودن به ولی فقیه بود. از همین منظر، تخریب و ندانم کاریهای همه این سالها روی هم انباشت شد و اکنون کار را به جایی رسانده است که برای حداقل بهبودی آن مدتها کار شاق و طاقت فرسا توسط صاحبان فن و متخصصان نیازمند است. وقتی که در داخل رژیم هر گروه و دسته و باندی حرف خود را می زند و راه خود را می رود، هنگامی هر قوه آن خود را راس امور می داند و بقیه را مطیع خود می خواهد، گویای این است که هیچ نظمی وجود ندارد و هیچ کس و هیچ قوهای راس امور نیست. این به معنی گسسته شدن باندها از هم و شکل گیری یک روابط ملوک و الطوائفی در قدرت است که حاصل آن از هم پاشیدن هر آنچه است که در دسترس است. ولی فقیهی که خود را عمود خیمه نظام می داند و حرف آخر را می زند، آن گونه می نماید که کلاهش چندان پشم ندارد و تنها پوسته ای از آن قدرت خیالی را در اختیار دارد. مومن ترین افراد نیز به او به چشم یک ناتوان می نگرند و نگران آینده خود شده اند. او که بیش از بقیه هدف تیرهای کمانه کرده قرار دارد، سعی می کند تا نه به عنوان یک رهبر برای کلیه باندها - چیزی که از او انتظار دارند - بلکه همچون سردسته یکی از باندهای مافیایی علیه دیگران توطئه کند و رقباي خود را یکی یکی یا به اطاعت وا دارد و یا از دور بدر کند. مابقی باندها که آنچه تا کنون بافته اند را پنبه شده و یا از دست رفته می بینند و خود را در خطر حذف، تلاش می کنند تا آخرین رمق یک موجود ضعیف شده و ناتوان را به کار گیرند مگر این که شفایی حاصل شود. اما پر بعید است که آنان بتوانند از این رهگذر چیزی به

دست آورند زیرا در صورت چنین وضعیتی علی خامنه ای وادار به یک عقب نشینی مرحله ای شده و تا حذف خودش از کرسی ولایت مجبور به عمل خواهد شد. او که این کابوس شبان و روزان را بارها دوره کرده است، سعی دارد تا با کمک نیروهای امنیتی - نظامی، حریفان خود را از سر راه بردارد اما آیا آثانی که برای کمک او برای انجام این امر آمده اند، پس از پایان کار به جای خود باز خواهند گشت؟ از ظواهر امر این گونه بر می آید که چنین اتفاقی نخواهد افتاد و کارتل بزرگ نظامی - امنیتیها نه تنها حاضر به بازگشت به پادگان و دخمه های اطلاعاتی خود نیست، بلکه آن چیزی که مال خود کرده اند را دو دستی چسبیده و ولی فقیه و رهبری را نیز در خدمت خود می خواهند. آنان گامها را به گونه ای برمی دارند که ثابت می کند شکل و نوع اتفاق به گونه ای نیست که در پایان این دوره - اگر بشود آن را دوره ای نامید - به جای خود باز می گردند.

شامورتی بازی و حرافیهای احمدی نژاد به عنوان روینای این جریان، خود را هر لحظه وحشتناک تر نشان می دهد. آنها نه تنها بسیاری از تیوریهها و اظهار نظرهای خمینی، بنیانگذار رژیم را به تاریخ سپرده اند، بلکه بی پروا سعی دارند تا محورهای تازه و جدیدی برای حکومت تعریف کنند و بر اساس آن قدرت خود را معنایی تازه بخشند. در باره این که آنها چقدر موفق خواهند شد تا در این میانه، کار را یکسره کنند، حدسها و گمانه های بسیاری زده می شود.

اما بحران بین المللی و درگیری رژیم با جامعه جهانی موضوعی نیست که بشود به همین راحتی آن را پشت سر گذاشت. احمدی نژاد و باند نظامی - امنیتی سعی می کنند از یک طرف با تاخت و تاز و درافتادن با جامعه جهانی و دهن کجی کردن به معیارها و پرنسیپهای به رسمیت شناخته شده، حساب خود را از آن جدا کنند. از سوی دیگر، به طرح مسایل مختلف و برپایی مجامع و فرستادن پیغام و پغامهای نهانی و زیر میزی سعی می کنند تا باز گذاشتن دری، امکانی برای فرار داشته باشند. این که بمب اتمی و پروژه اتمیزه کردن منطقه خود یکی از خطرهایی است که با توجه موقعیت کنونی منطقه و جهان می تواند خطر بالقوه ای برای همگان باشد، یک حرف است و داشتن آن به عنوان اسلحه ای باز دارنده حرفی دیگر. اما وضعیتی که باعث به وجود آمدن تحریمهای بین المللی شده چیزی نیست که بشود به آسانی از آن عبور کرد. تحریمیهای که روز بروز سخت تر می شود، کار را بر رژیم بیش از گذشته سخت خواهد کرد. در وضعیت پیچیده کنونی و هزاران درد بی درمان، تحریمها همچون باری اضافی است که

امکان نفس کشیدن را از رژیم می گیرد. ناتوانی در تهیه ابزار آلات و ماشینهایی که به زودی نیاز به تعمیر و نگهداری دارد از یک سو و کمبود وارداتی که به علت تحریمها به هیچ عنوان برای رژیم قابل جبران نیست از سوی دیگر، کار را به جای باریک می کشاند. مردمی که عاصی و منتظر یک فرصت هستند، هرگز در تند پیچهای پیش رو رژیم را همراهی نخواهند کرد. اویزان شدن رژیم به بحرانهایی بزرگتری همچون جنگ و غوغا و هیاهوی زیادی بر سر آن موقعیت پیچیده ای است که می تواند بر ضد خود تبدیل شود. همه پرسای رادیو آلمان که نشان می دهد بیش از ۸۴ درصد مردم در جنگی احتمالی از رژیم حمایت نخواهند کرد و از آن بدتر، بیش از ۳۶ درصد از پرسش شوندگان می گویند در صورت حمله به ایران از حمله کننده علیه رژیم حمایت خواهند کرد. چنین نتیجه وحشتناکی می تواند زنگ خطر بزرگی را به صدا درآورد.

یک نکته دیگر، شایعه مرگ جنتی، رییس شورای نگهبان و امام جمعه تهران است. این شایعه آن چنان موجی از شادی و خوشحالی برانگیخت که هر ناظر بی طرفی را به فکر وا می دارد. این که شایعه مرگ یک فرد بلندپایه رژیم بتواند آنچنان موجی از شادی و شغف به وجود آورد که شوندگان آن سر از پا نشناسند، نشانه اندازه مقبولیت رژیم و درجه منفوریت پایوران آن نزد توده مردم است. حال با این درجه از مشروعیات چه کسی باور می کند که رژیم بتواند درگیر بحرانی شود که امکان تبدیل شدن آن بر ضد خودش از هر امکان دیگری بیشتر است. این است که آثانی که در حاکمیت نیم بند کنونی قرار دارند، هر روز بحرانی تازه می آفرینند تا در این خرده بحرانها بتوانند حسابهای خود را با طرفها و باندهای رقیب تسویه کنند.

همچنین، از قدرت راندگان نیز در صد موقعیتی هستند که بالابینها را به زیر کشند و خود را به جایگاه از دست رفته باز گردانند. نیروهای تازه و جدید درصدد فرصتی هستند تا از این نم کلاهی بدانها رسد. با یک حساب سرانگشتی، نیروهای و دستگاههای صاحب قدرت، سه قوه و بیت رهبر، سپاه و دستگاه اطلاعاتی هر کدام به راه خود می روند و دیگری را مزاحم خود می دانند. به زبان ساده، رژیم، غرق در بحران و ناتوان از حل و فصل آن، چاره را در بحرانی تازه می جوید. به همین دلیل نه تنها قادر به حل مشکل نیست و نمی تواند دردی از دردهای خود را درمان کند، بلکه بدتر از همیشه باری به بارهای خود اضافه و بحرانهای تلنبار شده و روی هم انباشته خود را هر روز افزون تر می کند. این کلکسیون بحران را چه وقت می شود تکمیل کرد؟

جهان در آینه مرور

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۴)

لیلا جدیدی

پروسه جنبش و مقاومت مردم فلسطین پس از جنگ سرد

بی شک نمی توان از رویدادها و تحولات پس از جنگ سرد بدون طرح مبارزات مردم فلسطین که بیش از ۶۰ سال ادامه داشته است، سخن گفت. در دوران جنگ سرد، جنگ استراتژیک جهانی بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا به جنگهای منطقه ای نیز گسترش یافته و به طور پیوسته مناقشات منطقه ای را نیز شکل می داد. پس از بحران سوئز، مبارزات ملی مردم فلسطین که نماد و نیروی متحد کننده مهمی نیز بین اعراب بود، در مرکز و قلب سیاستهای دوران جنگ سرد قرار گرفت. در دوران جنگ سرد، صلح در خدمت ملاحظاتی آن قرار گرفت اما با پایان این رویارویی، دلایل قبلی از بین رفت و تقسیم خاورمیانه به دو منطقه نفوذ نیمه شرقی و غربی نیز به کنار رانده شد.

"پیتر ال. هان" که استاد تاریخ



دیپلماتیک در دانشگاه ایالتی اوهایو بود و سپس در سمت مدیر عامل "جامعه پژوهشگران تاریخ روابط خارجی آمریکا" خدمت می کرد و در زمینه تاریخ دیپلماتیک ایالات متحده در خاورمیانه تبحر دارد، در باره بحران سوئز می نویسد: "بحران سال ۱۹۵۶ سوئز، رویدادی پیچیده با ریشه هایی بغرنج و پیامدهایی مهم برای تاریخ بین المللی خاورمیانه بود. ریشه های بحران را می توان در جنگ اعراب و اسرائیل، که در دهه چهل منطقه را فرا گرفته بود و همچنین موج استعمارزدایی که

در اواسط قرن بیستم سرتاسر جهان را در نوردید و باعث درگیری میان قدرتهای امپراتوری و ملت‌های در حال ظهور شد، دید. بحران سوئز پیش از آن که پایان یابد، جنگ اعراب و اسرائیل را تشدید کرد و چیزی نمانده بود که باعث برخورد میان ایالات متحده و اتحاد شوروی شود. این بحران، ضربه مرگباری را به اهداف استعمارگرانه بریتانیا و فرانسه در خاورمیانه وارد آورد و در پی آن باعث شد ایالات متحده به

یک جایگاه سیاسی برجسته در منطقه دست یابد."

در آستانه پایان جنگ سرد یعنی، در اوایل سالهای ۹۰، رهبران اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا پیرامون صلح و ثبات در خاورمیانه به گفتگو نشستند. مسکو خواستار داشتن هژمونی در بخشی از خاورمیانه بود و این را با تلاش برای نزدیک ساختن فلسطین و اعراب از یک سو و از سوی دیگر، ایجاد صلح بین فلسطین و اسرائیل نمایش می داد. به همین دلیل بود که گورباچف در کنار جورج بوش ایستاد و با تهاجم عراق به کویت مخالفت کرد.

با خروج شوروی از خاورمیانه، مهمترین منبع نظامی و تعلیماتی و همچنین حمایت‌های مالی و سیاسی و معنوی به کشورهای تحت حمایت آن نیز قطع شد. رهبران شوروی دیگر از استراتژی خود در تشویق اعراب به مقابله با اسرائیل و تهدید این کشور دست کشیدند. برای نمونه، از قدرت سوریه در مقابله با اسرائیل کاسته شد. از همین رو شاخه رادیکال سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) ناچار به کنار آمدن با گروه‌های مدره و میانه شد و مذاکره با اسرائیل را در دستور کار قرار داد.

اتحاد جماهیر شوروی در دوران گورباچف، اسرائیل را به رسمیت شناخت و سفارت خود در تل آویو را گشود و به یهودیان این کشور اجازه مهاجرت به این کشور را داد. با این همه، موضوع سیاست امنیتی اسرائیل با همکاری و حمایت آمریکا بعد مرکزی پیدا کرد.

در این زمان صرف نظر از تغییراتی که در جامعه اسرائیل و دینامیسم مناقشات آن با خاورمیانه ایجاد شده بود، آمریکا به لحاظ سیاسی، اقتصادی و نظامی اسرائیل را حمایت کرد (تنها به لحاظ اقتصادی، اسرائیل مبلغی حدود ۳ میلیارد دلار سالانه از این کشور دریافت کرده که ۱/۸ میلیارد آن کمکهای نظامی است).

اگر چه پس از جنگ سرد و با توقف کمکهای اتحاد جماهیر شوروی انتظار می رفت که بر قدرت و نفوذ اسرائیل افزوده شود اما رابطه بهتر و همکاری روسیه و آمریکا و حمایت آمریکا از طرح "زمین در برابر صلح" که در مصوبه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت قید شده بود، از قدرت مانور اسرائیل تا حدودی کاست. با کاهش قوای مشتریان شوروی از شدت موضوع امنیت برای اسرائیل کاسته شد و در

این هنگام بود که دولت اسحاق شامیر استراتژی مذاکرات را به ظاهر پذیرفت.

سازمان آزادیبخش فلسطین پس از جنگ سرد

با پایان جنگ سرد، سازمان آزادیبخش فلسطین حمایت نظامی و اقتصادی خود را از دست داد، از این رو استراتژی رهایی مردم فلسطین نیز باید تغییر می کرد. در این هنگام اتحاد جماهیر



شوروی، یاسر عرفات و دیگر رهبران مردم فلسطین را تحت فشار گذاشت تا آنها را به پای میز مذاکره با اسرائیل بر سر آینده فلسطین بکشاند. این امر سبب خلع سلاح شدن سازمان آزادیبخش فلسطین در مانورهای سیاسی خود شد. تحت این شرایط بود که ساف به استراتژی بقا رو آورد و به اسرائیل و آمریکا که تنها بازیگر جهانی برای تغییر سیاست اسرائیل به حساب می آمدند، نزدیک شد. سازمان آزادیبخش فلسطین در پیش خود راهی جز کاهش سطح خواسته های مردم در سرزمینهای فلسطینی و راهکارهای سیاسی نمی دید. از همین رو، با به رسمیت شناختن اسرائیل و محکوم کردن "تروریسم"، موضع آمریکا را نسبت به خود تا حدی نرم تر کرد

با این حال و پس از جنگ خلیج فارس، هیچ رژیمی جا به جا نشد، مرزی تغییر نکرد و مساله فلسطین و اسرائیل هنوز به عنوان مهمترین مانع ثبات و صلح در منطقه باقی ماند.

اگر چه جنگ خلیج فارس به مسایل منطقه ای در خاورمیانه برمی گشت و



ربطی به پایان جنگ سرد نداشت اما واکنش جهانی و منطقه ای به تهاجم عراق به کویت حاصل کنش و واکنشها پس از جنگ سرد بود. بین اوت ۱۹۹۰ (مرداد ۱۳۶۹) و نوامبر ۱۹۹۱ (آبان ۱۳۷۰) شورای امنیت ۱۲ مصوبه داشت که حمله عراق به کویت را محکوم می کرد اما اگر این رویداد در دوران جنگ

سرد رخ داده بود، اتحاد جماهیر شوروی بدون شک از تصویب این قطعنامه ها جلوگیری می کرد و به نجات عراق دست می زد.

"جاستین برابک"، استاد دانشگاه علوم و تکنولوژی در نوشتاری با عنوان "تغییرات ساختاری در روابط اسرائیل - فلسطین پس از جنگ سرد" که به چهارمین کنفرانس کشورهای نوردیک با موضوع "مطالعات خاورمیانه در دنیای جهانی سازی" ارائه داد، می گوید:

"جنگ خلیج فارس دارای دو نکته مهم بود: اول آن که در نقش کاتالیزوری برای تغییرات در منطقه عمل کرد و امکان تشدید پروسه چند دستگی کشورهای عربی با تهاجم یک کشور عربی به کشور عربی دیگر را به وجود آورد. دوم، جنگ نشان می داد چه نوع جو سیاسی در آن زمان در خاورمیانه وجود دارد. در سخن، صدام حسین رابطه ای بین بحران در خلیج فارس و اشغال فلسطین در نوار غزه و کرانه غربی توسط اسرائیل را مطرح کرد و بدین وسیله اثرات بیهودگی تلاشهای صورت گرفته برای صلح و عدم حل مناقشات اسرائیل - فلسطین را به نمایش گذاشت. صدام، تهاجم به کویت را با اشغال سرزمین فلسطین هم تراز کرد و خواستار خروج اسرائیل از این مناطق پیش از آن که از کویت نیروهای خود را خارج کند، شد."

برابک می افزاید: "از همین رو، مردم اسرائیل به نظرات راست متمایل شدند و تحریمهای دولت لیکود علیه فلسطین را به حق دانستند. این تحریمها نتیجه دو عامل بود: نخست آن که رهبران ساف و رهبران سیاسی در کرانه غربی تهاجم عراق را محکوم نکردند و سپس آن که، تصاویر فلسطینیها در حال ابراز شادمانی از فرو آمدن موشکهای اسکاد عراقی در تل آویو به نمایش درآمد. در این حالت بود که رهبران اسرائیل با بهره گیری از جو به وجود آمده در جامعه اسرائیل، مرزها را بر سرزمینهای اشغالی بستند و از ورود فلسطینیها به اسرائیل برای حضور بر سر مشاغل خود جلوگیری کردند."

نتیجه آن که وضع اقتصادی اسرائیل با وجود افزوده شدن بیش از نیم میلیون مهاجر بر جمعیت آن که بیشتر از شوروی به اسرائیل مهاجرت کرده بودند، رو به وخامت گذاشت. مردم فلسطین نیز که از شرایط اقتصادی مناسبی برخوردار نبودند، با بحران اقتصادی وخیم تری روبرو شدند. از سوی دیگر، شرایط برای صلح نامناسب تر گردید.

در این هنگام بود که مذاکرات صلح مختل شده و اسرائیل به بهانه امنیت ملی، به کارگیری نیروی نظامی را جایگزین مذاکرات کرد.

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۱۰

عدم محکومیت صدام حسین از جانب سازمان آزادیبخش فلسطین سبب شد که فلسطینیها حمایت بین المللی خود را از دست بدهند. آمریکا این رویداد را دستاویز قرار داد و از این که به ظاهر از فلسطینیها حمایت می کرد نیز دست کشید. در همین حال مردم فلسطین از حمایت مالی کویت و عربستان سعودی هم محروم شدند. بیش از سیصد و سی هزار فلسطینی ناچار به ترک کویت شدند که اکثر آنان به اردن رفتند. به طوری که نسبت ساکنان فلسطینی در این منطقه به ۸۲ در صد رسید. افزوده بر آن، فلسطینیها در این کنشها حدود ۱۰ میلیارد دلار از دست دادند. از سوی دیگر، اسرائیل نیز تحریمهای سختی را مقرر کرد و بدین صورت وضع اقتصادی و معیشتی مردم فلسطین وخیم تر گردید.

جنگ و عدم برخورد هوشمندانه از جانب سازمان آزادیبخش فلسطین و این که اسرائیل نیز از روز نخست واقعا خواستار کوتاه آمدن از ادعاهای خود نبود، این سازمان که مردم فلسطین آن را نماینده واقعی خود می دانستند را به شدت تضعیف کرد. از آن بدتر، اتحاد ملی مردم فلسطین نیز در برابر تهدید قرار گرفت، هم کشورهای عربی و هم اپوزیسیون داخلی به انتقاد شدید از عرفات پرداختند. به جای اتحاد و همبستگی برای برون رفت از بحران به وجود آمده، گروههای اسلامی بنیاد گرا که برخی در درون ساف بودند، دیگر رهبران این سازمان را آماج حملات شدید خود گرفتند.

"جاستین برابک" در این باره می گوید: "رهبری ساف پس از تضعیف همه جانبه خود، انرژی خویش را گرد حفظ قدرت در اردوگاههای فلسطینی متمرکز کرد و به جای ادامه استراتژی رهایی ملی، همه نیروی خود را در خدمت حفظ موجودیت و بقای ساف گذاشت. تحقق این هدف بستگی به توانایی یاسر عرفات در باز پس گیری موقعیت خود در صحنه بین المللی داشت. برای آن که او توجه و حمایت اسرائیلیها را به دست آورد و شرایط اقتصادی مردم سرزمینهای اشغالی را بهبود بخشد، می بایستی که سطح خواستههای فلسطینیها را پایین می آورد و به انتظارات اسرائیل و ایالات متحده پاسخ مثبت می داد زیرا وی هم به لحاظ داخلی و هم خارجی تحت فشار قرار گرفته بود. اما این دو کشور تلاش کردند تا مردم فلسطین و سازمان آزادیبخش را در صحنه سیاسی از یکدیگر جدا کنند."

از این رو بود که بعد از جنگ در خلیج فارس ما شاهد کم رنگ شدن نقش ساف بودیم. این سازمان از موضع

ضعف، برای حفظ قدرت و اینکه به طور کلی کنار گذاشته نشود، به اسرائیل و آمریکا نزدیک شد. اسرائیل در این زمان تا حدودی در موضع قدرت قرار داشت اگر چه اثرات جنگ و فشارهای آمریکا مقداری از قدرت آن می کاست.

جنبش انتفاضه و پیدایش حماس

جنبش انتفاضه در سرزمینهای اشغالی تمامی لایه های جامعه فلسطینی را در آن هنگام در بر می گرفت و اتحاد ملی مردم فلسطین را تقویت می کرد. "جاستین برابک" در این باره می گوید: "این نوع خیزش عمومی برای اسرائیل سخت تر از جنگ چریکی سازمان آزادیبخش فلسطین بود. اما با همه امیدواریهایی که این خیزش به وجود آورد، با دستگیریها و اعمال حکومت نظامی توسط نیروهای امنیتی اسرائیل، وضع اقتصادی مردم فلسطین رو به وخامت بیشتری رفت."

نقش حماس

در این هنگام حماس (حرکت مقاومت اسلامی)، شاخه متصل به اخوان المسلمین که در سال ۱۹۸۷ در جریان انتفاضه نخست بنیان گذاری شده بود، با رساندن خدمات اجتماعی به جامعه ای که تحت فشار اقتصادی بود و در تامین معاش خود عاجز شده بود، پتانسیل رشد یافت. در این دوره ما با جامعه ای روبرو می شویم که با وجود داشتن جس غرور و اتحاد ملی ناچار بود برای رفع نیازهایش به حماس رو آورد.

البته سیاست جمهوری اسلامی در ارتباط با فلسطین در طول بیش از ۳۰ سال گذشته را نیز نمی توان نادیده گرفت. شعارهای طرح شده در دوران خمینی در اوایل قیام و حرفهای احمدی نژاد در باره هالوکاست و ادعاهای ایدئولوژیک دفاع از اسلام و نابودی اسرائیل به تدریج به اوج رسید و ناگهان دو نیروی اسلام گرای حماس در فلسطین و دیگری حزب الله در لبنان توانستند ابراز وجود بیشتری کنند. این دو گروه در پی تحریکات و حمایتهای جمهوری اسلامی با اسرائیل درگیر شدند.

بین سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ (۱۳۸۴ - ۱۳۸۰) دولت فلسطین گامهای زیادی در جهت اصلاحات دمکراتیک برداشت اما نتیجه انتخابات ۲۰۰۶ (۱۳۸۴) و پیروزی حماس نشان داد که نقضی بنیادی در این جنبش وجود دارد. حمایت کنندگان بین المللی مانند ایالات متحده و اتحادیه اروپا که پروسه دمکراتیزه شدن را راهی برای تضعیف عرفات می دانستند، موضوع صلح با اسرائیل را پیش کشیده بودند. اما نتیجه انتخابات به صورت غیر منتظره ای این نقش آفرینان را به عنوان نیروهای

علیه اصلاحات دمکراتیک جلوه گر ساخت. آنها از خود پرسیدند، این رفرمهای موفقیت آمیز و انتظارات بر باد رفته چه عواقبی را در آینده خواهد داشت و به کجا کشیده خواهد شد؟ این سوال تنها در مورد فلسطین نبود بلکه، تمامی خاورمیانه را در بر می گرفت.

"نتین بران"، استاد علوم سیاسی و روابط بین المللی در دانشگاه جورج واشنگتن که نویسنده چهار کتاب در باره سیاستهای جهان عرب است و تمرکز ویژه ای در باره جنبشهای اسلامی، فلسطین و قوانین کشورهای عربی دارد در این باره می گوید: "برخورد با رخدادهای فلسطین در این زمان بهترین نمونه در نظر نگرفتن اهمیت اصلاحات دمکراتیک در طولانی مدت و تمرکز بر گرفتن نتایج فوری از آن است. قدرتهای بین المللی به سرعت بعد از پیروزی حماس از حمایت جنبش اصلاحات دمکراتیک دست کشیدند و بدین صورت رهبران جنبش رفرم زیر انتقادات شدیدی رفته و مورد سرزنش مردم فلسطین قرار گرفتند."

"پرفسور بران" می افزاید: "یکی از مهمترین زوایای رفرم در خاورمیانه این است که جنبشهای اسلامی از آن سر برون می آورند. رژیمهای عربی و دستگاههای اجرایی آنها از جامعه خود و تاثیر برنامه های سیاسی اسلامیستی بی خبر هستند."

وی معتقد است که تجربه اصلاحات در فلسطین باید به ما درسی داده باشد که از آن در این منطقه و دیگر مناطق خاورمیانه استفاده کنیم. این درس حاکی از آن است که نمی توان به اصلاحات و دمکراتیزه کردن رو آورد بدون آن که دخالت و یا حتی شرکت جنبشهای اسلامی در نظر گرفته نشود. هیچ دوگانگی و تضادی بین اصلاحات و نوعی از اسلام سیاسی، به صورتی که برخی از رفرمیستها و حامیان بین المللی آنها تصور می کنند، وجود ندارد."

نتیجه گیری

در سال ۱۹۴۸ با پایان حاکمیت انگلیس بر فلسطین، کشور اسرائیل تشکیل شد. در ۶۲ سال گذشته مردم فلسطین مورد تهاجماتی ظالمانه یکی پس از دیگری قرار گرفته اند. بی عدالتیها به طور مستمر آسایش، سعادت و امنیت را از آنان ربوده و مرگ و فقر را به ارمغان آورده است. مبارزات و مقاومت مردم فلسطین همواره با اتحادهای فرصت طلبانه و منفعت جویانه بین المللی سرکوب شده است. جویانه بین المللی سرکوب شده است. این رویدادها تجربیاتی هستند که به ما هشدار می دهند، طبقه حاکمه جهانی با همبستگی و یا همکاریهای بین خود توانسته به این معضل خاتمه دهد. چشم امید داشتن به طبقه حاکمه جهانی بدون پشتوانه مردمی و

همبستگی ملی و همچنین دارا بودن از همبستگی مردم جهان، در واقع بر غلظت سیاستهای نژادپرستانه و تبعیض گرای اسرائیل افزوده است.

در تاریخ معاصر جهان لحظاتی بوده اند که مبارزات و جنبشهای ویژه ای توانسته اند همبستگی جهانی را نسبت به خود جلب کنند. جنگ داخلی اسپانیا، مبارزات مردم ویتنام علیه امپریالیسم آمریکا و مبارزات برابری طلبانه و ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی، اما یک حمایت جهانی از مقاومت مردم فلسطین با شدت و حدتی مشابه شکل نگرفته است.

"سامورا مایکل"، انقلابی موزامبیک می گوید: "همبستگی بین المللی صدقه دادن نیست بلکه، برخوردی متحذانه بین متفقینی است که علیه ستمگران متفاوت برای نیل به هدفی همگون مبارزه می کنند."

اگر به دقت دست امپریالیستها را بخوانیم، می بینیم که اسرائیل، آپارتاید را لازم دارد، همچنان که بنیادگرایی و میلناریزه شدن را نیز از ضروریات می داند تا بتواند زمینه بین المللی سرکوب مردم شکست ناپذیر و نا فرمان فلسطین را داشته باشد.

مردم فلسطین به حمایتی جهانی نیاز دارند. تنها در نوار غزه ۸۰ در صد مردم در فقر کامل زندگی می کنند. نزدیک به یک میلیون نفر به آب پاک آشامیدنی، برق، و دیگر خدمات ضروری دسترسی ندارند. بیش از ۷۰ هزار کارگر مشاغل خود را از دست داده اند. کشتار مردم فلسطین به کمک سلاحهای ساخت آمریکا همچنان ادامه دارد اما رسانه های جمعی سخنی از آن به میان نمی آورند.

در برابر این کشتار و بی عدالتی بر مردم ساکن سرزمینهای اشغالی، نوار غزه و کناره رود اردن از یک سو حماس با برخورداری از حمایتهای مالی جمهوری اسلامی از پروسه صلح و راه حل "دو ملت، دو کشور" جلوگیری می کند و از سوی دیگر، محمود عباس دست به چابلوسی زده و به خاطر عدم توانایی در پیشبرد مذاکرات عادلانه، تسلیم تصمیمات آمریکا می شود.

"کارما نابولسی"، یک آکادمیسین در دانشگاه آکسفورد و نماینده سابق سازمان آزادیبخش فلسطین در این باره می گوید:

شعارهای زنگ زده "آخرین فرصت برای صلح" یا "توافقههای دردناک" آن قدر پوسیده شده که حتی یک بچه را گول نمی زند. ملاقاتها و مذاکرات، برای مشروعیت بخشیدن به وضعیت فعلی است. رسانه ها و سیاستمداران به شدت فرسوده و مایوس از همه جا هستند. اما یک واقعیت امیدوار کننده وجود دارد، بسیاری از مردم در سراسر جهان و به ویژه مردم فلسطین هنوز تسلیم نشده اند."

لایحه حمایت از خانواده: گذار از بحران یا فرو غلطیدن هر چه بیشتر در آثار و تبعات فراگیر آن

آناهیتا اردوان

علی خامنه ای، ولی فقیه نظام توانست با توسل به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، پروژه یکدست سازی ساختار سیاسی را یک گام به جلو ببرد اما رقبا با بیرون افتادن از دایره قدرت، جهت تأمین منافع خود به ناچار به مقابله با ولایت فقیه پرداختند. استفاده آگاهانه گردانهای مختلف اجتماعی در به اوج رساندن این تضاد و تشدید فشارهای بین المللی، ولایت فقیه را با بحرانی رو به رشد روبرو ساخت؛ بحرانی که شادکامی ولی فقیه‌ی که گمان می برد جایگاه استبدادی خود را مادام العمر کرده است را بی دوام ساخت. این بحران که به نوبه خود در دوران حیات ننگین رژیم بی سابقه محسوب می شود، نظام توتالیتر مذهبی حاکم را ناگزیر می سازد برای روبرو گشتن با فرآیندی که در صورت تداوم، سیستم را منهدم می کند، راه مصالحه بر نگزیند زیرا این نیز برآیندی جز سقوط ندارد. بدین ترتیب، تشدید سرکوب و ایجاد شرایط رعب و وحشت را به عنوان تنها راه برون رفت از بحران در دستور کار قرار می دهد. رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه در این مسیر از هر ابزاری جهت تسلط بر هر گونه حرکتی که به گونه ای ساختار سیاسی حاکم را به چالش بگیرد، استفاده می کند. دستگیریها، شکنجه و اعدام، تصویب احکام سنگسار، حمله به اقلیتهای مذهبی و اقوام مختلف در راستای همین فرآیند شدت گرفته است. تجدید بررسی برای تصویب لایحه جنجالی موسوم به "طرح حمایت از خانواده" نیز با هدف مهار نیروی عظیم مبارزاتی زنان که نقش تاریخ ساز خود در جنبشهای اجتماعی جهت دستیابی به تحولات بنیادین را به ثبت رسانده اند، صورت می گیرد. اگر چه این لایحه به طور کلی حاکی از نگرش جنسیتی و در صدد نهادینه کردن هر چه بیشتر تبعیض جنسیتی می باشد اما امروز ارتجاعی تر از سابق در مقابل زنان قد علم کرده است. ماده ۲۳ در این لایحه، ازدواج مرد را در صورت توانایی مالی و رعایت عدالت بین همسران خود، بدون رضایت زن اول منتفی نمی داند. بدین ترتیب، نه تنها خواستار منع تعدد در زوجات نشده است بلکه، حتی شرط رضایت زن اول در ازدواج مجدد مرد که پیش از آن در قانون وجود داشته است را زیر لوای اجرای عدالت اسلامی بین همسران، حذف کرده است.

این ماده به طور علنی حقوق اولیه انسانی زنان را زیر پا گذاشته و حتی در زندگی شخصی نیز قدرت عمل و اراده

را از آنان سلب می کند. شاید در تاریخ تثبیت قوانین جنسیتی کمتر قانونی اینچنین سبعانه "جنس دوم" بودن انسانی را به رسمیت شناخته باشد. نگرش جنسیتی با چنین ماده ای به صورت بسیار روشنی عینیت یافته و قانونی می شود. ماده ۲ همین لایحه، زنان را در صورت ازدواج و داشتن مهریه ملزم به پرداخت مالیات به وزارت اقتصاد و دارایی می سازد. بدین ترتیب، اگر تا دیروز زنان به دلیل نداشتن حق طلاق به عنوان انسانی مستقل، در بسیاری شرایط بفرنج از مهریه خود به عنوان سنتی ارتجاعی در جوامع عقب افتاده چشم پوشی می کردند، اکنون می بایست مالیات آن چه که هنوز دریافت نکرده اند را به دولت بپردازند. این روش نیز گامی دیگر برای چاپیدن بی چیز ترین قشر جامعه جهت انباشت هرچه بیشتر ثروت در دست طبقه حاکم است. استبداد حاکم تلاش می کند با توسل به این ماده، نقش "خانواده" به عنوان یک کانون اقتصادی را بیشتر و تضاد بین زن و مرد را پر رنگ تر کرده و از همبستگی و همیاری این دو نیرو جهت مبارزه برای دموکراسی، موانع بیشتری ایجاد کند. زیرا شرایط برای رسیدن به جامعه ای عاری از بهره کشی انسان از انسان با کاهش تضاد بین زن و مرد و رنگ باختن نابرابری جنسیتی، فراهم تر می گردد.

ماده ۲۲ لایحه پیشنهادی مزبور، بیشتر از سایر مواد این لایحه ارتجاعی خشم مدافعان حقوق زنان را برانگیخته است. این ماده ثبت ازدواج موقت (صیغه) را الزامی نمی داند. تبعیض جنسیتی در جامعه ای که قانون این گونه به طور علنی زن را به عنوان کالایی جهت مبادله به عرضه می گذرد، نشان از فرهنگ به غایت عقب افتاده و ایدئولوژی زن ستیزانه مروجان آن دارد. اگر تا دیروز قانونی کردن تن فروشی با الهی و دینی شمردن صیغه و تحت حمایت دین صورت می گرفت، امروز قانون با بی اهمیت دانستن ثبت آن، بیش از پیش به استثمار جنسی زنان محروم میهن مان، صحه می گذارد. با تصویب این ماده، استثمار وحشیانه زنان محرومی که به اجبار راهی به جز تن دادن به صیغه فراروی خود نمی بینند، تشدید می شود و تن خسته این زنان را بیش از پیش به فقر فقر و ناچیزی فرو می کشد و آنان را به جمیعت محروم زنان سرپرست خانوار، سوق می دهد. پیشنهاد این ماده با توجه به شرایط اسفناک زنان سرپرست خانوار یک ددمنشی تمام عیار ارتجاع

حاکم نسبت به زنان محسوب می شود. وخامت وضعیت این دسته از زنان به دلیل بحران ساختاری اقتصادی و سیاسی نظام ولایت فقیه یکی از مهمترین معضلات اجتماع ایران به حساب می آید. شما زنان سرپرست خانوار که از فقر مفرط رنج می برند بسیار بالا می باشد و تصویب ماده ۲۲ لایحه مزبور قادر است بیش از پیش به افزایش آن دامن زند. وبگاه حکومتی "خبر آنلاین" در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۸۹ در همین رابطه چنین می نویسد: "آخرین آمار از وضعیت زنان بدسرپرست حدود دو سال پیش منتشر شد. طبق اعلام سازمان بهزیستی، در سال ۱۳۸۷، تعداد خانواده های مرد سرپرست در ایران بیش از ۱۵ میلیون و ۷۱۱ هزار خانوار بود. در همان زمان تعداد خانواده های زن سرپرست بیش از یک میلیون و ۶۴۱ هزار خانوار تخمین زده می شد. این آمار می گفت رشد خانواده های مرد سرپرست طی سالیهای ۷۵ تا ۸۵ حدود ۳۸ درصد بوده که این رشد در آن سال در مورد خانواده های زن سرپرست، به ۵۸ درصد رسیده. به بیان دیگر، با احتساب تصاعد آماری رشد خانواده های زن سرپرست و بدون دخالت دادن طلاقیهای فراوان در جامعه، می توان قاطعانه اظهار کرد در سال ۸۹، تعداد خانواده های زن سرپرست به بالای ۲ میلیون خانوار رسیده است. این در حالی است که مقامات رسمی سازمان بهزیستی اعلام می کنند تنها اندکی بیش از ۱۷۰ هزار خانوار زن سرپرست را تحت پوشش "هزینه نان" قرار داده اند. به بیان دیگر، ۲ میلیون خانوار زن سرپرست در کشور، دارای اقتصاد نامتوازن، غیر شفاف و در برخی مواقع، غیر سالم هستند. البته عمق فاجعه زمانی مشخص می شود که برخی نهادهای غیر دولتی فعال دربارہ وضعیت زنان، از آمار بالای ۲ و نیم میلیون زن خود سرپرست و بدسرپرست سخن می گویند. به بیان دیگر، نزدیک به یک دهم جمعیت کشور دچار مشکلات ناشی از سرپرستی نامناسب زنان در خانواده است." در حالی که بسیاری از مدافعان حقوق زنان با لایحه مورد بحث به مخالفت پرداخته اند، زنانی که به دلیل تبعیت از فرهنگ مردسالارانه حاکم و منافع طبقاتی خود در دولت نهم به پست و مقامی رسیده اند، از آن حمایت کرده اند. به عنوان مثال لاله افتخاری، عضو فراکسیون زنان در مجلس شورای اسلامی در گفتگویی با "خبر آنلاین" در تاریخ اول شهریور اعلام داشته که

تصویب همه مفاد لایحه حمایت از خانواده به نفع زنان است. وی در مقابل پرسش در رابطه با ماده ۲۳ لایحه و ترویج چند همسری ابراز می دارد: "خوب عده ای از اسلاميون با مطرح کردن این قضیه که در قرآن اشاره ای به تمکن مالی مرد نشده است این قانون را باعث ترویج چند همسری در جامعه می دانند. ما منکر این قضیه نیستیم که اسلام اصل را بر تک همسری و ازدواج دائم گذاشته است اما در مواردی استثنایی راه قانونی برای ازدواج مجدد باز است. اما این لایحه سنگی را برای ازدواج مجدد مردان قرار داده است که شامل تمکن مالی و اجرای عدالت بین همسران است و قرار دادن این تبصره برای به صلاح زنان و جامعه است و دست مردان را برای ازدواجهای پی در پی بسته می دارد."

اگرچه افتخاری قصد دارد با سفسطه گری از لایحه حمایت از خانواده دفاع کند. اما این شارلاتان قادر نیست مبارزه زنان برابری طلب را به بیراهه بکشاند.

روی میز آمدن مجدد لایحه موسوم به حمایت از خانواده و ارایه پیشنهاداتی در رابطه با یک سری مواد آن از سوی ارتجاع حاکم، از نقطه نظر سیاسی جهت هرچه ایزوله کردن زنان و جلوگیری از گسترش مبارزه آنان دوشادوش دیگر اقشار جامعه می باشد. البته همین جا باید اشاره کرد که پیشنهاد چنین موادی با توجه به افزایش شکل گیری کارتلها توسط نهادهایی همچون سپاه پاسداران در راستای کنترل و انحصار فعالیتها سود آور در دست محافل قدرتمند نظامی از جنبه اقتصادی نیز حایز اهمیت است. البته نگارنده فعلا فقط به این بسنده می کند که بر اساس شواهد و قرائن می توان ابراز داشت که قبل از تصویب نهایی و وجهه ی قانونی یافتن این لایحه ی ارتجاعی، غولهای اقتصادی کشور (سپاه و آستان قدس) نیز بر این سفره چرب دست یازیده و در قانونی شدن آن تلاش می کنند.

اگرچه نظام مبتنی بر ولایت فقیه سعی دارد با لایحه های از این دست نقش جنسیتی زنان را در جامعه پررنگ تر سازد و در این راستا به مقاصد شوم خود که مهار کردن مبارزه آنها و جلوگیری از شرکت در جنبش اجتماعی است، دست یابد اما مقاومت زنان در مقابل این پیشنهادات نشان می دهد که رژیم منززل ولایت فقیه دیگر قادر نیست به آسانی با توسل به چنین تاکتیکیهایی از گسترش بحران جلوگیری کند بلکه، هرچه در مسیر سرکوب زنان و مردم ایران تلاش کند، بیشتر از پیش در آثار و تبعات فراگیر بحران فرو می غلطد.

بیانیه بیست و نهمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران

صد و چهار سال از انقلاب مشروطه، پنجاه و هشت سال از قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در حمایت از دکتر محمد مصدق، ۲۹ سال از تأسیس شورای ملی مقاومت در ۳۰ تیر ۱۳۶۰ و یک سال از قیام مردم ایران علیه رژیم ولایت فقیه که سرپای جامعه ما را دگرگون کرد، می‌گذرد. مضامین مشترک این چهار رویداد تاریخی، یعنی تلاش برای کسب آزادی و حاکمیت مردم، از تداوم و تکامل مبارزه آزادیخواهانه‌ی حکایت می‌کند که پرچم آن در آستانه انقلاب مشروطه برافراشته شد و طی بیش از صد سال، به رغم همه فراز و نشیبها و هزینه های سنگینی که مردم ما در این مسیر پرداخته اند، همچنان ادامه دارد.

صدسال پیش پیشگامان مشروطه این اصل را که «قوای مملکت ناشی از ملت است» دراصل ۲۶متمم قانون اساسی به ثبت رساندند و اصل دعوی امروز هم بازپس گرفتن همین حق به سرقت رفته ملت است. پرچم این مبارزه حق طلبانه در قیام مردم ایران درسال گذشته در دستانتان پرتوان ملیونها زن و مرد آزادیخواه در گوشه و کنار ایران به اهتزاز در آمد و مردم با شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» ناقوس مرگ استبداد مذهبی حاکم را به صدا درآوردند.

شکاف و شقه در هرم قدرت و ثروت، درهم شکسته شدن اقتدار و اعتبارولی فقیه، محدود شدن فرصتها و میدان مانور خامنه ای در میان باندهای درونی رژیم، گسترش و تعمیق قیامها و خیزشها، همراه با تحریم و انزوای رژیم در منطقه و در جهان - که دو مشخصه بارز آن تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ در شورای امنیت و شکل گیری و پیروزی اترناتیو ملی عراقی در انتخابات پارلمانی این کشور است - نشان می دهد که رژیم دروضع ناپایدار و شکننده قرار گرفته و اوضاع در داخل و خارج ایران دیگر به شرایط قبل از قیام بر نمی گردد. آنچه از رذالت و ددمنشی، خامنه ای و گماشته حقیر او در یکسال گذشته گفتند و کردند، توانست این حقیقت را که قیام مردم «آغاز پایان رژیم ولایت فقیه» است، مخدوش کند.

تلاشهای سرکوبگرانه خامنه ای برای مهار قیام و بحران داخلی و حملات وحشیانه مزدورانش در روزهای ۶ و ۷ مرداد ۸۸ به شهر اشرف با شکست مفتضحانه مواجه شد و پیکار سرنوشت ساز مردم ایران برای آزادی، و پایداری

زنان و مردان دلیر شهر اشرف، ناکام ماندن توطئه های آخوندی برای مهار کردن جنبش خواستار دموکراسی در ایران را به ثبت رساند.

در چنین شرایطی، ولی فقیه نظام باید یا به سیاست بی دنده و ترمز و فرار به جلو ادامه دهد یا عقب نشینی کند و با نوشیدن پی در پی جامهای زهر به فروپاشی سلطنت مطلقه اش تن در دهد. رویدادهای یکسال گذشته و حمایت بی دریغ خامنه ای از گماشته اش در نقش رئیس جمهور، فرصتها را برای سازش و عقب نشینی، هر روز بیش از روز قبل، محدود کرده است. قیام مردم ایران ولی فقیه را به نقطه بی رسانده که هر راه حلی را انتخاب کند نمی تواند تعادل قوا را به سود خود و به زیان جنبش آزادیخواهانه مردم، تغییر دهد.

شورای ملی مقاومت ایران در آغاز سی امین سال حیات خود یاد همه فرزندان فداکار ایران را که طی صد سال گذشته در مبارزه برای آزادی ایران به شهادت رسیده اند گرمی می دارد و به همه رزمندگانی که در یکسال گذشته، در پایداری اشرف، در صحنه های قیام و در زندانهای رژیم در راه مبارزه با استبداد دینی و برقراری دموکراسی و حاکمیت مردم ایران به خاک افتاده اند، درود می فرستد.

ما از همه هموطنانی که در میدانهای گوناگون پیکار آزادی و در خلق حماسه هایی همچون گردهمایی بزرگ ۵ تیر در تاورنی، پیشبرد کارزارهای میهنی برای دفاع از اشرف و درهم شکستن برجسب تروریستی مشارکت داشتند، سیاستگراریم و همبستگی خود را با زنان و مردان دلیر و پیشتاز شهر اشرف، زندانیان سیاسی و عقیدتی مقاوم در سیاهچالهای خامنه ای و تمامی خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی ابراز می داریم. شور و اشتیاق هموطنان در دفاع از مقاومت و رزمندگان اشرف در جریان همیاری پنج روزه با سیمای آزادی، جلوه بی نظیری از همبستگی ملی در مبارزه با استبداد مذهبی و برای نیل به آزادی بود.

شورای ملی مقاومت از تلاشهای بی وقفه خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت، برای جلب حمایت جهانی از مبارزه مردم ایران و حقوق رزمندگان اشرف، و از حمایتهای مداوم زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای دموکراتیک و مدافع حقوق بشر در سراسر جهان، به ویژه مردم آزادیخواه و نیروهای ملی و دموکراتیک عراقی، ستایش و قدردانی می کند و در آغاز سی امین

سال حیات خود، نظرات و مواضع خود را پیرامون شرایط کنونی به اطلاع مردم ایران می رساند.

یک سال پر تلاطم:

ادامه قیام مردم و گسترش شقه در حاکمیت

۱- جنبش اعتراضی که پس از شعبده انتخاباتی شکل گرفت در قیام ۳۰ خرداد ۱۳۸۸ با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی، با مضمون و اهداف مقاومت سازمان یافته مردم ایران طی ۳۰ سال گذشته انطباق کامل پیدا کرد و تمامی تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را تحت الشعاع خود قرار داد. مقاومت در بیانیه خود در سال گذشته اعلام کرد: «مردم خیلی زود شعارهای انتخاباتی را پشت سر گذاشتند، سیاست را در مرکز فعالیت خود قرار دادند و با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای سمت و سوی خود برای یک تغییر دموکراتیک و یک نظام عرفی را نشان دادند. قیام کنونی ترکیب و آمیزه یی از تجربیات یک صد ساله تاریخ مردم ایران را در خود جا داده است. شهرهای بزرگ همچنان کانون پر تپش خیزشها و قیامهای مردمی هستند. جوانان با «کارشکه یی» و خبر سسانی و برقراری ارتباطات گسترده، به خنثی کردن موانعی که حاکمیت در مقابل آنان قرار می دهد، ادامه می دهند. پخش صحنه به شهادت رسیدن زنده یاد «ندا» در روز ۳۰ خرداد در هزاران تلویزیون، که چند میلیارد نفر در سراسر جهان آن را مشاهده کردند، نمونه یی برجسته از کار خلاق مردم برای اطلاع رسانی از رویدادهای قیام بود. آن چه طی روزهای ۲۳ تا ۳۰ خرداد ۸۸ زمین را زیر پای ولی فقیه ارتجاع به لرزه درآورد، نه کشاکشی در درون نظام ولایت فقیه، بلکه رویارویی مردم به جان آمده و مصمم به تغییر، با تمامیت نظام بود؛ مردمی که خشم متراکم آنها با عیان شدن شقه و شکاف در رأس حاکمیت، فرصت بروز یافت. این واقیعت در شعار فراگیر مرگ بردیکتاتور و فریادهای آزادیخواهی مردم و جوانانی که روی پلاکاردهایشان می نوشتند یا در موضعگیریهایشان می گفتند که نه به خاطر این یا آن کاندیدا بلکه برای بازپس گرفتن آزادی و میهن به یغما رفته خود به پا خاسته اند، کاملاً بارز است... قیام مردم ایران نشان داد که اکثریت قاطع این مردم خواستار

برچیده شدن بساط ننگین سلطنت مطلقه فقیه هستند».

۲- طی یک سال گذشته زنان

و مردان میهن ما، در خیابان و دانشگاه و کارخانه و بازار، با خیزش و اعتصاب و اعتراض، قیام را ادامه دادند. جنبش توفنده مردم در یکی از فرازهای شکوهمند خود در روز ۲۷ شهریور ۸۸ (روز موسوم به قدس) با شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» سیاست صدور تروریسم و بنیادگرایی رژیم را شدیداً به چالش کشید. خیزشهای ۱۳ آبان و ۱۶ آذر و به ویژه قیام پرشکوه روز ۶ دی (روز عاشورا)، به طور آشکار جهت گیری و اهداف اصلی جنبش مردم را به جهانیان نشان داد. در روز ۶ دی، بخش مهمی از شهر تهران ساعتها در اختیار مردم بود، مردم با شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» و «ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنگیم»، سرپای رژیم را به لرزه در آوردند. در مقابل، نمایندگان مجلس ارتجاع با سردمداری علی لاریجانی، کفن پوش به خیابان سرازیر شدند؛ خامنه ای برای ایجاد جو رعب و وحشت به بسیج تمام دستگاه حکومتی و با حداکثر تیغ کشی، و به طرح اتهام «مخاربه» برای هرگونه همکاری و رابطه با مقاومت سازمان یافته، حتی دیدارهای خانوادگی با مجاهدان اشرف، مبادرت کرد. اما مردم و قیام آفرینان پیشتاز و از خود گذشته، در مقابل سیاست سرکوب گسترده، تسلیم نشدند، بلکه مصمم تر و آبدیده تر، به خیزشها و تظاهرات اعتراضی از جمله در چهارشنبه سوری، روز کارگر، ۲۲ خرداد و ۳۰ خرداد ادامه دادند، و در هر فرصت، با دیدار با خانواده شهیدان یا حضور بر مزار شهیدان قیام، به تجدید پیمان با آنان پرداختند. در دل زندانها، زندانیان سیاسی مقاومت شدند و پیامهای آتشین پایداری تا پای جان فرستادند. بذر ۳۰ سال مقاومت سازمان یافته و پایداری سازش ناپذیر آن در برابر سلطنت مطلقه فقیه، سال گذشته محصول داد.

۳- موقعیت کنونی در مورد رابطه حاکمیت با جنبش اجتماعی و با تضادهای درونی را در فشرده ترین شکل می توان چنین جمع بندی کرد: اقتدار و هیبت ولایت فقیه به نحوی جبران ناپذیر در هم شکسته است. خامنه ای در غلبه بر تضادها و شکافهای درونی هرم قدرت، ناتوان مانده و هر روز شاهد بروز شکافهای بقیه در صفحه ۱۴

بیانیه شورای

بقیه از صفحه ۱۳

جدیدتری است. قیام مردم، به رغم تعادل ناپایداری که بین جنبش اجتماعی مردم و نیروهای سرکوبگر ایجاد شده، ادامه دارد و جامعه بر اثر انباشت روزمره خشم و نفرت، در شرایط انفجاری است. خامنه ای برای ترمیم شکاف حاکمیت، از همه شیوه های رذیلانه استفاده کرده، اما تا کنون نتوانسته است بر آن غلبه کند. اظهارات بالاترین مقامها و آخوندهای نزدیک به خامنه ای در این مورد، بسیار گویاست. شیخ محمد یزدی عضو هیأت رئیسه خبرگان اخیرا گفته بود: «ولی فقیه هدف مقدم حملات است و کسی حاضر به دفاع از او نیست». مرتضی نبوی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و از سرکردگان باند مومتلنه، نیز می گوید: «حتی در بین نخبگان اصولگرا هم تفرقه و تشتت آرا دیده می شود و از ثبات فکری برخوردار نیستند و بعضی

از دوستان نزدیکمان با صراحت می گویند ما بریده ایم! و در صحنه مقابل، شما اینها را مشاهده نمی کنید. چهره های معدودی الان در صحنه هستند و از مواضع مقدم معظم رهبری دفاع می کنند» (جوان آنلاین ۱۶ اردیبهشت ۸۹). این گفته ها توصیف موقعیت خامنه ای از زبان شیفتگان ولایت است. شکست مفتضحانه تظاهرات فرمایشی ۹ دی ۱۳۸۸ (در تقابل با قیام ۶ دی روز عاشورا)، ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ و گردهمایی ۱۴ خرداد ۱۳۸۹ (سالروز مرگ خمینی) گفته های مرتضی نبوی را تأیید می کند. در روز ۱۴ خرداد، خامنه ای با پریشانه حالی موسوی و کروبی را به جای «طلحه و زبیر»، و خود را در مقام امام اول شیعیان قرار داد. سپس در پیامی خطاب به نمایندگان مجلس تحت امرش گفت: «خداوند در التزام به ولایت فقیه و تبعیت از رهبری، خدشه در کلیت نظام اسلامی است و این جانب این را از هیچ کس و هیچ دسته و گروهی تحمل نخواهم کرد». و چندی بعد هم، در پاسخ به سوالی در مورد مفهوم «التزام به ولایت فقیه»، نوشت: «ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت است و شعبه یی است از ولایت ائمه اطهار که همان ولایت رسول الله می باشد و همین که از دستورات حکومتی ولی امر مسلمین اطاعت کنید نشانگر التزام کامل به آن است». این پاسخ مشتمل کننده، موجی از تنفر و انزجار را حتی در بین «خودی» هایی ایجاد کرد که در گذشته با ارادت از «عمود خیمه نظام» صحبت می کردند. کار به آن جا رسید که سایت ولی فقیه این سوال و جواب را حذف کرد.

۴-

به رغم شقه و گسستگی بی علاج نظام و شکستن هیمنه ولی فقیه، سران جناح مغلوب به خاطر دل بستگیها و منافی که طی سالها در نظام ولایت فقیه داشته اند و هنوز هم تا حدی از آن برخوردارند، و در نتیجه گرایششان به تسلیم طلبی، مرعوب توپ و تشرهای ولی فقیه می شوند و با شعارهای «مرگ بر اصل ولایت فقیه» و «استقلال آزادی جمهوری ایرانی» که هر دو بیان اصلی ترین خواست مردم ایران یعنی نفی رژیم دینی و تحقق یک نظام عرفی است، مخالفت می کنند تا به دفاع از قانون اساسی ولایت فقیه بپردازند. در این میان، مواضع سید محمد خاتمی آن قدر سازشکارانه و تسلیم طلبانه است که مورد نکوهش موسوی و کروبی هم قرار گرفته است. میر حسین موسوی نیز در بیانیه شماره ۱۷ عملا دولت پاسدار احمدی نژاد را به رسمیت شناخت و دست از خواست ابطال انتخابات برداشت. او به مهمترین خواست خامنه ای تن داد و با مهربندی با مقاومت سازمان یافته، یعنی دشمن اصلی ارتجاع حاکم، گفت: «مناقضین با این جنایتی که در داخل کشور داشته اند، با این همکاریهایی که با صدام داشتند، مرده یی شده بودند... شما وقتی فرزندان این ملت که دو سه میلیونشان در یک روز یک خیابان را پر می کنند به مناقضین نسبت می دهید، آیا شما مناقضین را تضعیف می کنید؟ یا نفاق را تقویت می کنید... این تقویت محارب و مناقف است». البته دل سوزی موسوی و شرکا برای اصل ولایت فقیه و قانون اساسی رژیم قابل درک است، اما آن چه برای همه تحلیلگران سیاسی شگفت انگیز به نظر می رسد این است که آقای موسوی وقتی میبایست هزینه بپردازد، خود را فقط یک عضو جنبش سبز اعلام می کند ولی هرگاه می خواهد به ولی فقیه امتیاز بدهد، در نقش وکیل جنبش ضد دیکتاتوری در تقابل با شعارهای همگانی علیه ولایت فقیه ظاهر می شود. بی سبب نبود که در جریان یکی از خیزشهای سال گذشته، مردم به روشنی و به صراحت این شعار پر معنی را طرح کردند: «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم». بدون تردید مواضع متناقض و سازشکارانه موسوی هم به جنبش ضد استبداد مذهبی ضربه وارد کرده و هم خود او و باند مغلوب را در مقابل خامنه ای در موضع ضعیف قرار داده است. مسئول شورا پیرامون موقعیت قیام و نقش نیروهای سازشکار به درستی بر اشتباه محاسبه موسوی تأکید کرد و گفت: «موسوی با حمله به مقاومت سازمان یافته نمی تواند کینه کشی خامنه ای را مهار کند و اشتباه محاسبه دارد... هرچند تا آن جا که به ما مربوط

می شونده آقای موسوی می گوئیم برای حفظ خویشتن، تا هر کجا که می خواهد می تواند به مجاهدین و به تمامی مقاومت ایران "بی دنده و ترمز" بتازد و در این زمینه برای باند غالب کاسه داغتر از آش هم بشود». آقای رجوی در همین خصوص اعلام کرد: «اگر قیامی که از یکسال پیش در جریان انتخابات ریاست جمهوری رژیم آغاز شد از یک هدایت و رهبری ذیصلاح ملی و به دور از سازش و تسلیم طلبی و به دور از آلودگی ارتجاعی و خمینی و ولایت فقیه، برخوردار بود، امروز وضعیت به کلی متفاوت بود». با این حال، مسئول شورا بارها هرگونه تعرض باند غالب به موسوی و کروبی و اطرافیان و خانواده های آنان را محکوم کرده است.

۵-

هم چنان که در بیانیه های شورای ملی مقاومت و در موضع گیریهای مسئول شورا، بارها اعلام شده است، برنده نهایی هرگونه گشایش و رفرم جدی، نیروهای خواستار تغییر دموکراتیک در ایران هستند. بر همین اساس، سال گذشته شورای ملی مقاومت در بیانیه خود «با یاد آوری تأکیدات مستمر خود در مورد ضرورت برگزاری انتخابات آزاد بر اساس حاکمیت مردم (نه ولایت فقیه) و تحت نظارت بین المللی، خواستار ابطال فوری انتخابات فضاخت بار ریاست جمهوری رژیم و به دنبال آن انحلال همه نهادهای حاکمیت غاصب آخوندی و سلب مشروعیت از تمامی مقامات و نهادهای سرکوبگر رژیم» شد. بدیهی است که ما ضمن استقبال از هرگونه رفرم و گشایش واقعی نه ادعای توخالی و فریبکارانه «اصلاح طلبی»، موظف هستیم حقایق را آن گونه که واقعا هست، برای مردم تشریح کنیم. ما گفته ایم و می گوئیم: «رژیم ولایت فقیه به اقتضای ماهیت قرون وسطایی خود مسیر انقباض و بسته شدن هرچه بیشتر را طی می کند و از سیاست صدور تروریسم و بنیادگرایی و دستیابی به سلاح اتمی، که آنها را ضامن بقای خود می داند، دست بر نمی دارد. رژیمی که خمینی آن را پایه گذاری کرد و در قانون اساسی اش صریحا حاکمیت مردم را نفی می کند و اساس موجودیتش بر سلطنت و حاکمیت مطلقه فقیه استوار است، رژیمی که انقلاب و حاکمیت مردم را غصب کرده و خود را مطلق العنان و نماینده خدا در روی زمین می داند، فاقد ظرفیت برای رفرم پذیری و استحاله و هرگونه انعطاف و تحول دموکراتیک است»

چالشهای بین المللی رژیم:

شکست مماشات، شروع دوران جدید
۶- تصویب هفتمین قطعنامه شورای امنیت و چهارمین

دور تحریمهای الزام آور بین المللی علیه رژیم و تحریمهای جداگانه ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا، استرالیا، ژاپن و... را می توان پایان سیاست مماشات و آغاز اتخاذ یک سیاست نسبتا قاطع در مقابل فاشیسم مذهبی حاکم بر ایران تلقی کرد. پس از دو دهه پافشاری شورای ملی مقاومت ایران بر ضرورت تحریم قاطع و همه جانبه رژیم، جامعه جهانی اکنون به آغاز راهی رسیده که ما طی بیست سال گذشته بر آن تأکید کرده ایم. بر ویرانه پندارهای پوچ پیرامون اثربخش بودن سیاست مماشات، سیاست جدیدی در حال شکل گیری است. ولایت خامنه ای که برای اغفال کشورهای بزرگ «باد کاشته بود» اکنون باید «توفان درو کند». مقاومت ایران سالهاست به طور مداوم و با استناد و مدارک انکارناپذیر اعلام می کند که رژیم ولایت فقیه در پی دستیابی به سلاح اتمی است. ما پس از انتشار گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۷، با نقد این گزارش مصرا نه بر فریبکاری رژیم ایران تأکید کردیم و به جامعه جهانی هشدار دادیم فریب موش و گربه بازی خامنه ای و ایادی او را نخورند. متأسفانه این هشدارها به علت رواج سیاست مماشات، نادیده گرفته شد. اکنون دیگر روشن شده است که گزارش سازمانهای اطلاعاتی آمریکا در سال ۲۰۰۷، از یک سو حاصل فریبکاری رژیم آخوندی بود و از سوی دیگر حاصل تلاش مماشات گران و لابیهای رژیم در دولت آمریکا برای موجه جلوه دادن سازش با این رژیم. این گزارش اکنون درخود آمریکا و ازسوی مسؤولان همان ارگانها در معرض انتقاد است و جامعه اطلاعاتی آمریکا درحال تهیه گزارش جدیدی ست. گزارشهای آژانس بین المللی انرژی اتمی افشاگریهایی مقاومت ایران را مورد تأیید قرار داده است. درفرانسه رئیس جمهور این کشور می گوید سازمانهای اطلاعاتی فرانسه تردیدی در اهداف رژیم ایران برای دستیابی به سلاح اتمی ندارند. اخیرا رئیس جمهور روسیه، دیمیتری مدودف اعلام کرد: «رژیم ایران به برخورداری از توانی که بتواند برای تولید سلاح هسته ای مورد استفاده قرار گیرد، نزدیک می شود». گفته مدودف از آن جهت مهم است که روسیه با سر سختی در مقابل پیشنهاد آمریکا برای تحریم رژیم ایستادگی می کرد، ولی اکنون این چنین به واقعیت اذعان می کند.

۷-

بخش مهمی از قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، که پس از یک

بقیه در صفحه ۱۵

بیانیه شورای

بقیه از صفحه ۱۴

از جمله شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران یا خطوط کشتیرانی جلوگیری کنند.

۸- سه هفته پس از تصویب قطعنامه شورای امنیت، تحریم‌های مصوب کنگره آمریکا در روز ۱۰ تیر ۸۹ با امضای رئیس جمهور این کشور به قانون لازم الاجرا تبدیل شد. این تحریم‌ها، فراتر از تحریم‌های ملل متحد، سرمایه‌گذاری در حوزه نفت و گاز و فروش بنزین و فراورده‌های نفتی به رژیم و شرکت‌ها و بانک‌های مرتبط با سپاه پاسداران و برنامه اتمی رژیم را دربرمی‌گیرند. قانون تحریم‌های آمریکا از موضوع اتمی فراتر رفته، شرکت‌هایی را که هرگونه فناوری سانوسور، فیلترینگ و مقابله با جریان آزاد اطلاعات به رژیم ایران بدهند، از ارتباط و بستن قرارداد با - یا خرید از - بازار آمریکا ممنوع می‌کند. این قانون هم چنین رئیس جمهور آمریکا را موظف می‌سازد راجع به امران و مسئولان کنترل یا هدایت نقض جدی حقوق بشر در ایران به کنگره گزارش بدهد و از اختیارات ریاست جمهوری برای اعمال تحریم در مورد بانک مرکزی رژیم ایران و هر بانک و موسسه مالی دیگری که مرتبط با فعالیت‌های اتمی یا حمایت از گروه‌های تروریستی وابسته به رژیم ایران باشد، استفاده کند. روز دوشنبه ۴ مرداد کشورهای عضو اتحادیه اروپا، یک بسته تحریمی را به تصویب رساندند. بر اساس این مصوبه بسیاری از بخش‌های اقتصادی - سیاسی به خصوص صنعت نفت و گاز و حمل و نقل رژیم مورد تحریم اتحادیه اروپا قرار می‌گیرند. دیپلمات‌های اروپایی، این تحریم‌ها را شدیدترین نوع آن توصیف کرده‌اند. به موجب این تحریم‌ها، هرگونه سرمایه‌گذاری، فروش تجهیزات و انتقال تکنولوژی در زمینه نفت و گاز به ایران ممنوع می‌شود و تمامی کشتی‌های حامل کالا به مقصد این کشور از سوی کشورهای دیگر مورد بازرسی قرار می‌گیرند. این تحریم‌ها مبادلات بازرگانی با برخی از موسسات و شرکت‌های سپاه در خارج از ایران و صدور ویزا برای برخی از شخصیت‌های حکومتی به خصوص اعضای سپاه پاسداران را ممنوع می‌کند. باتشدید تحریم‌ها علیه رژیم ایران، بسیاری از کمپانی‌های بزرگ جهان همکاری خود با این رژیم را قطع کرده‌اند. برخی از این شرکت‌ها عبارتند از کمپانی بریتیش پترولیوم، شرکت نفتی رپسول اسپانیا، رویال داچ شل، شرکت انی ایتالیا، شرکت لوکویل روسیه، شرکت کامپون سازی دایملر، شرکت بیمه آلمانی آلیانز، چند کمپانی فروشنده و واسطه بنزین از جمله رلیانس هند، ویتول، ترافیگورا و شرکت گلاپین کلور، همچنین یک

دوره طولانی مذاکره بی حاصل با حکومت استبدادی تروریستی ایران، در روز ۱۹ خرداد ۸۹ تصویب شد، به تحریم فناوری‌های موشکی و معاملات تسلیحاتی مربوط می‌شود، ارسال مستقیم یا غیرمستقیم قطعات و تکنولوژی موشکی به ایران و فروش تسلیحات سنگین از جمله خودروهایی زرهی، تانک، هواپیما و هلی‌کوپترهای جنگی و ناوهای رزمی به جمهوری اسلامی را ممنوع می‌کند. یک دانشمند هسته‌ای (ریاست مرکز فن آوری‌های هسته‌ای سازمان انرژی اتمی)، ۲۲ شرکت مرتبط با پروژه اتمی رژیم و ۱۵ موسسه متعلق به سپاه از مواردی هستند که مشمول تحریم قطعنامه می‌شوند. این قطعنامه، بر قطعنامه‌های پیشین تاکید دارد و رژیم آخوندی را موظف می‌کند ساخت تمام مراکز غنی سازی اورانیوم یا تاسیسات اتمی آب سنگین (مراکز پلوتونیوم) را متوقف سازد و از ساخت تاسیسات مشابه خودداری کند. قرارگاه خاتم الانبیا سپاه و چهار موسسه زیرمجموعه آن به نام‌های مکین، رهاب، فاطر و مهندسین مشاور ایمن سازان و هم چنین مجتمع صنعتی امین، گروه صنایع تسلیحاتی، صنایع فراساخت، صنایع "خرازی" و صنایع "ستاری"، مشمول تحریم‌های جدید شده‌اند. به موجب قطعنامه ۱۹۲۹ فعالیت‌های اتمی - تجاری رژیم در خارج ایران، از جمله هرگونه شرکت در طرح‌های استخراج اورانیوم در کشورهای دیگر یا شرکت در تولید مواد یا تکنولوژی‌های اتمی در خارج ممنوع شده و سه نهاد زیر مجموعه خطوط کشتیرانی ایران، از جمله «ایریسل» در بلژیک و خط کشتیرانی جنوب در فهرست تحریم‌ها قرار گرفته‌اند. قطعنامه از دولت‌ها می‌خواهد تمام محموله‌های هوایی و دریایی را که به ایران فرستاده می‌شود یا از ایران خارج می‌شود، در فرودگاه‌ها، بندر و آب‌های قلمرو خود، در صورتی که بر این باور باشند که آن محموله‌ها حاوی مواد اتمی، موشکی یا نظامی ممنوع اعلام شده است، بازرسی کنند. همچنین به کشورها اجازه می‌دهد محموله‌های دریایی ایران را بر اساس قوانین بین‌المللی در آب‌های آزاد بازرسی، توقیف و حتی در صورت لزوم نابود کنند. قطعنامه به کشورها اجازه می‌دهد از تامین سوخت یا ارائه خدمات دیگر به کشتی‌های ایران یا کشتی‌های خارجی حامل محموله‌هایی که از نظر قطعنامه «غیرقانونی» هستند، خودداری کنند و نیز از کشورها می‌خواهد تا از مبادلات مالی اشخاص یا شرکت‌ها با افراد و کمپانی‌های ایرانی

کمپانی بزرگ مهندسی و سازندگی کره جنوبی و یک سازنده بزرگ تجهیزات حمل و نقل، اسمیت اینترنشنال (کمپانی خدماتی میداین نفت)، شرکت کاترپیلار بزرگترین سازنده وسایل حفاری و ساختمان سازی جهان، شرکت مهندسی زیمنس و شرکت تولیدات شیمیایی هانتسمن، شرکت بیمه معتبر لویدز لندن و هم چنین تویوتا بزرگترین کمپانی اتومبیل سازی جهان.

۹- طی چند سال گذشته ولی فقیه نظام تلاش بسیار کرده تا در نزدیکی و تفاهم با سازمان همکاری شانگهای (SCO)، که یک گروه امنیتی منطقه‌ای شامل کشورهای روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان است، از این بلوک به مثابه یک کارت در مقابل آمریکا و غرب استفاده کند. در این سازمان منطقه‌ای، که در سال ۲۰۰۱ در مقابله با سیاست یک جانبه گرای دولت بوش به وجود آمد، چندین کشور، از جمله ایران، هند و پاکستان، نقش ناظر دارند. احمدی نژاد به نیابت از جانب خامنه‌ای با سفرهای متعدد و بذل و بخشش‌های بسیار، همواره خواستار پیوستن به این گروه منطقه‌ای بوده است. اما همه تلاش‌های رژیم در این زمینه، به ویژه پس از تفاهم‌های اخیر آمریکا و روسیه، تا کنون نقش بر آب شده و بعید است که رژیم در این جریان منطقه‌ای پذیرفته شود. در جریان تصویب قطعنامه چهارمین دورتحریم‌های شورای امنیت که روسیه و چین بدان رای مثبت دادند، روشن شد که اگر این کشورها بر سر دوراهی انتخاب رابطه با غرب یا با رژیم ایران قرار گیرند بدون تردید رابطه با غرب را انتخاب می‌کنند. رقابت بلوک شانگهای با بلوک ناتو رقابتی همراه با تعامل، سازش و چانه زنی است. بنابراین در این رقابت بیش از آن که رژیم ایران بتواند از بلوک شانگهای به مثابه یک کارت فشار استفاده کند، این روسیه و چین هستند که از کارت رژیم آخوندی برای امتیازگیری از غرب استفاده می‌کنند.

۱۰- چرخش سیاست مداخلات به سیاست تحریم، که اکنون ولایت منفور خامنه‌ای را درهم ریخته و آن را باشتاب درگرداب بحران‌های درونی و بیرونی فروبرده است، به منزله اثبات درستی سیاستی است که شورای ملی مقاومت ایران از آغاز تأسیس خود برای سرنگونی رژیم ولایت فقیه و برقراری حاکمیت ملت ایران بر آن اصرار ورزیده است. پیگیری سیاست تحریم و طرد جهانی استبداد دینی و ایجاد مانع دربرابر دسترسی ولی فقیه به بمب اتمی، نه تنها درجهت منافع و مصالح مردم ایران، بلکه یک خدمت

تاریخی به صلح و امنیت بین‌المللی است. این واقعیت را امروز، مماشائگران هم تصدیق می‌کنند. پس، کسانی که تحت نام ایرانی، با تحریم رژیم مخالفت می‌کنند، اگر از سران رژیم و دژخیمان و پاسداران نباشند که از تحریم‌ها به وحشت افتاده‌اند، از زانده‌های همین رژیم یا از بهره‌وران از تداوم نظام ضد بشری ولایت فقیه‌اند. اما در مورد طرف‌های خارجی که با تحریم این رژیم مخالفت می‌کنند، بدون شک پای منافع کلان مالی آنها که می‌بایست از کیسه‌های مردم ایران تأمین شود، در میان است. این امر آنها را عملاً در کنار رژیم و در مقابل مردم ایران که خواست مبرمشان کسب آزادی است، قرار می‌دهد.

اوضاع اقتصادی

و زندگی فلاکت‌ناز مردم

۱۱- بر اثر ادامه سلطه استبداد مذهبی، معیشت و زندگی روزمره مردم ایران و وضع اقتصادی کشور، به رغم برخورداری ایران از منابع سرشار طبیعی و نیروی کارآمد انسانی روز به روز سیر قهقراپی را طی می‌کند. کارد فقر و محرومیت و مشقت به استخوان مردم رسیده است. بنا بر آخرین نظرخواهی که «جهاد دانشگاهی»، در خرداد ماه ۱۳۸۹ به سفارش دستگاه‌های امنیتی رژیم به عمل آورده و نتایجش به بیرون درزید کرده است، ۸۲ درصد از مردم تهران مشکل اقتصادی را مهمترین مشکل ایران می‌دانند و بامشکلات ناشی از اوضاع وخیم اقتصادی ایران از جمله فقر و بیکاری روبه‌رو هستند. در مورد افزایش شمار جمعیت فقرزده ایران «رئیس مرکز آمار» با استناد به هزینه لازم برای رفع حداقل نیازهای یک خانوار در ایران، اخیراً به خبرگزاری ایسنا اطلاع داده که بیش از ۴۰ میلیون نفر از مردم ایران فقیرند و زیرخط فقرزندگی می‌کنند. در مورد آمار بیکاران، برآورد منابع غیردولتی نشان می‌دهد که ۲۵ تا ۳۰ درصد از نیروی کارحدود ۲۶ میلیون نفری ایران بیکارند. گسترش و تعمیق فقر و بیکاری، افزایش فجایعی مانند اعتیاد، تن فروشی اجباری و خودکشی را به دنبال آورده است. خبرگزاری ایلنا روز ۳۰ اردیبهشت به نقل از داریوش قیبری، سخنگوی «فراکسیون خط امام و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس» گزارش داد: «تنها در شهر ایلام یازده نفر به دلیل بیکاری خود کشتی کرده‌اند و این پدیده رو به گسترش می‌رود».

۱۲- مدیریت اقتصادی دولت احمدی نژاد، که یک فضای منقبض و خودکامه جنگی - امنیتی بر آن حاکم

بقیه در صفحه ۱۶

بیانیه شورای ...

بقیه از صفحه ۱۵
است، پس از حذف نظارت‌های نیم بند کارشناسی توسط ارگان‌هایی نظیر سازمان مدیریت و برنامه ریزی و شورای پول و اعتبار، اقتصاد ایران را بیش از پیش به سمت انحطاط سوق داده است. دولت احمدی نژاد دیگر به نظارت و دخالت مجلس رژیم و رعایت الزامات «قانونی» مصوب مجلس برای رفع و رجوع روزمره و فوری مسائل اقتصادی کشور نیز تن نمی دهد. این دولت خط کلی مدیریت اقتصادی خود را از «شورای عالی امنیت» رژیم می گیرد و آنها را پس از تبدیل به مصوبه هیأت دولت، به اجرا درمی آورد. درحالی که درگیری مجلس با دولت برسر این مسأله به یک بحران در درون حاکمیت تبدیل شده، احمدی نژاد حتی برای نظرات و انتقادات اقتصادی «اصولگرایان» مجلس نیز تره خرد نمی کند. لویاچی مثل لایحه بودجه و لایحه «هدفمند کردن یارانه ها» که در مجلس به بحث گذاشته می شوند، اساسا برای حفظ ظاهر و زدن مهرتایید بر خود کامگی دولت است. درمورد تصویب لایحه «هدفمند کردن یارانه ها» دیدیم که دولت پس از یکسال کشمکش، چگونه خواسته‌های خود را به مجلس دیکته کرد. الیاس نادران، یکی از نمایندگان «اصولگرای» مجلس درمورد خود کامگی دولت در تدوین لایحه بودجه می گوید: «بی انضباطی در بودجه ۸۹ کاملا متفاوت با بودجه سال‌های گذشته است. این بودجه اساسا برای بی انضباطی تدوین شده است». این نوع مدیریت اقتصادی را دولتی درپیش گرفته که «سازمان شفافیت‌های بین المللی» در سال ۲۰۰۹ میلادی آن را درمیان ۱۸۰ دولت جهان در ردیف ۱۰ دولت از فاسدترین دولتهای جهان قرار داده است. انحطاط اقتصاد ایران در اثر مدیریت فاسد و امنیتی دولت پاسداران، در سقوط شاخص اصلی و حیاتی اقتصاد کشور، یعنی نرخ رشد اقتصاد، بارز شده است. رویتر روز ۲۹ بهمن ۸۸ به نقل از صندوق بین المللی پول گزارش داد که در سال به ۲ درصد در سال رسیده است. رئیس «مرکز پژوهش‌های مجلس» درمورد تداوم رکود و سقوط نرخ رشد اقتصاد ایران می گوید رکود اقتصاد ایران از سال ۸۷ آغاز شده و سال بعد (سال ۸۹) اگر رشد اقتصادی منفی نشود، نزدیک به صفر خواهد بود (خبرگزاری مهر ۳ اسفند ۸۸). این پدیده مصیبت بار از جمله بر اثر عدم سرمایه گذاری، فرار سرمایه ها، فلج شدن داد و ستد مالی و تجارت خارجی، تشدید شده است.

۱۳- درحالی که دولت احمدی نژاد موجودیت نظام ولایت فقیه

و اقتصاد ایران را بیش از پیش به ریخت و پاش درآمدهای نفت و گاز کشور وابسته کرده، این درآمد بر اثر کاهش توان تولید و صادرات (ناشی از انزوای سیاسی و عدم دسترسی به تکنولوژی) و هم چنین کاهش نسبی قیمت نفت افت پیدا کرده و به سهم خود بر سقوط نرخ رشد اقتصاد ایران اثر گذاشته است. بر اساس گزارشی که خبرگزاری «اقتصاد» منتشر کرده است، صادرات نفت، فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی و میعانات گازی از سوی ایران در ۱۱ ماه سال ۸۸ با ۲۴٫۳ درصد کاهش به رقم ۵۹ میلیارد ۵۵۵ میلیون دلار رسیده است. حال آنکه این درآمد در مدت مشابه سال ۸۷ بیش از ۷۸ میلیارد و ۶۵۸ میلیون دلار بوده است. مشکلات اقتصاد فاجعه بار ایران ریشه سیاسی دارد و به نظام حکومتی فاسدی برمی گردد که نمی تواند از درون اصلاح شود یا تغییر کند. برخلاف رهنمودهای دولت ملی مصدق، منابع و امکانات اقتصادی کشور توسط رژیم فعلی در خدمت پیشبرد سیاست بقا و تداوم چپاول است.

علاوه بر ائتلاف منابع سرمایه گذاری عمومی نظیر درآمد نفت و گاز، فضای کسب و کار بخش خصوصی در ایران نیز به شدت نامساعدونامن شده است. این رویداد طی سال گذشته جاذبه فعالیت اقتصادی در ایران را از میان برداشت، آهنگ گریز سرمایه های انسانی و مادی داخلی و خارجی از کشور تشدید کرد و به رکود و افت نرخ رشد اقتصاد ایران دامن زد. داد و ستد پول و کالا از زوال متعارف خارج شده و در معرض فلج شدن قرار گرفته است. دولت احمدی نژاد بنا به ملاحظات سیاسی، بانکهای کشور را وادار کرده تا به افراد و موسسات مورد نظرش وام‌های کم بهره می بدهند که قابل بازگشت نیست (حدود ۴۸۰۰۰ میلیارد تومان از این وام‌ها تا ماههای پایانی سال ۸۸ «موقه» و غیرقابل وصول شده و بانک مرکزی مجبور است برای جبران این ضایعه معادل پول خارج شده از سیستم بانکی، اسکناس بی پشتوانه چاپ کند و پایه پولی و حجم نقدینگی تورم زای کشور را بازمی بالا ببرد). سرسختی رژیم در پیگیری فعالیتهای خطرناک و ضد ملی هسته‌ی و تروریستی اش، در بسیاری از موارد، داد و ستد مستقیم بانکهای ایران با بانکهای خارجی را ناممکن کرده است. برخی از دولتهای تضمین معامله شرکتهای خود با ایران را لغو کرده اند. ریسک معامله با ایران به قدری بالا رفته که بیمه های خصوصی یا با نرخهای بالا حاضر به بیمه برخی از این معاملات می شوند یا نظیر شرکت بیمه لویدز، بزرگترین شرکت خصوصی بیمه، از تضمین

معامله با ایران شانه خالی می کنند. این تنگنا، تجارت رسمی با ایران را هم گرانتر کرده و هم نامطمئن تر، و روی رکود اقتصاد ایران اثر گذاشته است.

جنبش مقاومت در تلاش مداوم،

دستاورد های سال گذشته

۱۴- سالی که گذشت برای مقاومت ایران سالی سرنوشت ساز، سرشار از تلاش و همراه با دستاوردهای مهم بود. پایداری اشرف، نقش سمت دهنده و فعال نیروهای مقاومت در خیزشهای داخل کشور، تلاشهای هواداران مقاومت در سراسر جهان برای پشتیبانی از قیام و کسب حمایت بین المللی برای اشرف، مقابله سیاسی و روشنگرانه با مداخلات رژیم در عراق و افشای سیاست صدور تروریسم و بنیادگرایی و هم چنین طرحهای رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی، کارزار پیرومند حقوقی و سیاسی برای درهم شکستن پرونده سازبها و توطئه ها علیه جنبش مقاومت و برگزاری گردهمایی پرشکوه ایرانیان در تاورنی در حومه پاریس، وجوه مختلف اعتلای مقاومت و دستاوردهای آن را ترسیم می کند. در صدر این دستاوردها باید از مقاومت حماسی زنان و مردان فرارگاه اشرف یاد کرد که با «تنهای بی سپر» در برابر هجوم مزدوران جرار خامنه ای برای نابودی اشرف ایستادگی کردند و اشرف را با پیام «پایداری» در قلب تحولات قیام قراردادند. حملات وحشیانه به اشرف طی ۴۸ ساعت مداوم در ششم و هفتم مرداد ماه سال گذشته که به درستی جنایت آشکار علیه بشریت نامیده شده، نقطه اوج وحشیگری و کین توزی خامنه ای و مزدورانش برای گرفتن انتقام قیام مردم از زنان و مردان شهر اشرف بود. صحنه های تکان دهنده زیر گرفتن مجاهدان بی سلاح با زرهیها و استفاده از سلاح گرم و تیر و تبر و چماق به وحشیانه ترین صورت، مقاومت قهرمانانه زنان و مردان مجاهد و مقاومت ۳۶ گروهان، که به رغم سه حکم قضایی دادگاه عراقی آزاد نمی شدند، جهان را تکان داد. خامنه ای که قبل از نمایش انتخاباتی رژیم برای نابودی شهر اشرف عزم جزم کرده و قرارداد دوجانبه اش با دولت عراق را علنی کرده بود، پس از درهم ریختن شعبده انتخاباتی، تمام ایدای و مزدوران و امکاناتش را به کار گرفت و حداکثر فشار را به دولت عراق وارد کرد تا کار اشرف را یکسره کند. اما حماسه مقاومت اشرف و اعتصاب غذا و مقاومت گروهانها اوج درخشش پایداری و ارزشهای انسانی را به نمایش گذاشت. ۷۲ روز تحصن و اعتصاب غذا و کارزار سیاسی در اشرف

، در زندان مهاجمان و در قریب به ۴۰ کشور از سوی حامیان اشرف، و به خصوص اعتصاب غذای خشک ۳۶ گروهان، اراده رژیم و عواملش در عراق را در هم شکست و سرانجام گروهانها آزاد شدند. در این ۷۲ روز از سازمان ملل متحد و شاخه های مختلف آن، از آمریکا و کانادا تا تمام کشورهای اروپایی، از استرالیا و ژاپن تا کشورهای عربی، از سازمانهای حقوق بشری تا مطبوعات مختلف دنیا، هیچ دری نبود که توسط این مقاومت زده نشده باشد. به نحوی که مساله اشرف، به خصوص آزاد سازی ۳۶ گروهان، به یک مساله مبرم بین المللی تبدیل شد. شورای ملی مقاومت در اجلاس میان دوره یی خود در ۲۰ مهر ۱۳۸۸ از مجاهدان به گروهان گرفته شده در شهر اشرف که دو تن از آنها، مجاهدان خلق علیرضا محمد زاده و جواد گوگردی، از اعضای شورای ملی مقاومت ایران هستند تجلیل کرد. به گفته پزیشان، اگر گروهانها ۲۴ ساعت دیرتر آزاد شده بودند، دست کم ۱۲ نفرشان جان خود را از دست می دادند. شورا در این اجلاس تاکید کرد که «گره خوردن این مقاومت ۷۲ روزه با قیام و خیزشهای مردمی، به ویژه خیزش عظیم «روز قدس» و تظاهرات دانشجویی در آغاز سال تحصیلی با شعار «مرگ بردیکتاتور»، دنیا را تکان داد و بنیاد استبداد دینی را لرزاند. پایداری گروهانها و مجاهدان اشرف به عنوان عامل مبنایی و کارزار گسترده بین المللی به عنوان یک شرط مبرم و ضروری، پیروزی ظاهرا ناممکن را محقق کرد. رژیم آخوندها بر آن بود تا اشرف را از میان بردارد، اما آن را در کانون و قلب قیام جای داد».

۱۵- بعد از جنگ آمریکا در عراق، سردمداران رژیم خود را برنده اول این جنگ اعلام کردند و برای بلعیدن عراق، که انهدام اشرف با بسیج مزدوران عراقی رژیم نخستین قدم آن بود، خیز برداشتند. اما پایداری اشرف در پیوند با مردم و نیروهای دموکراتیک عراقی، تلاشهای رژیم برای بهره برداری از نتایج این جنگ را با چالش جدی روبرو کرد. در این رویارویی، شکل گیری و پیروزی آلترناتیو ملی و دموکراتیک عراقی در جریان انتخابات پارلمانی، کاری ترین ضربه را بر استراتژی رژیم ولایت فقیه در عراق وارد آورده است. مزدوران تحت امر خامنه ای در سپاه تروریستی قدس، قبل و بعد از انتخابات عراق، تلاش بسیار کردند تا از شکل گیری یک آلترناتیو ملی در عراق جلوگیری کنند و حکومت مورد نظر ولی فقیه را دوباره به مردم عراق تحمیل کنند. اما این تلاشها - از جمله مأموریت چند روزه علی لاریجانی به بقیه در صفحه ۱۷

بیانیه شورای ...

بقیه از صفحه ۱۶

عراق از جانب خامنه ای قبل از انتخابات عراق و تلاشهای پاسدار سلیمانی برای به کرسی نشاندن جریان مورد نظر رژیم بعد از اعلام نتایج انتخابات - با شکست مواجه شدند. بدون شک، این یک تحول تاریخی و سرنوشت ساز برای عراق است که با سرنوشت رژیم ولایت فقیه و جنبش مقاومت ایران نیز مستقیماً ارتباط دارد.

۱۶- شورای ملی مقاومت در اجلاس میان‌دوره‌یی خود در روزهای سوم و چهارم و پنجم بهمن ۱۳۸۸ به بررسی موقعیت مقاومت و جایگاه اشرف در تحولات قیام و طراحی همه جانبه رژیم برای نابودی اشرف پرداخت. اجلاس به این نتیجه رسید که خواست اخراج مجاهدین از خاک عراق از جانب رژیم آخوندها - که با تحویل حفاظت قرارگاه اشرف به دولت عراق و اظهارات صریح خامنه ای در ۱۰ اسفند ماه سال گذشته آغاز شده بود - کماکان یکی از دغدغه های اساسی رژیم است که در «مقاطع انتخاباتی» در عراق و به ویژه با تعمیق خیزشهای مردمی در ایران شدت و حدت پیدا میکند. منتها، اگر رژیم از دولت عراق انتقال ساکنان اشرف به مکان دیگری در همین کشور را به عنوان «گام اول» در «فرایند خارج سازی» آنها به ناچار می پذیرد، برای تحمل جناح مغلوب داخلی توقعی کمتر از طعن و لعن و طرد مجاهدین و همه اعضای مقاومت به عنوان «محراب و مهدور الدم» ندارد. بدیهی است که در این هنگامه جنگ روانی، رسانه های رسمی یا پوششی رژیم یا همسو با سیاستهای فاشیسم مذهبی، نقشی برجسته می توانند داشته باشند و تحریم چنین رسانه هایی طبیعی ترین واکنش در دفاع از کانون پویا و زنده جنبش مقاومت است. ماده واحده مصوب شورای ملی مقاومت به تاریخ ۱۶ دی ۱۳۸۸ خاطر نشان می کند: «در شرایط خطیر کنونی که حمایت و پشتیبانی از مبارزان اشرف یک وظیفه عاجل ملی و یک تکلیف انسانی بین المللی است، همسویی با ولایت مطلقه فقیه در ضدیت با فرزندان رشید و مقاوم مردم ایران در اشرف و تلاش برای تضعیف و تخطئه آنها و نادیده گرفتن حقوق قانونی و حقوق مکتسبه آنان که راه کشتار رزمندگان آزادی را هموار می کند، خیانت به مبارزات و آرمانهای آزادیخواهانه ملت ایران است. بنابراین اعضای شورا رسانه هایی را که آشکارا با مجاهدان اشرف خصومت می کنند مورد تحریم قرار می دهند و هر نوع همکاری و مرادود با آنها را برخلاف مصالح عالیله مردم

ایران و قیام علیه دیکتاتوری مذهبی و تروریستی می دانند».

۱۷- روز ۵ تیر امسال گردهمایی بزرگ ایرانیان در شهرک تاورنی، در شمال پاریس، با شرکت انبوه عظیم هموطنانمان که از سراسر جهان در این گردهمایی حضور به هم رسانده بودند، برگزار شد. این گردهمایی پر شوکه، همزمان با سالگرد ۳۰ خرداد و قیام سراسری مردم ایران گواه روشنی بر اعتلای مقاومت و قیام مردم ایران و نمادی از شور و اشتیاق و آمادگی ایرانیان برای تحقق راه حل سوم یعنی «تغییر دموکراتیک در ایران به دست مردم و مقاومت ایران» بود. استقبال اجتماعی، حمایتهای گسترده جهانی و حضور سخنرانان برجسته در این گردهمایی نشاندهنده ظرفیت و توانایی و سازماندهی و نیز محبوبیت مقاومت سازمانیافته مردم ایران بود. اغلب مفسران و ناظران و رسانه هایی که خبرها و گزارشهایی از این گردهمایی را در کشورهای مختلف جهان منعکس و منتشر کردند، اجتماع عظیم تاورنی را گواه پایگاه مردمی مقاومت سازمانیافته مردم ایران توصیف کردند.

در این اجتماع بزرگ، حمایت بیش از ۳۵۰۰ پارلمانتار و اکثریتهای ۲۲ مجلس قانونگذاری در ۲۹ کشور اروپا و آمریکا، اکثریت پارلمانتهای اردن، ۱۷۰ نماینده مجلس مصر، ۴۸۰ هزار تن از مردم استان دیالی عراق و چهره های نامداری چون اسقف دژموند توتو از مقاومت ایران و رزمندگان اشرف اعلام شد.

در حمایتهای بین المللی از اشرف مراجع حقوقی و فنی نیز شرکتی وسیع و مؤثر داشته اند و دارند کارشناسان کمیته مشورتی شورای حقوق بشر ملل متحد در ژنو - که اجلاس آن طی روزهای دوم تا ششم اوت ۲۰۱۰ برگزار شد، با صدور بیانیه یی خطاب به خانم ناوی پیلا، کمیسر عالی حقوق بشر، اعلام کردند: «با توجه به قوانین بین المللی حقوق بشر و کنوانسیونهای ژنو و با در نظر گرفتن اینکه ساکنان کمپ اشرف در عراق از استاتوسی حقوقی " اشخاص حفاظت شده تحت کنوانسیون چهارم ژنو برخوردار هستند و نیروهای مسلح آمریکا در عراق از سال ۲۰۰۳ در آزادی تحویل گرفتن سلاحهای آنها، با امضای قراردادی با یکایک ساکنان کمپ، حفاظتشان را در چارچوب استاتوسی فوق الذکر برعهده گرفتند؛ با توجه به اینکه هیأت همیاری ملل متحد در عراق (یونامی) در گزارش آوریل ۲۰۰۹ خود تصریح می کند که ساکنان اشرف می بایست از حقوق و حفاظتهای کنوانسیون چهارم ژنو برخوردار باشند؛ و با توجه به بیانیه ۳۵۰۰ پارلمانتار از کشورهای

مختلف اروپایی و آمریکای شمالی»، بر مواد زیر تأکید کرده اند:

«- از نیروهای آمریکایی می خواهیم مسئولیت حقوقی و اخلاقی خود را در تضمین حفاظت ساکنان اشرف و جلوگیری از هرگونه خشونت یا جابجایی اجباری آنها در داخل عراق بعهده بگیرند...»

یونامی تیم مانیتورینگ خود را در اشرف مستقر کند و تمام تلاش خود را برای لغو محاصره اشرف به عمل آورد...

دولت عراق به حقوق ساکنان اشرف در چارچوب کنوانسیون چهارم ژنو ملتزم باشد و بلادرنگ به محاصره اشرف و کارشکنی در مقابل ورود سوخت و دارو پایان دهد و بگذارد خانواده ها، وکلا، پارلمانتهای فعالان حقوق بشر و پزشکان مانند سالهای ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ آزادانه وارد اشرف شوند.

کمیسر عالی حقوق بشر ملل متحد، گزارشگر ویژه شکنجه، گزارشگر ویژه حق تغذیه، گروه کار دستگیریهایی خودسرانه در مورد وضعیت اشرف تحقیق کنند و شورای حقوق بشر و سایر ارگانهای ذیصلاح سازمان ملل متحد را از وضعیت اشرف مطلع نمایند تا بتوانند اقدامات متناسب را برای حفاظت از ساکنان اشرف اتخاذ کنند».

روز ۲۵ تیر دادگاه استیناف واشینگتن طی حکمی برچسب تروریستی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را نپذیرفت و پرونده را برای تجدید نظر به وزیر خارجه آمریکا ارجاع داد. دادگاه باقی نگه داشتن نام مجاهدین در لیست تروریستی را ناقض روند عادلانه دادرسی و فاقد شواهد لازم دانست و اظهار نظر کرد که وزیر خارجه به تصمیمات قبلی همین دادگاه در مورد ضرورت رعایت حقوق مجاهدین عمل نکرده است. دادگاه در حکم خود تصریح می کند: «اگرچه رعایت دقیق اصول قانون حذف نامگذاری مجاهدین را الزام آور می کند، ولی ما به خاطر مصالح سیاست خارجی و امنیت ملی، که از سوی وزارت خارجه آمریکا مطرح شده، این پرونده را به وزیر خارجه ارجاع می دهیم تا در چارچوب مشخص فرصت بازبینی و پاسخ دادن به بخش علنی پرونده را، که وزیر به آنها اتکا کرده، در اختیار سازمان مجاهدین خلق ایران قرار دهد».

در جریان رسیدگی به این پرونده در دادگاه، یک گروه از نمایندگان کنگره آمریکا، ۲۶۰ قانونگذار از کشورهای اروپایی، یکصد نماینده پارلمان از انگلستان، شماری از افسران آمریکایی که پیش از این در قرارگاه اشرف مأموریت داشتند و همچنین ۱۵ گروه از جوامع ایرانیان مقیم آمریکا، با ارائه لایح جداگانه و شواهد و استدلالهای

متقن به دادگاه، خواستار حذف نام سازمان مجاهدین خلق ایران از لیست سازمانهای تروریستی شدند. شورای ملی مقاومت از وزارت خارجه آمریکا می خواهد که بر اساس این حکم بلادرنگ نام سازمان مجاهدین خلق ایران را از لیست خود خارج کند.

کارگران، دانشجویان، معلمان، زنان آزاده، و سایر قشرهای محروم و ستمدیده مردم ایران؛

در سال گذشته، شما با قیامها و شعار های کوبنده خود در نبرد سهمگین با استبداد مذهبی نشان دادید که پیروزی بر ارتجاع قابل تحقق است. جنبشهای اجتماعی مردم ایران با گوناگونیهای بسیار در رنگین کمان به هم پیوسته علیه ولایت مستبد و فاسد خامنه ای به طور متحد به پا خاستند و حماسه ها آفریدند. شورای ملی مقاومت در آغاز سی امین سال حیات خود همه مردم ایران را به اتحاد و همبستگی هرچه گسترده تر فرا می خواند. ما مستمرا بر راه حل سوم یعنی تغییر دموکراتیک به دست مردم و مقاومت ایران پای فشرده ایم. ما باردیگر برای تحقق مبرم ترین خواست مردم ایران، که سرنوشت رژیم ولایت فقیه است، تجدید پیمان می کنیم. ما برانیم که هر کس که با دیکتاتوری دینی نیست و به رأی و حاکمیت جمهور مردم پایبند است، با ماست. ما همه با هم هستیم و با اتحاد و همبستگی می توانیم رژیم ولایت فقیه را به زیر بکشیم.

رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت در گردهمایی بزرگ ایرانیان در تاورنی گفت: «آخوندهای حاکم بالاترین حق ملت ایران - حق حاکمیت - را غصب کرده اند. ما حق حاکمیت مردم ایران را می خواهیم، ما رأی مردم ایران را می خواهیم، ما انتخابات آزاد می خواهیم؛ برای بنای جامعه یی نوین بر اساس آزادی، برابری، دموکراسی، احترام به حقوق بشر و جدایی دین از دولت؛ برای جامعه یی بر اساس برابری زن و مرد که در آن زنان در رهبری سیاسی جامعه مشارکت برابر و فعال داشته باشند؛ برای ایرانی که در آن هموطنان کرد و بلوچ و عرب و همه آنهايي که از ستم مضاعف رنج می کشند، به حقوق و آزادیهای برابر دست یابند؛ برای کشوری که در آن جوانان بدون سرکوب و محدودیت، بتوانند استعدادها و خلاقیت خود را شکوفا کنند و در اداره امور جامعه نقش شایسته داشته باشند؛ برای یک ایران غیر اتمی که خواهان صلح و همزیستی سالم است. آمیز با همسایگان و روابط دیپلماتیک با همه کشورهای جهان است».

شورای ملی مقاومت ایران

مرداد ۱۳۸۹

نامه های بسیار در این زمینه نوشته شده و رسانه ها تلاش کرده اند علت این امر را مورد بحث قرار دهند.

پیشتر آقای شجریان با پنخ صدای خود از صدا و سیما جمهوری اسلامی مخالفت کرده بود اما خبرگزاری سپاه پاسداران (فارس) علت عدم پنخ ربا با صدای او را بردن "شکوه و شکایت" وی به "دامان بیگانگان" پس از انتخابات ۱۳۸۸ توضیح داد و به مصاحبه های وی در بی بی سی فارسی، صدای آمریکا، سی ان ان، تلویزیون استرالیا و... اشاره کرد.

شجریان در گفت و گو با سی ان ان، هنر را ابزاری سیاسی علیه حکومتها و به ویژه جمهوری اسلامی می داند و می گوید: "هنر ذات خود یک نوع اعتراض است، علیه همین حکومتها. وقتی هنر پا به عرصه تقابل می گذارد، از آن وحشت دارند و می ترسند."

افتخاری: به خاطر عواقب دیدار با احمدی نژاد، از ایران می روم
علیرضا افتخاری، خواننده موسیقی ایرانی از تصمیمش برای رفتن از ایران خبر داد و دلیل آن را فشارهایی دانست که بعد از در آغوش کشیدن محمود احمدی نژاد بر او و خانواده اش وارد شده است.

علیرضا افتخاری گفت: "در پی اتفاقاتی که اخیرا ناخواسته گرفتارش شدم و هجمه های بسیاری که بعد از آن برای خود و خانواده ام پیش آمد، رفتن را به ماندن ترجیح می دهم."

او در گفت قصد اقامت در فرانسه را دارد و تاکید کرد که در نامه گلایه آمیزی که به محمود احمدی نژاد خواهد نوشت، از او خواهد خواست که خودش جوابگوی مردم باشد.

علیرضا افتخاری از عزت الله ضرغامی، رییس سازمان صدا و سیما هم گله کرد. او گفت: "طی سی سال گذشته آثار مرا بدون اجازه ام به قدری پنخ کرده اند که بی حساب است."

او گفت: "اگر قصدی جز خدمت به مردم کشورم داشتم، اکنون به خاطر پنخ صدها اترم باید میلیاردها تومان از آن سازمان مطالبه کنم اما نه تنها در خواستی از سازمان صدا و سیما نکردم بلکه، همیشه هم با این عزیزان نهایت همکاری را داشته ام. اما گمان نمی کردم ایشان هم تا این حد بی مهر باشند و دستمزد سالها همکاری مرا به این نحو و با کم لطفی فراوان بدهند."

بقیه در صفحه ۱۹

دو بخش اصفهان و شور اجرا شد. بخش اعظم اشعار از میان سرودهای "مولانا" برگزیده شده بود. گروه موسیقی پویا از سال ۲۰۰۵ به همت عباس بختیاری، مدیر "فرهنگسرای پویا" در پاریس تشکیل شده است و تا کنون در بسیاری از فستیوالهای جهانی موسیقی حضور داشته است.

شورای انتخابات هاییتی، وایکلیف جان را رد صلاحیت کرد

شورای انتخابات هاییتی در حکمی



اعلام کرد که "وایکلیف جان"، خواننده آمریکایی هاییتی الاصل و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری این کشور از شرط پنج سال اقامت متمادی در این کشور برای حضور در انتخابات ۲۸ نوامبر برخوردار نیست. به این ترتیب وایکلیف جان ۴۰ ساله که یک خواننده برجسته بین المللی و با محبوبیت بالا در کشور فقیر و زلزله زده هاییتی است، از فهرست کاندیداهای مجاز به حضور در انتخابات ریاست جمهوری هاییتی حذف شد.

این خواننده نامی در پاسخ به این تصمیم گفت: "می خواهم به تمام هموطنانم اطمینان دهم که به تلاش برای احیای هاییتی ادامه خواهم داد. اگرچه شورا تصمیم گرفته که من ساکن هاییتی نبوده ام اما خانه جایی است که قلب انسان در آنجا است و قلب من همیشه در هاییتی بوده و خواهد بود."

دلیل عدم پنخ ربنای شجریان از صدا و سیما



پنخ نشدن دعای ربا با صدای محمدرضا شجریان از صدا و سیما جمهوری اسلامی در لحظات افطار با اعتراضهای مردمی روبرو شده است.

رویدادهای هنری ماه

لیلا جدیدی

سخن روز:

"به من بگو چه کسی از تو تعریف می کند، به تو خواهم گفت اشتباهت کجاست" (ولادیمیر ایلیچ لنین، ۱۹۲۴-۱۸۷۰)
دشمن خود را حقیر بشمار اما استراتژی جدید بگیر " (مائوتسه دونگ، ۱۹۷۶-۱۸۹۳، رهبر انقلاب چین)

در این گزارش همچنین آمده است: "به نظر می رسد عده ای سعی دارند تا با اجرای این نوع از سبک برای اجرای آثار عاشقانه به صورت بی کلام و تنها بهره گیری از حرکات بدن، نوعی ابتدال را در هنر تئاتر ترویج کنند در صورتی که بن مایه هنر، متعالی و پاک است."

موسیقی

گروه موسیقی پویا در فستیوال جهانی المدینه تونس



همه ساله فستیوال جهانی موسیقی "المدینه"، تونس از ۱۵ اوت تا ۷ سپتامبر میزبان صدها هنرمندی است که از سراسر جهان گرد هم می آیند تا با هزینه وزارت فرهنگ تونس در پایتخت این کشور یکی از معتبرترین فستیوالهای موسیقی جهان را به نمایش بگذارند. امسال گروه موسیقی "پویا" متشکل از عباس بختیاری (آواز و دف)، آرش مرادی (تنبور، سه تار، دف)، نوید سعیدی (تار)، سردار محمدجانی (عود، دف) و جاوید یحیی زاده (نی) توانستند در بزرگترین و قدیمی ترین سالن شهر تونس به اجرای بخشی از موسیقی سنتی و عرفانی ایران بپردازند که با موفقیت فراوانی روبرو شد.

شبکه تلویزیونی سراسری تونس هنرمندان گروه پویا را "فرزندان مولانا" نامید و شبکه تلویزیونی "۲۱" شبکه تلویزیونی "هانی بال" و نیز مطبوعات تونس اجرای گروه پویا را بهترین نمایش موسیقی هفته نخست این فستیوال اعلام کردند.

آوازا و تصنیفهای پرشوری که برای این کنسرت در نظر گرفته شده بود، در

تاتر

یازدهمین جشنواره تیاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید (گوهر مراد) یازدهمین جشنواره تیاتر و هنرهای نمایشی ایران در تبعید (گوهر مراد) از شانزدهم سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۱۰ برگزار می شود.

این جشنواره که به یاد زنان و مردان آزادیخواه جهان و با هدف معرفی هنرمندان مهاجر یا تبعیدی از ملیتهای مختلف برگزار می شود، در پاریس برگزار می شود. "پروازهای خوش آهنگ" با نوای "ایوان، نوای" و "رقص "رکسانا لوبله"، آغازگر جشنواره است که با بازخوانی اشعار، نمایش فیلم و تیاتر و اجرای موسیقی به زبانهای فارسی و فرانسوی ادامه می یابد. همزمان با جشنواره، نمایشگاه گروهی "هشت گوشه زن گونه" از هنرهای تجسمی، نقاشی، رنگ روغن، مجسمه برنز، طراحی و عکس، نیز بر پا می گردد.

حمله لباس شخصیها به "اتللو"

به دنبال انتشار گزارشی در خبرنامه حکومتی دانشجویان ایران درباره چگونگی اجرای نمایشی با عنوان "اتللو" در تهران و چاپ تصاویر آن، در فضای اینترنتی، عده ای از بسیجیان با تجمع در برابر وزارت ارشاد و سردادن شعار، خواستار تعطیلی این اجرا شدند. نمایش "اتللو" به کارگردانی عاطفه تهرانی می باشد.

در گزارش این سایت وابسته به دولت نگارنده با دقت به همه حرکات بازیگران نمایش چنین می نویسد: "نمایشهای شکسپیر همگی بر مبنای دیالوگهای سنگین و طولانی است و حذف دیالوگ و تاکید خانم تهرانی بر بیان داستان اتللو - تاکیدی که اکثر کارگردانان این گونه نمایش از آن امتناع می کنند - حرکات فیزیکی خاص را پدید آورده است که بی شباهت با رقصهای عاشقانه نیست. این اثر در حالی جایزه بهترین کارگردانی تیاتر را از جشنواره تیاتر فجر دریافت کرده است که بیشتر به آثار تولیدی پیش از انقلاب شباهت دارد."

می‌گیرد. از سرفراز بیشتر سه دفتر شعر منتشر شده است. بخش عمده سروده‌هایش دارای بار سیاسی بودند. وی که مدتی در برلین غربی زندگی می‌کرد، مجموعه ای از شعرهای بیشتر سیاسی خود را با عنوان "باران و شیروانی" آماده چاپ کرد. در سال ۱۹۹۱ میلادی، ناشری در ایران این مجموعه را آماده پخش کرد اما همه کتابها به دستور دولت خمیر شدند. مجموعه "باران و شیروانی" اکنون با تغییراتی در آن به چاپ رسیده است.

باد آمد و آفتاب را برد
از چشم پرند خواب را برد

پر زد دو سه آسمان فراتر
باد آمد، دست سرد بر کرد
آن آبی شوخ ناب را برد

دیوان که گشود پیر پارین
تا نامه کند به آن نگارین
آمد باد و کتاب را برد

گفتم دو سه جرعه‌ای! درآمد
لب تر نشده، شراب را برد

باد آمد و تشنه در نوشتم
هم آب، و هم سراب را برد

خشکم زده بود، باد آمد
تندیس من خراب را برد

تقریباً همه شعرهای مجموعه "از ریل روبرو" حکایت‌گر سرگشتگی و بهت سنگین انسانی است که در کوچه و خیابان و در خلوت و حضور به دنبال چیزی گم شده می‌گردد. پیوندهایی گسسته، آرزوهای برباد رفته، شورنجهایی مکرر.



کارگردانانی فرصت عرض اندام دهد که با هر آنچه که هنر تصویری معاصر قادر به بیان آن است، دست به آزمایش می‌زنند.

در قسمت مسابقه‌ای این جشنواره، پیش از همه محصولات سینمایی آمریکا و ایتالیا بر سر "شیر طلایی" با یکدیگر رقابت دارند. در بخش غیر رقابتی مسابقه، ۲۷ فیلم به نمایش درمی‌آیند که ۲۳ فیلم از این شمار برای نخستین بار در جهان اکران می‌شوند.

نگاهی فمینیستی به بهشت، به عنوان مانعی بر سر راه عشق

"باسمیلا ژبانیچ" (Jasmila Zbanic)، کارگردان موفق اهل سارایوو در دومین فیلم جنجال‌برانگیز خود به نام "بهشت، سدی بین ما"، عشق را با محک تازه‌ای می‌سنجد؛ باور و اعتقاد مذهبی. نخستین فیلم این کارگردان جوان برنده "خرس طلایی" سال ۲۰۰۶ "برلیناله" شد. سینما، داستانهای عشقی بسیاری را تصویر کرده است اما عشق بین لونا و آمر که کارگردان موفق سارایویی، پامیلا ژبانیچ آن را در فیلم "بهشت، سدی بین ما" بازگو می‌کند، از نوعی دیگر است. این عشق که در دنیای پرهیاهو، بی‌رحم و جنگ‌زده پا گرفته، در سودای دستیابی به خوشبختی‌ای کوچک و فردی به خاطر اعتقادات مذهبی به عذابی



دردناک بدل می‌شود.

شعر

چهارمین مجموعه شعر جلال سرفراز در بازار کتاب
"از ریل روبرو" عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر جلال سرفراز است. این مجموعه، به تازگی از سوی نشر "آهنگ دیگر" در ایران منتشر شده و ۵۶ سروده اغلب کوتاه شاعر را در بر

همزمان نشان دادن پیچیدگیهای تاریخ فرهنگ آن است.

سینما

اینترنت، گریزگاه مستندسازان ایرانی

مستندساز ایرانی، بهمن کیارستمی، در مصاحبه‌ای با "روزنامه‌ی زوددویچه‌تسایتونگ" به دشواری ثبت واقعیت در ایران و وضعیت مبهم مستندسازان اشاره کرده است. تحریم جشنواره‌ی فیلمهای مستند در ایران واکنش او به سانسور حکومت است. بهمن کیارستمی که با کار برش



فیلمهای پدرش، عباس کیارستمی به عرصه‌ی سینما پا گذاشت، اکنون به یکی از مستندسازان مطرح ایران تبدیل شده است.

سازنده‌ی فیلمهایی چون "نور"، و "دو کمانچه" با وجود دشواریهای عرصه‌ی سینما در ایران، در بسیاری از جشنواره‌های بین‌المللی حضور می‌یابد. "زود دویچه‌تسایتونگ"، روزنامه‌ی پرتیراژ آلمانی مصاحبه‌ای را با بهمن کیارستمی، سازنده‌ی فیلم "موزه‌ی هنرهای معاصر" انجام داده است. کیارستمی در این فیلم به بزرگ‌ترین گنجینه‌ی هنری آثار غربی بیرون از اروپا و آمریکا در موزه‌ی هنرهای معاصر پرداخته است.

وی در این مصاحبه ضمن اشاره به "مجمسه‌های تهران"، پروژه‌ی مستند خود در سالهای گذشته، از بی‌توجهی مقامهای رسمی‌ای چون محمدباقر قالیباف، شهردار تهران به مستند خود و نیز از اهمیت مجسمه‌ها برای فهم تاریخ شهر تهران سخن گفت.

سازنده‌ی مستند "کفار"، مستندسازی چون فرخ غفاری، کامران شیردل و ابراهیم گلستان را آغازگر مسیری تازه در این صنعت می‌داند.

رقابت سینمای ایتالیا و آمریکا برای شکار شیر طلایی ونیز

شصت و هفتمین دوره از جشنواره‌ی فیلم ونیز در ماه سپتامبر سال جاری کار خود را آغاز کرد. در بخش مسابقه‌ای این جشنواره، رقابت سینمای آمریکا و ایتالیا بیش از همه چشمگیر است که به ترتیب با ۶ و ۴ فیلم در این بخش حضور دارند.

به گفته‌ی "مارکو مولر"، مدیر این فستیوال، دوره‌ی امسال قدیمی‌ترین جشنواره‌ی فیلم جهان قرار است بیش

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۱۸

ادبیات

دو نویسنده ایرانی میهمان فستیوال ادبی هامبورگ

دومین فستیوال بین‌المللی ادبی هامبورگ، روز یازدهم سپتامبر میزبان محمود دولت‌آبادی و محمود فلکی بود. در این فستیوال ده روزه، ۱۱۴ نویسنده از ۲۱ کشور حضور دارند که شماری از آنها از مشهورترین نویسندگان جهان‌اند.

تقریباً همزمان با جشنواره بین‌المللی ادبیات برلین، دومین فستیوال ادبی شهر هامبورگ نیز زیر عنوان "هاربور فرونت" Harbour Front برگزار می‌شود. برگزارکنندگان این فستیوال کوشیده‌اند مانند سال پیش با دعوت از نویسندگان سرشناس جهان این برنامه را به سطح مهم‌ترین رویدادهای ادبی جهان ارتقا دهند. "جان ایروینگ"، "جان گریشام"، "ولادیمیر سوروکین"، "یان مارتل" و "گوتترگراس" در این جشنواره شرکت دارند.

گرچه محور و تمرکز این جشنواره بر آثار ادبی است، بحث در مورد مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز در بسیاری از نشستهای آن گنجانده شده است.

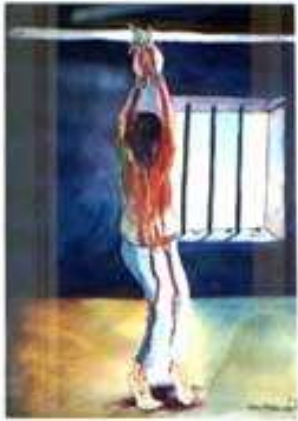
هنر برای سازگاری اجتماعی مسلمانان

"موزه‌ی هنر اسلامی" در برلین سازماندهی دوباره‌ای را آغاز کرده است. این موزه برای سازگاری مسلمانان با جامعه‌ی آلمان و احساس ارزش آنها، برنامه‌هایی برای آشنایی با فرهنگ اسلامی دارد.

موزه‌ی هنر اسلامی در چارچوب انتقال آن به بخش شمالی موزه‌ی "پرگامون" شهر برلین، در سال ۲۰۱۰ بخشی از گستره‌ی خود را افزایش خواهد داد. تا سال ۲۰۱۹ قرار است در این مکان مجموعه‌ای از آثار هنر اسلامی ارایه شود که بیشتر فاصله‌ی قرن هشت تا نوزده میلادی را در برمی‌گیرد. هدف اصلی این اقدام، رسیدن به فهم مخاطبان از تاریخ و فرهنگ اسلام و

«در آواز سبب و ستاره»

م. وحیدی از قرارگاه اشرف



هیچکس

"در راس امور" نیست

منصور امان

فراسوی خبر ۲۸ شهریور گماشته ولی فقیه بر مسند ریاست جمهوری، پیچ اختلافها در دستگاه قدرت جمهوری اسلامی را با یک حرکت چند درجه به سمت بالا چرخانده است. وی در اظهاراتی تحریک کننده، خلغ مجلس مَلاها از جایگاه "راس امور" را اعلام و خود را "بالاترین مقام کشور بعد از رهبری" خواند.

یورش باند نظامی - امنیتی دولت به فراکسیونهای رقیب، جدال شدیدی که در ماه های گذشته بین اعضای رهبری باند ولی فقیه در گرفته بود و در میدان بوروکراسی، قوانین و اجرای آنها جریان داشت را به حوزه بنیادی تری که ساختارهای "نظام" و آرایش درونی آن را در برمی گیرد، کشانده است. ابعاد گسترده این تحول به ویژه به در رد ترم مشهور آیت الله خمینی مبنی بر "در راس امور" بودن مجلس از سوی آقای احمدی نژاد آشکار می شود. او برای بی اعتبار نشان دادن آرایش گذشته در سیستم سیاسی و ارایه تعریف جدید از آن، به طور مستقیم پایه ی توافقیهای پیشین را هدف گرفته تا با اعلام عدم پابندی به آن، امکان مانور رقیب گرد خمینی و دستاویز قرار دادن او را از بین ببرد.

هر گاه رییس جمهور برگزیده آیت الله خامنه ای از پشتوانه محکمی برای دست زدن به این یورش برخوردار نبود، بی تردید ریسک تلاش برای به پایگانی سپردن آیت الله خمینی و تنظیمات وی را نیز به جان نمی خرید. گفته های تحقیرآمیز وی در مورد "کسانی که می گویند ما این دولت را بر سر کار آوردیم"، به خوبی احساس بی نیازی باند نظامی - امنیتی دولت به شرکای سابق و اطمینان از داشتن دست بالا در تعادل قوا در درگیریهایی موجود و احتمالی را به تصویر می کشد.

سُخنگوی باند نظامی - امنیتی دولت، زمان تشدید حملات به رقیبان با موضوع تجدید ساختار سیاسی جمهوری اسلامی را در آستانه سفر به نیویورک انتخاب کرده است؛ جایی که او برای موفقیت مانورهای دیپلماتیک خود نیاز دارد به عنوان یک طرف جدی و قدرتمند به بازی گرفته شود.

این امر همچنین یک روز پس از توصیه آیت الله خامنه ای مبنی بر "ضرورت اقدام عملی برای ارتقای وحدت ملی و انسجام اسلامی" اتفاق می افتد که با اشاره به اختلاف بین اعضای باند خود ایراد شده بود. چنین می نماید که یورش تازه، موقعیت "رهبر" به عنوان نقطه ی تعادل این باند را با دشواریهای بیشتری روبرو کرده و دو طرف درگیر را به گونه متمرکز تری به سمت ایجاد فشار بر او گرایش دهد.

مساله کلیدی ای که روی این تحولات در حال چرخش است، این حقیقت می باشد که حلقه های مدیریت "نظام" به دور خود و جامعه در حال محو شدن است و بی ثباتی در پایین، به شتاب به وضعیت چیره در بالا تبدیل می شود. آنجا که همه بخواهند "در راس امور" باشند، هیچکس در راس امور نیست.

در مرده ها بنگر! در تلخی تاریخ کتل های افراشته در چشمان منتظر سوک هزاران قافله سیاهپوش غمگین مباح! ما، با شاخه های سیب و ستاره پیوند خورده ایم بگذار، در دلنگی ابر پر باره دریچه ای گشوده شود

و حیات

اشارت دوباره آفتاب و سازی

در شهر متروک موریانه ها

به خوبستن خویش اعتماد کن!

به آرزوهایمان

به چشمه های سبز باد

که در باغ می دمد

«در راه خویش

ایثار باید، نه انجام وظیفه»*

* مارکوت بیگل

در اندوه درگذشت ستار لقائی

اطلاعیه کانون نویسندگان ایران (در تبعید) و انجمن قلم ایران (در تبعید)

روز گذشته با اندوه بسیار با خبر شدیم که ستار لقائی نویسنده مبارز و توانا و یکی از اعضای هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران (در تبعید) درگذشت. ستار لقائی، چندین سال پایانی زندگی اش را به شدت درگیر بیماری سرطان بود و با روحیه ای قوی با آن پیکار می کرد. اما دیروز سرانجام تسلیم شد و ما را ترک گفت.

ستار لقائی، در زمان عضویتش در کانون نویسندگان ایران در تبعید، همواره بر دفاع از اساسی ترین آرمان و منشور کانون، یعنی آزادی اندیشه و بیان پا می فشرد و در این راه قاطع ایستاده بود و با هرگونه سانسور و آزادی ستیزی، به ویژه از سوی جمهوری اسلامی در مبارزه بود و هیچ گونه مماشاتی را در این راستا نمی پذیرفت. از او آثار بسیاری در زمینه داستان و نمایشنامه باقی مانده است که همگی شاهدهی بر مبارزه پیکار او است.

هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران در تبعید و هیئت دبیران انجمن قلم ایران در تبعید، درگذشت ستار لقائی را به خانواده او تسلیت می گوید و خود را در اندوه از دست دادن این یار و انسان مبارز با آنان شریک می داند.

یادش گرامی باد! - ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۰



منوچهر متکی گفت ما هیچ اعدام سیاسی نداریم، شاه نیز همین ادعا را داشت

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ۱۰ شهریور

شاه در برابر فعالیتهای برون مرزی در دفاع از زندانیان سیاسی، در مصاحبه های مختلف می گفت که در ایران زندانی سیاسی وجود ندارد. متکی وزیر خارجه ولایت فقیه به تقلید از شاه اعدام زندانی سیاسی را رد کرد به عبارتی هویت هزاران زنان و مردانی که به خاطر دفاع از عقایدشان به دستور خمینی و بعد جانشین وی، علی خامنه ای، جانشان را از دست دادند، نفی می شود. بر همین منظر زندانی سیاسی، اعدام زندانی و تجاوز و شکنجه با به قدرت رسیدن خمینی آغاز و تا کنون ادامه داشته است و امروز ادامه دیروز است.

صحنه های منوچهر متکی با اشیپگل همزمان با سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ بار دیگر موضوع دادخواهی خانواده های قتل عام شدگان را برای رسیدگی به جنایتهای جمهوری اسلامی در زندانها و محاکمه آمران و عاملان آن در دادگاههای ذیصلاح بین المللی به امری در پیش روی مدافعان حقوق بشر و نهادهای حقوق بشری می گذارد.

منوچهر متکی در مصاحبه با اشیپگل، در دفاع از سنگسار و اعدام ادعا می کند که کسی به دلیل سیاسی اعدام نشده است. وی می گوید: «هیچ کس در ایران به خاطر دلایل سیاسی اعدام نشده، شما هیچ مدرکی برای اثبات این مدعا ندارید.»

صحنه های متکی واکنشی در برابر فعالیتهای متداوم نیروهای مدافع حقوق بشر چه ایرانی و چه غیر ایرانی در خارج از مرزهای ایران است. متکی و دیگر منکران این کشتارها، می توانند در دادگاهی بین المللی همراه با وکلای خودشان شرکت کنند تا مدارک و شواهد بی شمار جنایتهای جمهوری اسلامی به آنان ارائه شود.

پاسخ احمدی نژاد به رفسنجانی در مصاحبه با "ان بی سی"

جعفر پویه

فراسوی خبر آدینه ۲۶ شهریور

دو روز پس از سخنرانی رفسنجانی در مراسم آغاز به کار جلسه مجلس خبرگان که گفت: «در طول انقلاب هیچ وقت به این مقدار تحریم نداشتیم و درخواست من این است همه شما و همه مسوولان تحریمها را جدی بگیرند و شوخی نکنند»، محمود احمدی نژاد در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "ان بی سی" پاسخ داد: «حتی اگر دولت آمریکا تحریمها علیه ایران را افزایش دهد و صد برابر کند و حتی اروپا نیز در تحمیل تحریمهای سنگین تر به آمریکا بپیوندد، ما در ایران در موقعیتی قرار داریم که می‌توانیم احتیاجات خود را برآورده سازیم».

به نظر می‌رسد اختلافات در بالاترین سطوح رژیم بر سر مسایل مختلف به ویژه در حوزه سیاست خارجی کشور بیش از آنی است که بشود با ادای چند جمله تند و کند آنرا کنترل کرد، هرچند رفسنجانی در سخنرانی خود محمود احمدی نژاد را در لافه "نیروی خودسر" و "سم کشور" خواند و گفت: «تخلف از قانون یعنی استبداد، دیکتاتوری و خودسری. اگر قانون ضعف دارد باید اصلاح شود اما تا هست باید به آن عمل کرد و مصوبات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام باید رعایت شود.» اما احمدی نژاد نشان می‌دهد که به نصایح و حرفهای امثال رفسنجانی توجهی ندارد و تنها اوامر رهبر و ولی فقیه رژیم را خواهد پذیرفت. پس گرفتن حکم چند نماینده ویژه در امور خارجی و تقلیل آنها به "مشاوران رییس جمهور" تنها به دستور علی خامنه ای انجام گرفته است. این تغییر نام به هیچ وجه به معنای عقب نشینی احمدی نژاد در مقابل رقبا معنی نمی‌دهد بلکه، آنچه نیروهای امنیتی - نظامی در عمل خواهان آنند، قدرت و توان بیشتر و تسهیل در حذف نیروهایی است که برای این کار آنان را مزاحم خود تشخیص می‌دهند.

اینکه توان دولت امنیتی - نظامی برای مهار تورم و کنترل بحران پس از اجرایی شدن تحریمها چقدر است را می‌شود از قیمت‌های رو به تزاید این روزها و ارقام سرسام آور در بازار فهمید. به همه اینها بحران طرح حذف رایانه ها و ارقام نجومی قبوض آب و برق و گاز و قیمت بازار آزاد بزرین را هم اضافه کنید.

تزریق وحدت راه حل نافرجام رفسنجانی

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر... ۲۴ شهریور

برگزاری جلسه مجلس خبرگان تحت امر ولی فقیه در روز سه شنبه ۲۳ شهریور، ذوب شدگان در ولایت و مدافعان مشارکت در قدرت، توان خود را برای یافتن راه حلی جهت نجات نظام از بحران غیر قانونی و همچنین بحران سرنگونی به نمایش می‌گذارند. بحثهای این نشست همراه با تهدید برخی از اعضای این مجلس تا افتتاح جلسه و سخنان رفسنجانی توجه ها را به دو نکته اساسی جلب می‌کند. ناتوانی ولی فقیه در اعمال اتوریته در برابر گستردگی شکاف در درون هرم قدرت که اثرات خود را در این نهاد گذاشته است. ولی فقیه و طرفداران او می‌خواهند این اتوریته بر باد رفته را در خبرگان رهبری احیا کنند. دوم این که این خبرگان آن خبرگانی نیست که بتواند نقش ناجی را بازی کند، زیرا مردم در جنبش رنگارنگشان و با خواسته هایی که دیگر در قد و قواره بازی باندهای درون قدرت جای نمی‌گیرد، اصل ولایت فقیه را زیر سوال برده اند.

بازبرگن اصلی در صحنه قدرت، مجلس خبرگان را به شمشیرکشی از رو و سرکوبی «خناسان» و پاک کردن نفوذ آنها، تشویق کردند و دستور جلسه را پرداختن به «فتنه ۸۸» پیشنهاد کردند.

حسین شریعتمداری، مدیر مسئول روزنامه کیهان، ارگان وابسته به ولی فقیه، در یادداشت روز این روزی نامه نگرانی خود را از لغزش تعدادی که «کمتر قابل انتظار» بود بروز داده و خواستار اطلاع رسانی دقیق و مستند «فتنه ۸۸» به اعضای مجلس خبرگان شده است. بازجوی شکنجه گر حسین شریعتمداری، بعد از شمردن بندهایی از الف تا ی، آمادگی کیهان را برای «همکاری و کمک در ارائه اسناد» جهت «خیانت و جنایت» «سران و عوامل» فتنه به خبرگان اعلام کرد.

رفسنجانی هم که تا کنون دیگ رهبری و قدرت را به هم زده تا بتواند موقعیتش به عنوان رئیس مجمع تشخیص مصلحت را بیمه کند، علیرغم همه ناز و اداهایش موفق نبوده تا طرحش برای خروج از بحران را به ولی فقیه بقبولاند. وی در افتتاح جلسه مجلس خبرگان خواهان تزریق وحدت به جامعه از طرف اعضای مجلس خبرگان شد.

رفسنجانی زیرکانه تلاش کرد با کاهش بار فجاجی اتفاق افتاده از دوش ولی فقیه، و جدا کردن حساب رهبری از سرپیچان از قانون، شکاف درون قدرت و بی اعتباری اوامر ولی فقیه را لاپوشانی کند.

رفسنجانی به خوبی می‌داند که جمهوری اسلامی با همین ولی فقیه معنا می‌دهد و حذف ولی فقیه یعنی ریزش نظام و سرنگونی آن که طبیعتاً منافع وی هم فریانی این تغییر و تحولات می‌شود. برای همین او تلاش می‌کند مرکزیت نظام را حفظ کند. وی می‌گوید: «آنها تلاش می‌کنند همه مسائل را متوجه رهبری کنند و مرکزیت نظام را مخدوش کنند.» وی در ادامه می‌گوید: «نباید هر کاری کنیم و بعد القا کنیم که به نام رهبری است.» وی جایگاه مجمع تشخیص مصلحت و شورای نگهبان را بادآور نهادهایی می‌داند که حافظ نظام و ولایت فقیه است.

سیر رویدادها و نیز خشم مردمی که فقط کافی است روزنه ای برای تنفس پیدا کنند همه دلسوزیهایی رفسنجانی برای نظام و تلاشهایش برای مرکزیت نظام را بی ثمر ارزیابی می‌کند. رفسنجانی که در نهایت مسئولیت خبرگان رهبری را «تزریق وحدت» دانسته است باید پنبه ها را از گوشش در بیاورد که جنبش مردمی و تضادهای مردم با حکومت موضوع قانونی بحران موجود است نه عدم وحدت پایوران نظام ولایت فقیه.

مجلس خبرگان در نقش پادوی اوباش

منصور امان

فراسوی خبر ۲۲ شهریور

در آستانه تشکیل هشتمین اجلاس مجلس خبرگان در دوره چهارم خود، نقش و وظایف این نهاد هر چه بیشتر به سطح پادویی نهادها و بازوهای سرکوب نظامی و امنیتی جامعه فرو می‌کاهد. چنین می‌نماید که مجلس مزبور که در طول حیات رژیم ولایت فقیه همواره و حداکثر یک رُل تشریفاتی و زینتی را برای آن ایفا می‌کرده است، اینک با کسب ماموریت زمینه سازی برای دستگاه های امنیتی و اوباش اونیفورم پوش، سرانجام یک کارکرد واقعی یافته باشد.

در همین راستا، یک روز پیش از برگزاری نشست خبرگان، شماری از اعضای آن به صف شدند تا این دستور کار را دُرُشت نویسی کرده و بر پیروی نهاد مزبور از نیازهای امنیتی آمران خود تاکید ورزند.

حُجت الاسلام علیرضا اسلامیان، نماینده چهارمحال و بختیاری، «محورهای اصلی اجلاس خبرگان را» «برائت از فتنه و هُمدار به سران آن» معرفی می‌کند و آیت الله احمد خاتمی، نماینده کرمان توضیح می‌دهد که نشست مزبور «قانون تولی به ولایت فقیه و تبری از فتنه گران خواهد بود».

در همین حال، چند تن دیگر از همین رسته، جُزییات بیشتری از مراسم «برائت» را فاش کرده اند. آیت الله حسن ممدوحی، نماینده کرمانشاه از آن جُمله است. او با حمله به آیت الله علی مُحمد دستغیب و مُتهم کردن وی به «رعایت نکردن خُرمتها و تشویش اذهان»، تدارکات برای حذف این عَضو مُتقد مجلس خبرگان در نشست مزبور را فاش ساخته است. آیت الله قره باغی، نماینده آذربایجان غربی نیز اعلام می‌کند: «به طور قطع مجلس خبرگان در مُقابل رفتارهای دستغیب ساکت نخواهد نشست».

سُختان مزبور جای هیچ تردیدی را پیرامون ماموریت مجلس خبرگان تحت شرایط جدید باقی نمی‌گذارد. این ارگان همچون دیگر دستگاه های حُکومتی، وظیفه ای فوری و مُهم تر از روغنکاری چرخ و دنده ماشین سرکوب و ترمیم موقعیت مُتزلزل "رهبر" ندارد. آیت الله خامنه ای بدون پرده پوشی و حتی بدون آنکه خود را مُلزم به رعایت تشریفات ظاهری بداند، مجلس خبرگان را گاه در نقش چوب زیر بغل "مقام رهبری" و گاه به عُنوان چُماق به خدمت گرفته است.

با این وجود به نظر دُشوار می‌رسد که نهاد مزبور بتواند هدفهای آقای خامنه ای تا آنجا که به تقویت جایگاه "رهبری" وی برمی‌گردد را تامین کند. او با آلت دست امنیتی کردن مجلس خبرگان، خود به گونه موثری به بی اعتباری تصمیمها و رویکردهای سیاسی و ایدئولوژیک آن یاری رسانده است. افکندن این سبک وزن سیاسی به کفه ترازو، تغییر در مُوازنه نمی‌دهد.

مجلس از دولت به قوه قضائیه شکایت کرد

جعفر پویه

فراسوی خبر ... پنج شنبه ۱۸ شهریور درگیری و رقابت در درون باند حاکم رژیم هر روز بیشتر بالا می گیرد. انتصاب نمایندگان ویژه رییس جمهور از سوی احمدی نژاد برای حضور در میادین بین المللی نه تنها باعث ناراحتی و عصبانیت مجلس شد بلکه، وزیر امور خارجه دولت نیز زبان به شکایت گشود. انتصاب چهار نماینده از سوی احمدی نژاد برای مناطق خاورمیانه، آسیا حوزة خزر و افغانستان، از جانب مرکز پژوهشهای مجلس دور زدن وزارت امور خارجه برآورد شد. همزمان، ۱۲۲ نماینده مجلس به احمدی نژاد تذکر کتبی دادند و عمل او را خلاف قانون دانسته از وی خواستند تا از موازی کاری پرهیز کند. منوچهر متکی، وزیر امور خارجه نیز در این باره گفت: "تضعیف دستگاه دیپلماسی کشور به ویژه در شرایط کنونی آن هم توسط برخی افراد دولت مصداق بارز برشاخه نشستن و بن بردن است."

از سوی دیگر، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس در گزارشی از تخلفات عدیده دولت خبر می دهد. این کمیسیون در گزارش روز سه شنبه (۱۶ شهریور) تخلف دولت در امر عدم تهیه و ارایه اساسنامه های شرکتهای ملی نفت ایران، صنایع پتروشیمی و گاز را برشمرد. کمیسیون به دلیل عدم توجه دولت به تذکرات و هشدارهای مجلس از سال ۸۴ تا کنون، درخواست کرد تا پرونده این تخلفات برای رسیدگی به قوه قضائیه ارسال شود. همزمان، مرکز پژوهشهای مجلس نیز با انتشار یک سیاهه از عدم توجه و اجرای بسیاری از قوانین توسط دولت خبر داد. طبق این گزارش، دولت تنها ۵۹ درصد مصوبات مجلس هفتم را که نیازمند آیین نامه اجرایی بوده اجرا کرده و مابقی مورد توجه آن قرار نگرفته است.

علی مطهری، نماینده مجلس آخوندها در همین رابطه در نطق پیش از دستور خود گفت: "مجلس منفعل نمی تواند راست کننده کژیهای چنین دولتی باشد. کجای قانون اساسی یا آیین نامه داخلی مجلس آمده است که اگر دولت از اجرای قانون سر باز زد و بر موضع خود پافشاری کرد یا درخواست استرداد لایحه ای را نمود، نایب رییس مجلس فوراً کارگروه "گفتگو" و در واقع کارگروه "التماس" تشکیل دهد و موجب تحقیر مجلس گردد؟"

و در آخرین دهن کجی دولت به مجلس، روز گذشته در حالیکه مجلس طرح افزایش تعطیلات عید فطر را مسترد و آنرا مستلزم بررسی بیشتر اعلام کرد. رحیمی، معاون اول احمدی نژاد با ابراز تاسف از این موضوع، به طور یکجانبه روز شنبه را تعطیل اعلام کرد. او علت این کار را "بهره مندی هرچه بیشتر روزه داران از خجستگی و فرخندگی این جشن بزرگ عنوان کرد."

با این حساب، در رژیمی که علی خامنه ای ادعای یکدست سازی آنرا دارد هر کس راه خود را می رود و ساز خود را کوک کرده است. درگیری و اختلاف بین حاکمان مطلق گرا و خود محور کار را به جایی رسانده که مجلس از دولت به قوه قضائیه شکایت می برد و شاید توقع دارد دولت مورد پیگرد قرار گیرد! اختلاف و کشاکش در بین حکومتگران به چنگ و دندان نشان دادن قوای اصلی به یکدیگر گسترش پیدا کرده است. اینگونه می شود فهمید که تیوری مهندسی شده یکدست سازی رهبر و ولی فقیه رژیم جز نقشی بر آب نیست.

ویران کردن دانشگاه ادامه طرح قبرستان سازی

زینت میرهائمی



فراسوی خبر... ۹ شهریور

بعد از سه دهه اجرای شریعت بر نهادهای آموزشی کشور و به ویژه دانشگاهها، دانشجویان و استادان این نهاد قدرتمند همچنان استبداد دینی را به چالش می گیرند. دانشگاه با جنبش دانشجویی آن در حکومتهایی دیکتاتوری جایگاه ویژه ای در مبارزه علیه استبداد دارد. از همین منظر می توان رویارویی سه دهه جمهوری اسلامی برای تبدیل دانشگاه به حوزه های علمیه مذهبی را نبردی ناموفق علیه روشنائی نامید.

دانشجوی عبور کرده از تصفیه ایدئولوژیک، جوانانی بزرگ شده در کلاسهای اجباری دینی، استادانی استخدام شده پس از گذشتن از تور ایدئولوژیک نظام، همچنان برای رژیم تهدید به شمار می رود.

وزیر علوم بی دنده و ترمز، آن چنان از جنبش دانشجویی و نقش دانشجویان در خیزشهای مردمی هراسان شده است که در سراسیمگی سقوط رژیم، ترمز بریده و با اعلام اهداف حکومت در برابر دانشگاه، بر همه سرکوبگرهای تا کنونی دانشجویان صحه گذاشت.

کامران دانشجو، روز یکشنبه ۷ شهریور اعلام کرد که «دانشگاههای مخالف فرهنگ بسیجی با خاک یکسان می شود». وزیر احمدی نژاد همه صفتهایی که به مساجد و حوزه علمیه قلم مربوط می شود را به دانشگاه نسبت داده و تهدید کرد که اگر دانشگاهی این صفات را نداشته باشد خوب است که وجود نداشته باشد. وی وظیفه دانشگاه را کادر سازی برای نظام دانست. البته در نظامی که ولی فقیه به عنوان نماینده خدا روی زمین بر همه امور خود را دانا می داند طبیعی است که دانشگاه و علم را دشمن خود بداند.

پرونده یورش وحشیانه ماموران به دانشگاه و خوابگاههای دانشجویان، ضرب و شتم و کشتار آنها از جمله پرونده هایی است که باید بررسی شود و آمران و عاملان آن معرفی و محاکمه شوند. پروژه های سرکوبی دانشجویان و دانشگاه اگر چه در زمان کوتاه، امکان حرکت را از دانشجویان بگیرد اما دانشگاه با جنبش دانشجویی اش و با آن سابقه روشنگری در تاریخ مبارزه مردم ایران، همواره استبداد و به ویژه استبداد ولی فقیه را به چالش می گیرد.

پروژه میلیاردی آیت الله جنتی به کجا رسید؟

منصور امان

فراسوی خبر... ۶ شهریور

در تازه ترین تحول پیرامون پرونده "میلیاردی" که آیت الله جنتی در اوایل ماه گذشته علیه کسانی که آنها را "سران فتنه" می نامید گشود، یک عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس ملاها توضیح داده است که نیازی به ارایه سند و مدرک برای اثبات اتهام مزبور و پیگیری آن نیست.

خانم زهره الهیان یکی از نخستین کسانی بود که در دفاع از اتهام عنوان شده از سوی رییس شورای نگهبان، از وجود اسناد مرتبط با آن در دستگاه اطلاعاتی "نظام" خبر داد. این عضو محفل امنیتی - نظامی "رهپویان انقلاب اسلامی" قاطعانه اطلاع داده بود: "مستندات کمک مالی غرب در اختیار وزارت اطلاعات است که با توجه به درخواست مدعی العموم برای تفهیم اتهام در آینده به سران فتنه ارایه می شود."

اکنون این نماینده دولتی تصحیح کرده است که "شاید دیگر حتی نیازی به سند و مدرک هم در رابطه با کمکهای غرب به فتنه نگران نباشد". وی در باره چگونگی تکمیل شدن ادله ی پرونده بدون کمک "اسناد وزارت اطلاعات"، "مصوبات کنگره آمریکا در رابطه با حمایت مالی از سران فتنه" و "پرداخت هزینه های هنگفت از سوی دشمنان به موسسات مطالعاتی خود" را شاهد گرفته است.

این در حالی است که تنها دو روز پیش تر، وزیر اطلاعات با تاکید بر "کمک یک میلیاردی استکبارگران به سران فتنه"، از دستگیری "فردی که پُشتیبان خبری سران فتنه بود و CIA پول در اختیار او قرار داده بود" خبر داد. سخنان آقای مصلحی این گمانه را تقویت می کرد که دستگاه سرکوب آیت الله خامنه ای برای تکمیل زمینه چینی امنیتی آقای جنتی، در حال جور کردن قربانی و برپایی نمایشات اعتراف گیری می باشد.

"اسناد" تازه ای که خانم الهیان ارایه کرده است نشان می دهد که روند پیگیری دوسیه ای که رییس شورای نگهبان به جریان انداخت، با موانع مشخصی روبرو گردیده است. اگر اصلی ترین علت را بتوان باز تخمین هزینه های اجتماعی گسترش سرکوب به "سران فتنه" دانست، علت بعدی می تواند ژرفش یافتن شکاف در باند ولی فقیه بر سر بالانس قدرت باشد. در مجموع، پروژه ای که یک ماه پیش عملی به نظر می آمد و عوامل تبلیغاتی و اجرایی آن فعال شده بودند، اینک چنین می نماید که از دسترس خارج و به ناچار، به ردیف پایین تری از دستور کار فرو افتاده باشد.

این فراز و فرود، پروسه استهلاک امکانات باند ولی فقیه و آب رفتن میدان مانور آن را از یک زاویه دیگر نیز تشخیص پذیر کرده است.

اعتراض علیه سنگسار باید با اعتراض علیه نقض حقوق زن همراه باشد

لیلا جدیدی

فراسوی خبر... ۸ شهریور

وقتی پای زنان به میان می آید، درب حکومت جمهوری اسلامی بر دو پاشنه می چرخد: اشل بالای بهره جویی از وجود و جنسیت آنها و دیگری اعمال سخت ترین فرم مجازات علیه شان. این نگاه و رفتار ارتجاعی یادآور قرونی است که حاکمان رعب و وحشت، زنان "گستاخ" را که بنیان فرمانروایی آنان بر برده های خانگی را سست می کردند، با گیوتین سر می بریدند یا به خیمه آتش می سپردند.

این روزها زنان ایرانی شاهد نزاع وکالتی مرتجعین در مجلس ارتجاع بر سر حذف بیشتر حقوقشان زیر نام "لایحه حمایت از خانواده" هستند و برای روابط خصوصی شان نرخ تعیین می شود. در قانون اساسی رژیم عوام فریب، "افراد ملت اعم از زن یا مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند" اما به پشتوانه همین آیه دو پهلو و دم خروس "رعایت موازین اسلام"، زن ستیزی به اساسی ترین راهنمای برخورد حکومت به حقوق زنان تبدیل شده است.

روز شنبه تظاهرات کمپین "اعتراض علیه سنگسار در ۱۰۰ شهر جهان" که با استقبال روبرو شد، در ۱۱۰ شهر مختلف بر پا گردید. این کمپین به دعوت سازمانهای مدافع آزادی و حقوق بشر از جمله "اتحادیه بین المللی حقوق زنان" شکل گرفت. این اقدام گسترده اعتراضی و اقداماتی از این نوع، موضع گیری برخی از مراجع بین المللی و مقامهای دولتی از جمله برنارد کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه را در پی داشت. وی در نامه ای از کاترین اشتون، نماینده سیاست خارجی اتحادیه اروپا به مورد خانم سکینه محمدی آشتیانی و به طور کلی نقض حقوق بشر در ایران اشاره کرده و خواستار اقدام هماهنگ اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی شد.

بی شک افشاگرها و اعتراضاتی همچون "کمپین علیه سنگسار" بر وحشت رژیم از پیامدهای نقض افسار گسیخته حقوق شهروندان افزوده است و از این روست که برای خلاصی از این تنگنا، زیر عناوین گوناگون مانند یافتن "راهکارهای ویژه" که احتمالاً منظور صدور عفو ملوکانه از سوی خامنه ای است، به دست و پا افتاده است. در عین حال، رژیم ولایت فقیه به جای آنکه خود میثاقهای بین المللی و حقوق مدنی افراد را رعایت کند، اعتراض نهادهای حقوق بشری به مجازات سنگسار را ناقض "استقلال و حاکمیت کشورها" توصیف می کند.

از همین رو، اعتراض به سنگسار باید با اعتراض به نقض حقوق زنان که برابر با میثاقهای بین المللی همان نقض حقوق بشر است، همراه باشد زیرا مجازاتهای غیرانسانی و احکام ناعادلانه تنها بخشی از تجاوز به حقوق زنان ایرانی است.

طرح نظارت بر نمایندگان اجرایی کردن سیاست جذب حداکثری خامنه ای است.

جعفر پویه

فراسوی خبر... پنج شنبه ۴ شهریور
در راستای سیاست "جذب حداکثری" علی خامنه ای که چیزی نیست جز اطاعت محض همه باند های رژیم از او، از مجلس آخوندها خبر می رسد که طرح نظارت و کنترل نمایندگان در کمیسیون اصل ۹۰ به مرحله پایانی رسیده و هفته آینده به هیات ریسه مجلس فرستاده خواهد شد.

بر اساس این طرح، "شورای نگهبان" در نظر دارد در طول دوره نمایندگی، برگزیدگان خود را تحت نظارت و کنترل داشته و در صورت دست از پا خطا کردن، نافرمانها را از مجلس اخراج کند. طرح نظارت بر نمایندگان مجلس چیزی نیست جز به رخ کشیدن ابزار کنترل ولی فقیه بر نهادهایی که به دلایلی ممکن است مدت زمانی از دسترس او خارج شوند. با این طرح، شورای نگهبان که نقشی جز عامل اجرایی قدرت ولی فقیه ایفا نمی کند، می تواند موضوعاتی همچون مصونیت پارلمانی نمایندگان را از بیخ و بن کنده و به چاه قدرت بی انتهای ولی فقیه سرازیر نماید.

سالمات که رژیم جمهوری اسلامی برای ادای مدرنیته در آوردن، نهادهای مدنی و مدرن را با دستکاری و تخریب به ارگانهایی بی آزار برای نمایش تبدیل کرده است. برگزاری انتخابات و مهندسی کردن آن یا به زبان دیگر از صندوق بیرون کشیدن فرد مورد نظر ولی فقیه، قوه قضاییه و دستگاه داغ و درفش و دادگاه های بی خاصیت با وکلای بی اختیار و... از مواردی است که رژیم ولی فقیه از آنها برای گول زدن دیگران استفاده می کند و گر نه هیچ عملکردی از این نهادهای به ظاهر مدرن در راستای حقوق مردم بی نمی آید و تنها ابزار سرکوب و نمایش است.

تبدیل نمایندگانی که ممکن است به باندی دیگر بجز دار و دسته ولی فقیه تعلق داشته باشند به موجودی ترسو زیر شمشیر داموکلس شورای نگهبان و طرح نظارت آن، به معنی هر چه بیشتر خالی از واقعیت کردن نهاد مجلس است. هر چند این نهاد تا هم اکنون نیز به هر چیزی شبیه بود الا مجلس اما بعد از اجرایی شدن طرح نظارت بر نمایندگان مجلس، چیزی نخواهد بود غیر از هیاتی متوسل به ولی فقیه که چشم و گوش بسته باید مطیع و بله و قربان گوی او باشد.

اینگونه اصل تفکیک قوا و اختیار نهادهای متفاوت برای ادای وظیفه به زیر عبای ولی فقیه کشیده می شود و جذب حداکثری او می گردد. حال معلوم نیست فلسفه وجودی مجلسی که هیچگونه اختیاری ندارد و جرات نفس کشیدن نمی کند چیست؟ اصلن چرا به یکباره مجلس را تعطیل نمی کنند و همانطور که فاطمه رجبی می گوید، بساط رییس جمهور را هم همراه آن؟ زیرا با وجود ولی فقیه وجود همه اینها زاید و غیر ضروری است.

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

سر دبیر: زینت میرهائمی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر پویه

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۲۰ یورو

۲۴ یورو

۳۶ یورو

۴۰ یورو

۱ یورو

فرانسه

اروپا معادل

آمریکا و کانادا

استرالیا

تک شماره

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز ایران و

جهان، تحلیل مسائل روز، دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

NABARD - E - KHALGH

No : 303 23 Sep. 2010 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

شهادای فدایی مه‌رما

رفقای فدایی:

چنگیز قبادی - محمدعی سالمی - سید نوزادی
- حسن حامدی مقدم - غلامرضا صفری -
حسین علی زاده - رحمت شریفی - حسن
جلالی نائینی - لقمان مدائن - جهان‌شاه سمیعی
اصفهانی - محمدرضا فرشاد - ژیلای سیاب -
پروین فاطمی - اسماعیل بیدشهری - زهرا
بیدشهری - مصطفی رسولی - مهرنوش
ابراهیمی - منوچهر بهایی پور - سید احمد
لاری - کرامت قبادی - زاهد سجادی -
سیامک اسدیان (اسکندر) - مسعود بریری -
علیرضا صفری - فریبا شعیبی - ایراهیم شریفی
- علی حسن پور - محمد کس نژادی -
غلامحسین وندادنژاد - پرویز عندلیبیان -
مهدی خانزاده - خیرالله حسن وند - عبدالله
بزدانی - علی محمدنژاد - مریم توسلی -
فاطمه روغن چی - عزت الله معلم - سید ربیع
حسینی - رمضان قربانی - شهسوار شفیعی -
جعفر دلیر - بهرام بلوکی - روح الله الماسی -
غلامحسین مجیدی - احمد سلیمانی - عباس
گودرزی - حسن سعیت - حسن جان لنگرودی
- کامران علوی - فرشید فرجاد - احمد کیانی،
از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و
ارتجاع و برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم
توسط مزدوران رژیم‌های شاه و خمینی به
شهادت رسیدند.

این درحالی است که سازمان ملل و جامعه
جهانی تلاش می‌کند تا با اعمال تحریم‌های
بیشتر رژیم را وادار کند تا به همکاری با اژانس
در راستای شفاف سازی برنامه نظامی اتمی اش
پروازد. اما علی‌خامنه‌ای رهبر و ولی فقیه رژیم
می‌گوید: "ملت و مسئولان، بدون تردید
تحریم‌ها را دور می‌زنند و همچون سه دهه
گذشته تحریم‌ها را ناکام می‌گذارند."
ظاهر دور زدن تحریم‌ها و ناکام گذاشتن جامعه
جهانی با ثروت ملی مردم ایران و نابودی آنها
برای ولی فقیه رژیم بسیار مهمتر از همکاری در
راستای تنش زدایی و حل بحران است. رژیم
ضد مردمی جمهوری اسلامی در بن بست
گرفتار است. او راه برون رفت خود از این
وضعیت را تنش بیشتر و بحران بیشتر برآورد می
کند. به همین دلیل در راستای تنش و درگیری
قدم بر می‌دارد. در این میان چیزی که برای
سردمداران ضد مردمی آن مهم نیست، وضعیت
مردمی است که نیازمند صلح و آرامش هستند.

گزارش اژانس و ادامه

پروژه بمب اتمی رژیم

جعفر پویه

فراسوی خبر ... آدینه ۱۹ شهریور
به نظر می‌رسد سرپیچی رژیم جمهوری
اسلامی از خواسته‌های اژانس بین‌المللی
انرژی اتمی و بی‌توجهی به قطعنامه‌های
سازمان ملل پرونده تخلفات آن را وارد فاز تازه
ای کرده است. مدیر کل اژانس بین‌المللی
انرژی اتمی در جدیدترین گزارش خود از عدم
همکاری رژیم با اژانس و سنگ اندازی در
مقابل کارشناسان آن خبر می‌دهد. در گزارش
همچنین آمده که رژیم اقدام به شکستن مهر و
موم‌های اژانس در تاسیسات غنی سازی
اورانیوم کرده است.

مدیرکل اژانس همچنین با اشاره به ابعاد
نظامی برنامه اتمی رژیم و خودداری آن از ارائه
اطلاعات بیشتر در این باره، به ویژه نسبت به
احتمال فعالیت‌های هسته‌ای محرمانه با
مشارکت نهادهای نظامی ابراز نگرانی کرده
است.

تتها یک روز بعد از این گزارش فیلیپ کراولی،
سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، در گفتگو
با خبرنگاران گفت: "این گزارش به نگرانی‌های
ما درباره غنی‌سازی اورانیوم در ایران، ادامه
ساخت راکتور آب سنگین و نیز به نگرانی‌ها در
باره همکاری با اژانس و فراهم آوردن امکان
دسترسی بازرسان به سایت‌های کلیدی مهر
تایید می‌زند."

همزمان روسیه و چین دو شریک تجاری رژیم
نیز عکس‌العمل نشان داده و از رژیم خواسته
اند تا همکاری با اژانس را افزایش دهد.
سرگی لاروف وزیر امورخارجه روسیه در
کنفرانسی مطبوعاتی در پاریس گفت: "ایران
باید خواسته‌های اژانس را بلافاصله قبول
کند."

برنارد کوشتر وزیر امورخارجه فرانسه در همین
کنفرانس مطبوعاتی گفت: "همکاری و
هماهنگی با اژانس، از طرف رژیم ایران متوقف
شده است."

در پکن نیز جیانگ یو، سخنگوی وزارت امور
خارجه چین گفت: "امیدوارم همکاری ایران با
اژانس اتمی به شکل کامل پیگیری شده و
بدین ترتیب تهران بتواند اعتماد جامعه
بین‌المللی در صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای
خود را جلب کند."

گسیل چماقداران برای «تربیت

سیاسی» دانش آموزان

زینت میرهاشمی

فراسوی خبر ... ۲۳ شهریور

قاتلان اندیشه و آزادی و سانسورگران و سرکوبگران سازمانها و
احزاب سیاسی، می‌خواهند دانش آموزان را «تربیت سیاسی»
کنند. این «تربیت سیاسی» غالب کردن تفکر ارتجاعی در
مدارس است و این در حالی است که دانش آموزان بر سیستم
بسیج سازی در مدارس و نهادهای آموزشی خط بطلان کشیده
اند.

بر اساس گزارش خبرگزاری حکومتی ایلنا روز دوشنبه ۲۲
شهریور، معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش، کتابی به نام
«تربیت سیاسی» برای آموزش در مدارس راهنمایی و دبیرستان
تالیف نموده است. همچنین این وزارت خانه برای آموزش این
درس، به کارگیری ۲۰۰۰ نفر چماقدار را در نظر دارد. کارگزار
فوق اعلام کرده است که آموزش این کتاب باید در ردیف
درسهای «فیزیک، شیمی، ریاضی، فارسی و ...» قرار گیرد. بر
اساس این گزارش، قصد پایوران رژیم در ارائه این مواد درسی،
آشنایی دانش آموزان با «مفاهیمی نظیر جریان سیاسی، احزاب و
گروهها، تحلیل سیاسی، فرقه شناسی، ولایت فقیه و مهدویت»
خواهد بود. وقتی تاریخ ایران توسط آخوندها سانسور می‌شود و
کتابهای درسی طی سه دهه بنا به میل حاکمان تغییر کرده
است، چنین آموزشی مضحک خواهد بود.

در رویدادی دیگر، محمدعلی رامین معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد،
خواستار «جایگزینی مساجد به جای احزاب و ان جی اوها در
ساختار سیاسی کشور شد.» (همشهری ماه)

شرکت وسیع جوانان در خیزشهای مردمی با خواسته نفی
حکومت ایدئولوژیک و نیز نفی دخالت دین در حکومت بیانگر
شکست نظام ولایت فقیه برای بسیجی کردن جوانان متولد شده
در همین نظام است. جوانانی که در نظام آموزشی استبداد با
کلاسهای تربیت دینی و شعائر و تنظیمات دین اجباری و
حکومتی رشد نمودند و سینه شان را در برابر استبداد دینی سپر
کردند و به آن نه گفتند. بر همین سنگ پایه، بار دیگر رشته
های آموزشی و نیز درسهایی در شمار علوم انسانی زیر فتوای
آخوندها و مکلاها به رگبار بسته می‌شود و تهدید به حذف می
شوند. طوری که ولی فقیه پا به میدان گذاشت و هراسان
خواستار تحولات ساختاری در نظام آموزش و پرورش شد.

در شرایط کنونی، بر اساس رویدادهای پیش آمده، روانشناسی
تعبیر و امکان آن در میان جوانان نه یک ارمان دور از دسترس و
رویایی بلکه به امری عینی و دست یافتنی تبدیل شده است.
حضور انبوهی از جوانان زیر ۳۰ سال در سیاهچاله‌های رژیم، نفی
آشکار و علنی رژیم با همه شکل و شمایل آن است. جوانان در
زندگی روزمره شان، سیاست بسیج سازی را همچون گذشته به
شکست خواهند کشاند.

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم